



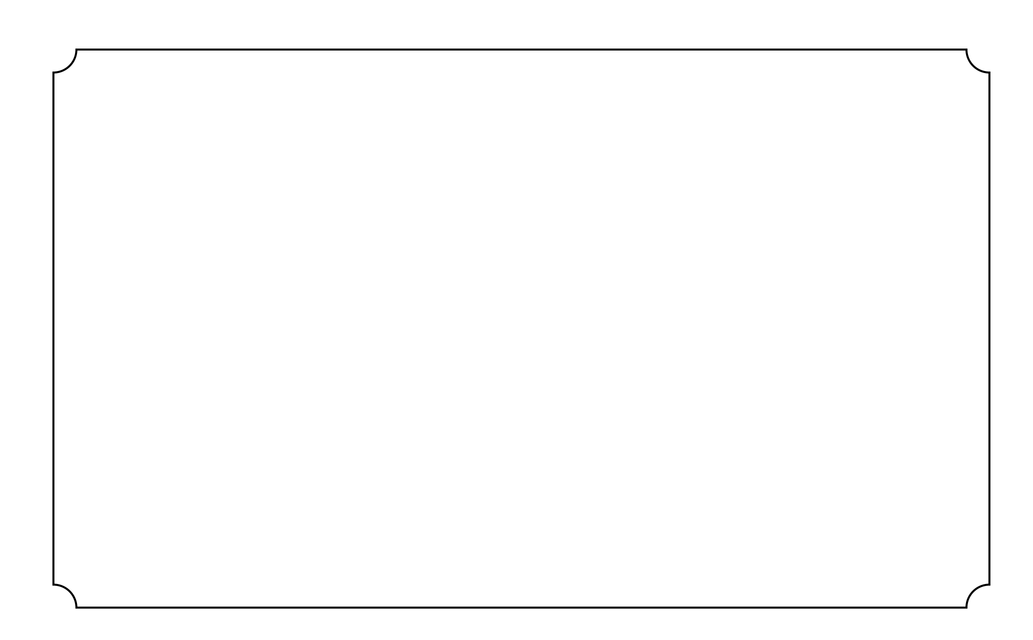
توحید

از خطبه های مسجد نبوی

تالیف
دکتر عبدالمحسن بن محمد القاسم
امام و خطیب مسجد نبوی شریف

توحید

از خطبه های مسجد نبوی



الطبعة الأولى

١٤٤٣هـ - ٢٠٢١م

توحید

از خطبه های مسجد نبوی

تالیف

دکتر عبدالمحسن بن محمد القاسم

امام و خطیب مسجد نبوی شریف

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

مقدمه

تمامی تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، که پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر پیامبر ما محمد ﷺ و بر اهل بیت و همه ی یارانش باد.

اما بعد:

قطعا اولین واجب بر بندگان توحید می باشد و بخاطر توحید، الله متعال انس و جن را آفریده و رسولانش را فرستاده و کتابهایش را فرو فرستاده و بهشت را به عنوان پاداش معرفی نموده، بخاطر مقام والای توحید؛ بزرگترین امری که مخلوقات به آن دعوت شده اند، نیز توحید می باشد.

و بخاطر اهمیت این اصل چندین خطبه در مسجد نبوی در این زمینه القا نمودم، بعدا آنها را در این کتاب مرتب نمودم، و آن را «**توحید از خطبه های مسجد نبوی**» نام گذاری نمودم، تعداد خطبه های این کتاب چهارده (۱۴) خطبه می باشد.

از الله متعال خواستارم که آن را سودمند قرار دهد و خالصانه قبول نماید.

و درود و سلام بر پیامبر ما محمد ﷺ و بر اهل بیت و همه ی یارانش باد.



اهمیت توحید[1]

همانا تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که الله او را هدایت کند، هیچ کس نمی تواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست، پیشه سازید، پس با تقوا بصیرت ها و قلبها روشن می شوند و گناه و معصیت ها از بین می روند.

ای مسلمانان:

الله متعال به ما دینی ارزانی نموده که با فطرت های راست و عقلهای سالم موافق است و برای هر زمان و مکان صلاحیت دارد و شامل علم و عبادت و گفتار و کردار و عقیده می باشد، الله متعال از مخلوقات هیچ دینی را جز این دین نمی پذیرد، ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ

---

(۱) این خطبه در روز جمعه، ۲٤ ذو الحجه سال ۱٤۲۲ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

ﭐلۡخَٰسِرِينَ﴾[1]، ترجمه: «و هر کسی که غیر از اسلام، آئینی دیگر را برگزیند، پس هرگز از او پذیرفته نمی شود، و او در آخرت از زمره زیانکاران خواهد بود».

در این دین کلمه ای وجود دارد، هر کس آن را صادقانه و از ته دل بگوید و به مقتضای آن خالصانه برای رضای الله عمل نماید، بدون حساب و عذاب وارد بهشت می شود، آن کلمه «لا إله إلا الله» می باشد، که بهترین گفتارهاست و با فضیلت ترین اعمال و بالاترین شعبه های ایمان می باشد، هر کس آن را حقیقتا از ته دل بگوید، به بالاترین درجات دین ارتقا یافته است و فقط به زبان آوردن آن برای دخول به اسلام یا مسلمان بودن، کافی نیست؛ بلکه لازم است که شخص مسلمان به معنای آن آگاهی کامل و به مقتضای آن عمل کند؛ از نفی شرک و اثبات یگانگی الله متعال، با اعتقاد راسخ به صحیح بودن آنچه که این کلمه شامل و خواهان آن است.

و مسلمان در ایمان و عقیده اش راستگوست و تسلیم احکام و دستورات و شرع الله و تقدیر می باشد، حاجات خود را فقط از الله می طلبد و رهایی از غم و اندوه را فقط از او سبحانه طلب می کند، الله تعالی می فرماید: ﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يَمۡسَسۡكَ بِخَيۡرٖ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾[2]، ترجمه: «اگر الله زیانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی تواند دفعش کند و اگر خیری به تو رساند، پس او بر همه چیز تواناست».

---

(۱) سوره آل عمران:۸۵.

(۲) سوره الأنعام:۱۷.

دعا و صدا زدن او ﷻ فقط عبادتی گرانقدر و از افضل ترین عبادات میباشد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الدُّعَاءِ**» (روایت احمد)[۱]، ترجمه: «هیچ چیز نزد الله از دعا با ارزشتر نیست».

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنهما قَالَ: «أَفْضَلُ العِبَادَةِ؛ الدُّعَاءُ»[۲]، ترجمه: عبدالله بن عباس رضي الله عنهما می گوید: «با فضیلت ترین عبادات: دعا می باشد».

و اگر حوادث و بلاهای برای شما پیش آمد و راه و چاره ها در مقابلت بسته شدند، ذات عظیم را صدا بزنید؛ زیرا هر کس از او طلب کند؛ به او عطا می کند و هر کس به او پناه ببرد؛ او را حمایت می کند، پیامبر ﷺ به عبدالله بن عباس رضي الله عنهما فرمودند: «**إِذَا سَالتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَلَوِ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ**» (روایت ترمذی)[۳]، ترجمه: «هرگاه چیزی خواستی فقط از الله بخواه و هرگاه طلب یاری و کمک خواستی؛ فقط از الله طلب یاری کن، و این را یقین بدان که اگر همه امت جمع شوند تا به تو سودی رسانند، نتوانند، مگر آن چه که الله برای تو نوشته باشد، و اگر همه امت جمع شوند، تا به تو زیانی برسانند، نمی توانند، مگر آنچه که الله برای تو مقدر نموده است».

---

(۱) مسند احمد (۱۸۳۶/۲) رقم حدیث: (۸۸۶۹).

(۲) تفسیر نیسابوری (۴۲/۶).

(۳) جامع ترمذی (۲۸۴/۴) رقم حدیث: (۲۵۱۶).

اگرچه نیازت کوچک باشد از طلب نمودن از پروردگارت دست مکش، ام المومنین عایشه ﵂ می گوید: «سَلُوا اللَّهَ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى الشِّسْعَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ إِنْ لَمْ يُيَسِّرْهُ لَمْ يَتَيَسَّرْ»[(۱)]، ترجمه: «از الله هر چیز سوال کنید حتی بند کفشهایتان؛ زیرا اگر الله متعال آن را میسر نکند، میسر نخواهد شد». و اما مرده و غائب؛ مالک نفع و ضرر خویش نیست، چه برسد به اینکه به دیگران نفع برساند و مرده محتاج دعای دیگران است، چنانچه پیامبر ﷺ هنگام زیارت قبرستان مسلمانان، به ما دستور دادند، که برای آنها دعای رحمت بکنیم، نه اینکه از آنها مدد و کمک بجوییم.

و پروردگارت به صفت بینایی و شنوایی متصف است و از جمله خدشه وارد نمودن در ربوبیت او و کوتاهی در الوهیت او این است، که: بین خود و الله در دعاها و حاجاتت واسطه قرار بدهی! در حالی که الله متعال می فرماید: ﴿ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ﴾[(۲)]، ترجمه: «فقط مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم». و از جمله اعمالی که با کلمه توحید و اخلاص در تضاد می باشند؛ سر بریدن و ذبح برای غیر الله می باشد: ﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ﴾[(۳)]، ترجمه: «بگو: بی شک نماز و قربانی و زندگی و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است، شریکی ندارد، به من چنین امر شده است، و من از نخستین مسلمانانم».

---

(۱) مسند أبو يعلى (۸/٤٤) رقم: (٤٥٦٠).

(۲) سوره غافر: ٦٠.

(۳) سوره الأنعام: ١٦٢-١٦٣.

و طواف به کعبه عبادتی است که شامل فروتنی و خضوع برای پروردگار خانه کعبه است، ﴿وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ﴾[۱]، ترجمه: «خانه ی قدیمی و گرامی (کعبه) را طواف نمایند».

و طواف غیر الله مانند: طواف بارگاهها و مقبره ها سبب محروم شدن از بهشت می گردد.

و سوگند راستین به الله در جایی که نیاز باشد احترام به پروردگار جهانیان است و سوگند به غیر الله، سبک شمردن ذات الله متعال می باشد، به همین دلیل پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ**» (روایت ترمذی)[۲]، ترجمه: «هر کس به غیر الله سوگند بخورد، قطعا کفر ورزیده یا شرک کرده است».

هر کس مهره و غیره را برای محافظت از چشم زخم یا جلب منفعتی استفاده کند؛ پیامبر ﷺ دعا نموده که الله متعال نیازش را برآورده نکند، بلکه عکس آنچه به او قصد کرده برسد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ تَعَلَّقَ تَمِيمَةً؛ فَلَا أَتَمَّ اللَّهُ لَهُ**» (روایت احمد)[۳]، ترجمه: «هر کس تعویذ و طلسمی به خود بیاویزد؛ الله متعال مقصودش را تمام نکند».

وپیامبر ﷺ از بیعت نمودن با شخصی که به خود تعویذ بسته بود، دست نگه داشت، عقبه بن عامر رضي الله عنه می گوید: «**أَقْبَلَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ رَهْطٌ، فَبَايَعَ تِسْعَةً، وَأَمْسَكَ عَنْ وَاحِدٍ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! بَايَعْتَ تِسْعَةً وَتَرَكْتَ هَذَا؟!**

---

(۱) سوره الحج:۲۹.

(۲) جامع ترمذی (۱۹٤/۳) رقم حدیث: (۱۵۳۵).

(۳) مسند احمد (۳۸۷٦/۷) رقم حدیث: (۱۷٦۷٦).

قَالَ: إِنَّ عَلَيْهِ تَمِيمَةً، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فَقَطَعَهَا فَبَايَعَهُ، وَقَالَ: مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً، فَقَدْ أَشْرَكَ» (روایت احمد)[۱]، ترجمه: «جمعی نزد رسول الله ﷺ آمدند، پیامبر ﷺ با نه تا بعیت نمودند، و از یکی دست نگه داشت، گفتند ای رسول الله! با نه تایمان بیعت نمودی و این را رها نمودی؟! فرمودند: این به خود تعویذی بسته؛ پس آن شخص دست خود را داخل لباسش نمود و آن را کَند، پیامبر ﷺ با او بیعت نمودند و فرمودند: هر کس به خود تعویذ آویزان کند؛ قطعا شرک ورزیده است».

هنگام سختی و غم و اندوه به الله واحد و دیان پناه ببر، زیرا او بهترین اجابت کننده است و هر کس که نفس او تنها به الله وابسته شد و حاجاتش را از او خواست و به او پناه برد و همه امورش را به او سپرد؛ او برای همه ی اهدافش کافیست و همه سختی ها را برایش آسان می کند، و هر کس به غیر الله وابسته شد، یا به علم و عقل و تعویذات آن شخص آرام گرفت و بر توانایی و قدرت او اعتماد نمود، الله متعال او را به آن شخص می سپارد و او را یاری نمی کند، صاحب کتاب «تیسیر العزیز الحمید» می گوید: «این با نصوص و تجربه شناخته شده است»[۲].

و از جمله آلات و ابزار نابود نمودن دین امور ذیل می باشند: رفتن پیش شعبده بازان و ساحران و پرسش از کاهنان و غیب گویان، الله ﷻ می فرماید: ﴿وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنۡ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحۡنُ فِتۡنَةٞ فَلَا تَكۡفُرۡۖ﴾[۳]، ترجمه: «و

---

(۱) مسند احمد (۳۸۸۰/۷) رقم حدیث: (۱۷٦۹٤).

(۲) تیسیر العزیز الحمید (ص:۱۳٦).

(۳) سوره البقرة:۱۰۲.

به هیچ کسی چیزی نمی آموختند، مگر اینکه پیشاپیش بدو می گفتند: ما وسیله ی آزمایش هستیم، کفر مورز».

و در حدیث آمده: «**مَنْ أَتَى عَرَّافاً أَوْ كَاهِناً، فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ؛ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ**» (روایت احمد)[1]، ترجمه: «هر کس نزد غیبگو یا کاهنی برود و او را تصدیق نماید؛ قطعا به آنچه بر محمد ﷺ نازل شده کفر ورزیده است».

و هر کس از ساحران حیله و مکری برای دیگران سوال کند، کیفر و عاقبت نیرنگش به خودش باز می گردد، الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَا يَحِيقُ ٱلْمَكْرُ ٱلسَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِۦ﴾[2]، ترجمه: «و حیله گریهای زشت جز دامنگیر حیله گران نمی گردد».

و تاریکی با تاریکی برطرف نمی شود، تاریکی سحر با روشنایی قرآن برطرف می شود، نه با سحری مثل خودش، ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾[3]، ترجمه: «و از قرآن آنچه را که شفا و مایه بهبودی و رحمت برای مومنان است فرو می آوریم».

پس – ای مسلمان – عقیده ات را مصون بدار، زیرا عقیده گران بهاترین چیزی است که مالک آن هستی و عزیز ترین چیزی است که او را ذخیره می کنی و شرک نور فطرت را خاموش می کند و سبب بدبختی و مسلط شدن دشمنان میگردد.

---

(۱) مسند احمد (۱۹۹۶/۲) رقم حدیث: (۹۶٦۷).

(۲) سوره فاطر:٤٣.

(۳) سوره الإسراء:۸۲.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿فَٱسۡتَمۡسِكۡ بِٱلَّذِيٓ أُوحِيَ إِلَيۡكَۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ * وَإِنَّهُۥ لَذِكۡرٞ لَّكَ وَلِقَوۡمِكَۖ وَسَوۡفَ تُسۡـَٔلُونَ﴾ [1]، ترجمه: «بدان چیزیکه به تو وحی شده است محکم چنگ بزن، چرا که تو قطعاً بر راه راست قرار داری، و بی شک که قرآن مایه ی پندی برای تو و قوم تو است و به زودی از شما پرسیده خواهد شد».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

(۱) سوره الزخرف:۴۳-۴۴.

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیت و همه ی یارانش باد.

اما بعد: ای مسلمانان:

دومین رکن بعد از شهادتین نماز می باشد و همچنین اولین چیزی است که بنده روز قیامت از آن محاسبه می شود، پس در ادای آن با جماعت مسلمانان سستی نکن، و کسالت را بر طاعت پروردگار جهانیان ترجیح مده و برای آنچه که الله متعال برای حفاظت کنندگان آن از؛ بخشش های بیکران آماده کرده، کوتاهی نکن و دروازه های خیرات برای بنده به اندازه نزدیکیش به الله متعال باز می شود و از معصیت و گناهان خود را دور کن، زیرا گناهان؛ طاعات و عبادات را سخت و سنگین می کنند.

سرافرازی دین الله در دعوت دادن به آن و پیروی از رسولان و پیامبران میباشد و این بهترین و گرامی ترین گفتارهاست، در ابتدا بیماری را کشف کن، سپس داروی مناسب برایش تجویز کن و حال کسانی را که دعوتشان می دهی و به آنچه نیاز دارند را بدان، هموم و افکار مردم را تحمل کن و افکار خود را به مردم تحمیل نکن.

و بسیار توبه و استغفار کن، زیرا اعتبار در اکمال پایان کار است نه کوتاهی در ابتدای آن و نشانه قبولی نیکی: انجام دادن نیکی، به دنبال آن می باشد،

قتاده ﷬ می گوید: «این قرآن شما را به مرض و علاج آن راهنمایی می کند؛ امراض گناهان می باشند و اما علاجشان استغفار می باشد»[۱]، و استغفار سبب ورود به بهشت و زیاد شدن روزی و بهره ی خوب و دفع بلا می باشد، ابومنهال ﷬ می گوید: «هیچ بنده ایی در قبرش همسایه ایی محبوبتر از استغفار پیدا نکرده است»[۲].

سپس بدانید که الله متعال شما را به سلام درود بر پیامبرش امر نموده...

---

(۱) تفسیر ابن کثیر (۳۲۱۹/۷).

(۲) الزهد امام احمد (ص:۲٦٦).

چنگ زدن به توحید[1]

تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند؛ که در کمال و جاودانی و عزت و کبریا تک و فرزانه است، ذاتی که به بهترین نامها و صفات متصف است و از هر شبیه و مانند پاک و منزه است و او را بابت آنچه داده و بخشیده سپاس می گویم.

و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد، از نهان و رازها آگاه است.

و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، که با حجتی واضح و شریعتی تابان مبعوث شده، درود و سلامی همیشگی و مستدام تا روز قیامت و روز جزا بر وی و بر اهل بیت وی و بر یاران پرهیزگارش باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای او را آنگونه که شایسته اوست پیشه سازید و برای روزی اعمال نیک انجام دهید؛ که رازها و آنچه در سینه ها و درونها مخفی است آشکار می شوند.

ای مسلمانان:

همه ی مردم بر حق و یک دین و بر آن فطرت اسلامی که؛ الله متعال در وجود آنها نهاده و بر آن هدایت و روشنایی که از آنها عهد و پیمان بسته بود؛

(۱) این خطبه در روز جمعه، ۲٤ ذو القعده سال ۱٤۱۹ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

بودند، هنگامی که مدتها از آنها گذشت و آثار یکتا پرستی از وجود آنها از بین رفت و نا خالصی هایی در آنها بوجود آمد که سبب الودگی عقیده آنها شد و رونق و صفای توحید از بین رفت؛ در منجلاق شرک قرار گرفتند، انواع و اقسام عبادات را برای غیر الله انجام دادند، در نتیجه وحدت و یکپارچگی آنها متلاشی شد، و بین آنها اختلاف و درگیری صورت گرفت، الله متعال پیامبران را به عنوان بشارت دهنده و هشدار دهنده فرستاد، تا انسانها بعد از آن هیچ حجتی نداشته باشند، پیامبر ما محمد ﷺ به سوی امتی فرستاده شد که در جاهلی و گمراهی کامل به سر می بردند؛ شرک اساس دین شان، و بت ها سرور و پروردگار آنها بودند، پیامبر ﷺ آنها را به دین یکتاپرستی، که ادله بر آن قائم و نشانه ها بر صحت آن واضح و شواهد آن را ثابت کرده بود؛ دعوت داد.

مومنان با عقیده شان مورد خطاب قرار می گیرند تا ایمان شان بیفزاید، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلْكِتَـٰبِ ٱلَّذِى نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَٱلْكِتَـٰبِ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ مِن قَبْلُ﴾ [1]، ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید! به الله و پیامبرش و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاده، و کتابی که از پیش فرو فرستاده، ایمان بیاورید».

تا در محقق بودن دین شان مطمئن باشند، و از نقص یا اختلال در آن برحذر باشند؛ بلکه الله متعال رسولان و پیامبرانش را به رهایی از شرک و برائت از مشرکان مخاطب قرار داده - با وجود اینکه محال است این کار را انجام بدهند - الله ﷻ می فرماید: ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِى

---

(۱) سوره النساء:۱۳۶.

شَيۡـٔٗا وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ﴾[۱]، ترجمه: «و (به یاد آور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم تعیین کردیم؛ (و گفتیم:) چیزی را شریک من قرار مده، و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع و سجده کنندگان پاکیزه دار».

به برگزیده ترین مخلوقاتش محمد ﷺ فرمود: ﴿وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ﴾[۲]، ترجمه: «به‌سوی پروردگارت دعوت کن، و هرگز از مشرکان مباش». و همچنین خطاب به او فرمود: ﴿فَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُعَذَّبِينَ﴾[۳]، ترجمه: «پس (ای پیامبر!) هیچ معبودی را با الله مخوان، که از عذاب شدگان خواهی بود».

و گمراهان با آن نیز مخاطب قرار گرفته اند؛ تا راه هدایت را برگزینند، الله جلَّ شأنه فرمود: ﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۭ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡـٔٗا وَلَا يَتَّخِذَ بَعۡضُنَا بَعۡضًا أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُولُواْ ٱشۡهَدُواْ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ﴾[۴]، ترجمه: «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز الله را نپرستیم، و چیزی را شریک او نسازیم برخی از ما برخی دیگر را به جای الله رب قرار ندهد، پس اگر (از این دعوت) روی گرداندند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم».

---

(۱) سوره الحج:۲٦.

(۲) سوره القصص:۸۷.

(۳) سوره الشعراء:۲۱۳.

(٤) سوره آل عمران:٦٤.

هیچ شگفتی در این نیست؛ زیرا یگانه دانستن الله در تمام عبادات اصل دین و اساس کار می باشد، و بر آن قبله بنا شده و ملت بر آن تاسیس شده، و اولین دستور در قرآن همین می باشد، و اولین نهی در آن، نهی از شرک می باشد، الله متعال می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ۞ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾[1]، ترجمه: «ای مردم، پروردگار خود را پرستش کنید، آن ذاتی که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزگار شوید. آن ذاتی که زمین را برای شما بگسترد و آسمان را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و بوسیله ی آن انواع میوه‌ها را بوجود آورد تا روزی شما باشند، بنابراین برای الله همتایانی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید».

تا زمانیکه شخص اقرار به یگانگی الله متعال نکند ورودش در اسلام صحیح نمی باشد، و کلمه ی توحید آخرین چیزی است که شخص مسلمان دار فانی را با آن وداع می گوید، پیامبر ﷺ می فرماید: «**لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» (روایت مسلم)[2]، ترجمه: «لا إله الا الله را به کسانی که در حال مرگ اند؛ تلقین نمایید».

ارتکاب شرک گناهش سنگین تر از کشتن فرزند می باشد، عبد الله بن مسعود رضي الله عنه میگوید: «**سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: أَيُّ الذَّنْبِ عِنْدَ اللَّهِ أَكْبَرُ؟ قَالَ: أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدّاً، وَهُوَ خَلَقَكَ، قُلْتُ: ثُمَّ أَيٌّ؟ قَالَ: ثُمَّ أَنْ تَقْتُلَ وَلَدَكَ خَشْيَةَ أَنْ**

---

(۱) سوره البقرة:۲۱-۲۲.

(۲) صحیح مسلم (۲/۶۳۱)، حدیث رقم:(۹۱۶).

يَطْعَمَ مَعَكَ» (متفق علیه)[1]، ترجمه: از رسول الله ﷺ پرسیدم بزرگترین گناه، نزد الله متعال چیست؟ فرمودند: «شرک ورزیدن به الله متعال در حالی که او تو را آفریده است» گفتم: پس از آن کدام گناه بزرگتر است؟ فرمودند: «اینکه فرزند خود را بکشید، از ترس اینکه با تو غذا بخورد».

لذا نهی از شرک، در قرآن بسیار تاکید شده است، و همچنین دستور به توحید و الله متعال قرآن را با آن آغاز و آن را تکرار نموده، و برای وضوح آن ضرب المثل بیان نموده است.

و دستور به عبادت الله اولین دعوت رسولان بوده، ابراهیم خلیل علیه السلام دعوت پدرش را با آن آغاز نمود: ﴿يَٰٓأَبَتِ لِمَ تَعۡبُدُ مَا لَا يَسۡمَعُ وَلَا يُبۡصِرُ وَلَا يُغۡنِي عَنكَ شَيۡـٔٗا﴾[2]، ترجمه: «ای پدرم! چرا چیزی پرستش می کنی که نه می شنود و نه می بیند و نه هیچ نیازی از تو برآورده می سازد».

و به خاطر اهمیت والای توحید پیامبر ما محمد ﷺ مردم را ده سال قبل از فرض شدن نماز فقط به آن دعوت می داد.

و همه ی دعوتگران را به آغاز نمودن دعوت خویش به توحید سفارش نموده، پیامبر ﷺ وقتی معاذ رضی الله عنه به یمن فرستاد، خطاب به وی فرمودند: «**إِنَّكَ تَأْتِي قَوْماً مِنْ أَهْلِ الكِتَابِ؛ فَادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ**» (متفق

---

(۱) صحیح بخاری (۶/۱۰۹) حدیث رقم: (۴۷۶۱)، صحیح مسلم (۱/۶۳)، حدیث رقم:(۸۶).

(۲) سوره مریم:۴۲.

علیه)[1]، ترجمه: «تو پیش قومی از اهل کتاب می روی؛ از آنها بخواه تا گواهی دهند که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال وجود ندارد».

امام موحدین ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ این گونه دعا می نمود: ﴿وَٱجۡنُبۡنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ﴾[2]، ترجمه: «بار الها! من و فرزندانم را از پرستش بت ها محفوظ بگردان»، ابراهیم تیمی رَحِمَهُ اللهُ می گوید: «چه کسی از بلاء شرک بعد از ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ از نفس خویش در امان است».

همه ی پیامبران یکدیگر را به ثابت قدمی بر دین حق و عقیده صحیح تا آخرین لحظه زندگی سفارش نموده اند: ﴿وَوَصَّىٰ بِهَآ إِبۡرَٰهِـۧمُ بَنِيهِ وَيَعۡقُوبُ يَٰبَنِيَّ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰ لَكُمُ ٱلدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ﴾[3]، ترجمه: «و ابراهیم و یعقوب، فرزندان خویش را به این آیین سفارش کردند: ای فرزندان من! الله این دین و آیین را برای شما برگزیده است، پس نمیرید جز اینکه مسلمان باشید».

و از همین توحید پیامبران در فراش مرگ فرزندان خویش را سوال نمودند: ﴿أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ حَضَرَ يَعۡقُوبَ ٱلۡمَوۡتُ إِذۡ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعۡبُدُونَ مِنۢ بَعۡدِيۖ قَالُواْ نَعۡبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ إِلَٰهًا وَٰحِدًا وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ﴾[4]، ترجمه: «آیا هنگامی که مرگ یعقوب را فرا رسید، شما حاضر بودید؟

(۱) صحیح بخاری (۱۶۲/۵) رقم حدیث: (۴۳۴۷)، صحیح مسلم (۳۷/۱) رقم حدیث: (۱۹).

(۲) سوره إبراهیم:۳۵.

(۳) سوره البقرة:۱۳۲.

(۴) سوره البقرة:۱۳۳.

آنگاه که به فرزندان خویش گفت: پس از من چه چیزی را می پرستید؟ گفتند: معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، الله یکتا را می پرستیم، و ما تسلیم او هستیم».

ای مسلمانان:

هدایت بهترین مطلب و کسب آن افتخار آمیز ترین نعمت ها می باشد و اعتقاد صحیح امان ترین پناهگاه، هنگام سختی ها و مشکلات می باشد: ﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمۡ يَلۡبِسُوٓاْ إِيمَٰنَهُم بِظُلۡمٍ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡأَمۡنُ وَهُم مُّهۡتَدُونَ﴾[1]، ترجمه: «آنان که ایمان آوردند و ایمان خود را به شرک آلوده نکردند، امنیت از آن آنهاست، و آنها هدایت شدگانند».

و هنگام طوفان فتنه و مشکلات و سختی ها فقط تنها به الله متعال پناه بردن، راه نجات می باشد، الله ﷻ می فرماید: ﴿وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ❁ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُـۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾[2]، ترجمه: «و یاد کن ذا النون (یونس) را هنگامی که خشمگین شد، چنین پنداشت که ما هرگز بر او سخت و تنگ نمی گیریم، در میان تاریکیها فریاد برآورد که هیچ معبود بر حقی جز تو نیست و تو پاک و منزهی همانا من از

---

(۱) سوره الأنعام:۸۲.

(۲) سوره الأنبياء:۸۷-۸۸.

جمله ستمکاران بودم، پس دعایش را پذیرفتیم و وی را از غم رها ساختیم و همچنین مومنان را نجات می دهیم».

عقیده ناب نیت ها را اصلاح می نماید، و خواهشات نفسانی را کنترل میکند و در کار و زندگی انسان برکت، و نام و آوازه را ماندگار می گرداند، ابوجهل چطور به سیرت و زندگینامه ابوبکر صدیق دست می یابد!، و بلال از لحاظ نسب با ابولهب کجا مساوی می باشند!، اما خسارت دین هیچ عوضی را نمی پذیرد گر چه مقابل طلا باشد، الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٞ فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡ أَحَدِهِم مِّلۡءُ ٱلۡأَرۡضِ ذَهَبٗا وَلَوِ ٱفۡتَدَىٰ بِهِۦٓ﴾[1] ، ترجمه: «به درستی کسانی که کفر ورزیدند، و در حال کفر مردند، گر چه زمین را پر از طلا کنند، آن را فدیه (نجات از عذاب) دهند، هرگز از آنها پذیرفته نخواهد شد».

ای مسلمانان:

به خاطر توحید کعبه بنا شده، همه نسل ها برای طواف آن می روند، و مسلمانان در رسیدن به آن رقابت می ورزند، و در جوار آن ایمان و در فضایش امنیت و آرامش وجود دارد: ﴿وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡـٔٗا﴾[2] ، ترجمه: «و زمانی را که جای خانه کعبه را برای ابراهیم تعیین نمودیم و فرمودیم: چیزی را شریک من قرار نده».

---

(۱) سوره آل عمران: ۹۱.

(۲) سوره الحج: ۲۶.

در شعار حج نفی شرک وجود دارد: «**لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ**»، ترجمه: «بارالها! آماده و فرمانبردار دستور تو هستیم، هیچ شریکی نداری، فرمانبردار تو هستیم»، و بهترین دعای روز عرفه بالا بردن مقام توحید می باشد، پیامبر ﷺ میفرمایند: «**خَيْرُ الدُّعَاءِ دُعَاءُ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَخَيْرُ مَا قُلْتُ أَنَا وَالنَّبِيُّونَ مِنْ قَبْلِي: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**» (روایت ترمذی)[۱]، ترجمه: «بهترین دعاها، دعای روز عرفه می باشد، و بهترین ذکر و گفتاری که من و پیامبران پیشین گفته اند اینست که: هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد، یکتاست، شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، تمامی ستایش ها مخصوص او می باشند، و او بر همه قادر و تواناست».

توحید خالص و ناب لب همه ی پیام های آسمانی و اساس همه ی ادیان می باشد و حق و حقیقتی است که بر ما لازم است برای پاسداری آن به غیرت بیاییم و آن را از هر نا خالصی محفوظ نگه بداریم، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَۖ﴾[۲]، ترجمه: «و یقینا ما در میان هر امتی پیامبری فرستادیم، که فقط الله را بپرستید، و از طاغوت اجتناب کنید».

بندگان الله:

پیامبر ﷺ دعوتش را بر کلمه توحید و آیین ناب بنیانگذاری نمود، و ابراهیم علیه السلام توحید را در بازماندگانش بجا گذاشت، و هیچ گوینده ای بهتر از

---

(۱) جامع ترمذی (٥٤١/٥) رقم حدیث: (٣٥٨٥).

(۲) سوره النحل:٣٦.

«لا إله إلا اللّه» ،اللّه متعال را ستایش ننموده، به مقتضای آن عمل نمودن؛ پاداش و مزدش بهشت می باشد، و اگر با تمامی آسمانها و زمین وزن شود، بر آنها سنگینی می کند، سفیان بن عیینه رحمه الله می گوید: «اللّه متعال هیچ نعمتی بر بنده ای از بندگانش با ارزش تر از شناخت لا إله إلا اللّه ارزانی نکرده است».

توجه کنید! فقط به زبان آوردن کلمه توحید سودی ندارد، مگر اینکه شخص مفاد و مقتضای آن را به صورت نفی و اثبات[۱] و شرائط آن را بداند، که عبارتند از: علم و یقین داشتن به معنای آن، و اخلاص، و صداقت در عمل به مقتضای آن، و دوست داشتن، و تسلیم شدن، و قبول نمودن آنچه به آن راهنمایی میکند، و کفر ورزیدن به هر چه که به غیر از اللّه عبادت می شود.

ای مسلمانان:

توحید و شرک مانند شب و روز ضد و نقیض هم هستند، که هرگز با هم جمع نمی شوند، هرگاه شرک مشاهده شد، ایمان منتفی می شود.

پروردگارت به تو برتری داده و تو را از خوار و ذلیل گردانیدن قلب و چهره خویش برای غیر از خود محفوظ نموده، و تو را به شتافتن به سوی خود دعوت مینماید، پس دل و جان خویش را فقط به او بسپار و خود را برای کسی دیگر خوار نکن و غیر از خالق آسمان ها و زمین را مخوان، چگونه مساوی می شوند کسانی که ذات زنده ای را صدا می زنند که هرگز از بین نمی رود، با کسانی که مرده ها را صدا می زنند! و قلب شان وابسته به استخوانهای پوکیده و خاکستر شده در قبرها می باشد!.

(۱) یعنی: نفی تمام معبودان باطل و اثبات آن فقط برای اللّه متعال. مترجم.

ای مسلمان:

از ذبح کردن برای غیر الله بپرهیز، زیرا ذبح کردن فقط برای الله متعال عبادت محسوب میشود و برای غیر الله شرک می باشد؛ الله آن پروردگاریست که تو را آفریده و او به تو این حیوانی را که سر می بری عطا کرده، پس آن را، جز برای ذاتی که تو و آن حیوان را آفریده، ذبح نکن ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنۡحَرۡ﴾[1]، ترجمه: «پس برای پروردگارت نماز بخوان و برای او قربانی کن».

و جز با نام الله سوگند نخور؛ زیرا الله متعال به تو گویایی عطا نموده، پس فقط شکر گذار او باش، و به غیر از او سوگند نخور، نه به پیامبر و نه به ولی و بزرگی و نه به نعمت و نه به زندگی مخلوقی سوگند یاد کن، پیامبر ﷺ می فرماید: «**مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ؛ فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ**» (روایت ترمذی)[2]، ترجمه: «هر کس به غیر الله سوگند بخورد، قطعا کفر ورزیده یا شرک کرده است».

حلقه و رشته ها و تعویذها مخلوقاتی جامد و بی جان هستند، و تو مخلوقی زنده!، پس مواظب خویش باش تا از جایگاه و منزلت خویش بعد از اینکه الله متعال آن را برتری داده، بکاهید، به جمادات پناه مبر، آن را بر سینه و بازوی خویش به بهانه ی اینکه محافظ بدی ها و جلب کننده خوبی هاست و از چشم زخم نجات می دهد، نبند، در حالیکه الله متعال می فرماید: ﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يُرِدۡكَ بِخَيۡرٖ فَلَا رَآدَّ لِفَضۡلِهِۦۚ﴾[3]، ترجمه: «و اگر

---

(١) سوره الكوثر:٢.

(٢) جامع ترمذی (٣/١٩٤) رقم حدیث: (١٥٣٥).

(٣) سوره یونس:١٠٧.

الله زیانی به تو برساند پس جز او هیچ کس نمی تواند آن را برطرف کند، و اگر اراده خیری برای تو کند پس هیچ کس فضل او را نمی تواند باز دارد».

و پیامبر ﷺ می فرماید: «**مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً؛ فَقَدْ أَشْرَكَ**» (روایت احمد)[۱]، ترجمه: «هرکس تعویذی به خود آویزان کند؛ قطعا شرک ورزیده است».

و فقط به الله متعال تکیه کن و همه ی امورت را به او بسپار.

ای مسلمانان:

برخی از مردم حکمت آفرینش خویش را نمی دانند، لذا هوای نفسانی آنها را از حق دور انداخته، و فتنه ها و مرض ها بر آنها چیره گشته، عده ای با ساحران و شعبده بازان و دروغگویان مبتلا گشته اند، به بهانه ی اینکه از غیب و آینده اطلاع دارند و در مقابل این جز گمراهی و هدر دادن اموال خویش در راه باطل چیزی عایدشان نمی گردد، در حالی که الله متعال حق را در این فرموده ی خویش بیان نموده: ﴿قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ﴾[۲]، ترجمه: «بگو در آسمانها و زمین جز الله متعال هیچ کس علم غیب را نمی داند و نمی دانند که چه زمانی برانگیخته می شوند».

و پیامبر ﷺ می فرماید: «**مَنْ أَتَى كَاهِناً أَوْ عَرَّافاً فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ؛ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ**» (روایت احمد)[۳]، ترجمه: «هر کس نزد کاهن یا غیبگویی

---

(۱) مسند احمد (۳۸۸۰/۷) رقم حدیث: (۱۷۶۲۸).

(۲) سوره النمل:۶۵.

(۳) مسند احمد (۱۹۹۶/۲) رقم حدیث: (۹۶۶۷).

برود و او را تصدیق نماید؛ قطعا به آنچه بر محمد ﷺ نازل شده کفر ورزیده است».

عده ای از مردم از آنچه به، بخت نگری و نجوم گری و فالگیری و حاضر کردن ارواح و خواندن کف دست، می نامند، فریب خورده اند، در نتیجه دچار سیل توهم و عدم رضایت به تقدیر مبتلا شده اند، الله می فرماید: ﴿أَمۡ عِندَهُمُ ٱلۡغَيۡبُ فَهُمۡ يَكۡتُبُونَ﴾[1]، ترجمه: «آیا نزدشان علم غیب است پس ایشان می نویسند».

بندگان الله:

اخلاص تاج اعمال است و هرکس با الله، شریکی قرار دهد الله متعال از شرک بی نیاز می باشد و برای بندگانش کفر را نمی پذیرد، پس وای بر ریا کارانی که نه دنیایی جمع نمودند! و نه برای آخرت خویش عمل نمودند!، پیامبر ﷺ میفرمایند: «**الْمُتَشَبّعُ بِمَا لَمْ يُعْطَ كَلَابِسِ ثَوْبَيْ زُورٍ**» (متفق علیه)[2]، ترجمه: «هرکس اینگونه وانمود کند که به او چیزی داده شده است، در حالی که چنین نباشد، مانند کسی است که پیراهن و شلوار دورغین (مال دیگری) به تن کرده باشد».

قطعا آرزوی ریاکاران به باد رفت، و تلاش شان تحقق نیافت، در دنیا رسوا و در آخرت هیچ پاداش نیکی نیافتند، لذا از ریا و شهرت طلبی برحذر باش، زیرا

---

(۱) سوره الطور: ٤١.

(۲) صحیح بخاری (۳٥/۷) رقم حدیث: (٥۲۱۹)، صحیح مسلم (۱٦۸/٦) رقم حدیث: (۲۱۲۹).

اولین کسانی که آتش جهنم بر آنها روز قیامت شعله ور می شود، ریاکاران میباشند.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ﴾ [۱]، ترجمه: «وفرمان داده نشده اند جز آن که الله متعال را مخلصانه و حق گرایانه بپرستند و نماز را بر پای دارند و زکات را بپردازند و این است آئین راستین».

الله متعال به من و شما در قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

---

(۱) سوره البينة:۵.

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که به احسانش هدایت یافتگان را هدایت داد و با عدلش گمراهان را بر ضلالت قرار داد، او را سپاسی مانند سپاس بندگانی که او را از آنچه ظالمان به او نسبت می دهد؛ منزه و پاک می دانند، گویم.

و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، الله پروردگار عرش از آنچه به او توصیف می کنند منزه است.

و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده و دوست اوست، راستگو و امانتدار است، بارالها! درود و سلام فروان بر او و اهل بیت و یارانش آنانکه روش او را چنگ زده و بر منهج او بروند.

اما بعد، ای مسلمانان:

ایمان کالای ناچیز یا شعار دادن و مجرد لقب نیست، بلکه ایمان واقعی: اعتقاد سالم و کردار صحیح و ولاء و براء و اصلاح ظاهر و باطن و سخاوت بخشیدن و امتناع از آسیب رساندن است.

و دستیابی به توحید به آگاهی درونی و جدی و همیشگی نیاز دارد، که از نفس و هوای نفسانی هر فکر و انگیزه ای که در عبودیت الله متعال خدشه وارد می کند؛ را نفی کند.

و هر کس در ورطه ی شرک اکبر قرار گرفت؛ در نتیجه از مردگان تقاضای بر طرف نمودن فقر یا بیماری نمود، یا از آنها تقاضای منافعی - مانند: کسب مال یا فرزند - نمود، یا از بارگاه ها و مردگان کمک خواست، یا آنها را طواف نمود،

یا برای آنها نذر کرد؛ چنین شخص از مقام توحید ربوبیت کاسته، و توحید الوهیت را کمرنگ ساخته، و به پروردگار جهانیان بد گمان شده، و مرتکب بزرگترین گناه های نزد الله متعال شده، و بهشت بر او حرام شده، و در آتش جهنم همیشه جاودان گشته، الله ﷻ می فرماید: ﴿إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ﴾ (۱)، ترجمه: «هر کس به الله شرک ورزد، الله متعال بهشت را بر او حرام نموده، و جایگاه او دوزخ است، و ستمکاران هیچ یاوری ندارند».

پس راه و روش حق را پیش بگیر، و راه رستگاری را انتخاب کن، و در حفظ عقیده خویش کوشا باش، زیرا از عذاب الله جز خودش هیچ نجات دهنده ایی نیست و آنچه نزد الله است فقط با خالصانه نمودن آنچه برای بندگانش مشروع نموده تا با آن به او تقرب جویند؛ حاصل می شوند.

و توحید تنها دروازه ی امیدواری در تاریکی های زندگی می باشد، و هرگز به خواسته ی خویش نمی رسید؛ تا اینکه الله متعال را در تمامی گفتار و کردار خویش یگانه ندانید، اوست که تو را دوباره زنده می کند، و از کردارت تو را محاسبه می کند ﴿أَلَآ إِلَى ٱللَّهِ تَصِيرُ ٱلۡأُمُورُ﴾ (۲)، ترجمه: «آگاه باشید که همه کارها به سوی الله باز می گردند».

پس بدانید که الله شما را به درود و سلام فرستادن بر پیامبرش امر نموده، است...

---

(۱) سوره المائدة:۷۲.

(۲) سوره الشوری:۵۳.

ثمره های توحید[1]

همانا تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که الله متعال او را هدایت کند، هیچ کس نمیتواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پاس دارید، زیرا تقوا راه کامیابی می باشد و مخالفت با آن راه گمراهی و شقاوت می باشد.

ای مسلمانان:

الله متعال از نظر یگانگی بی نظیر است، و ذات خویش را از شریک و مثل و شبیه پاک و منزه گرانیده است، و بندگانش را امر کرده که تنها او را پرستش کنند، و عبادات را متنوع قرار داده است، و یکتاپرستی را اصل و اساس و اولین رکن دین قرار داده، یکتاپرستی اساس همه ی نیکی ها می باشد، هیچ

(۱) این خطبه در روز جمعه، ۹ جمادی الآخر سال ۱٤۳٤ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

نیکی بدون آن پذیرفته نمی شود، عمل نیک کم با توحید چندین برابر است و بدون آن تمام اعمال نیک بی ارزش و زوال پذیرند، گرچه به اندازه کوهها باشند.

و توحید اولین دعوت پیامبران و خلاصه آن می باشد، بخاطر توحید پیامبران فرستاده شده اند، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ﴾[1]، ترجمه: «هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم، مگر اینکه به او وحی کردیم که هیچ معبود بر حقی جز من نیست؛ پس مرا بپرستید».

و هر آیه ای که در قرآن وجود دارد در این باره صریح می باشد، یا به آن و یا به واجبات، یا پاداش آن، یا به پرهیز از ضد توحید؛ راهنمایی می کند، و نخستین فرمان الله در قرآن دستور به توحید است، الله ﷻ می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ﴾[2]، ترجمه: «ای مردم، پروردگار خود را پرستش کنید». - یعنی او را یگانه بدانید - .

و در هر نمازی مسلمان با پروردگارش بر انجام دهی آن عهد می بندد ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ﴾ یعنی: غیر از تو کسی را نمی پرستیم ﴿وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ﴾ ترجمه: «فقط تو را عبادت میکنیم و فقط از تو کمک می خواهیم».

و توحید حق الله بر بندگانش می باشد و نخستین تکلیفی است که بر آنان فرض گردیده است، پیامبر ﷺ به معاذ رضي الله عنه فرمودند: «**فَلْيَكُنْ أَوَّلَ مَا تَدْعُوهُمْ**

---

(۱) سوره الأنبياء:۲۵.

(۲) سوره البقرة:۲۱.

إِلَيْهِ: عِبَادَةُ اللَّهِ» (متفق علیه)[١]، ترجمه: «نخستین چیزی که شما مردم را به آن دعوت می دهید؛ گواهی دادن بر این باشد، که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست».

و نخستین چیزی که بنده در قبر از آن سوال می شود: «مَنْ رَبُّكَ؟». رب تو کیست؟ یعنی: معبود کیست؟!

و به دلیل اهمیت آن و به دلیل اینکه هیچ راهی برای جلب رضایت الله ﷻ جز او وجود ندارد، امام یکتاپرستان برای خویش و فرزندانش به ثبات بر توحید دعا کردند، فرمودند: ﴿رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ﴾[٢]، ترجمه: «پروردگارا! ما را فرمانبردار خودت قرار ده، و از فرزندان‌مان امتی فرمانبردار پدید آور».

و یوسف عليه السلام از پروردگارش طلب کرد، فرمود: ﴿تَوَفَّنِي مُسۡلِمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ﴾[٣]، ترجمه: «مرا مسلمان بمیران و به نیاکان ملحق فرما».

و از جمله دعاهای پیامبر ﷺ این بود: «**يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ! ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ**» (روایت احمد)[٤]، ترجمه: «ای گرداننده و تغییر دهنده ی دلها، دل مرا بر دین خود ثابت و محکم فرما».

---

(١) صحیح بخاری (١١٩/٢) رقم حدیث: (١٤٥٨)، صحیح مسلم (٣٨/١) رقم حدیث: (١٩).

(٢) سوره البقرة:١٢٨.

(٣) سوره یوسف:١٠١.

(٤) مسند احمد (٢٥٥٤/٥) رقم حدیث: (١٢٢٩٠).

بلکه وصیت همه ی پیامبران همین می باشد: ﴿وَوَصَّىٰ بِهَآ إِبۡرَٰهِـۧمُ بَنِيهِ وَيَعۡقُوبُ يَٰبَنِيَّ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰ لَكُمُ ٱلدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ﴾[(۱)]، ترجمه: «ابراهیم و یعقوب فرزندان خویش را به این آیین سفارش کردند؛ ای فرزندان من! الله متعال این دین را برای شما برگزیده، پس نمیرید جز اینکه مسلمان باشید».

تعلیم توحید به فرزندان خویش منهج و روش پیامبران بوده، بلکه هنگام سکرات موت آن را از آنها دوباره می پرسیدند، الله متعال می فرماید: ﴿أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ حَضَرَ يَعۡقُوبَ ٱلۡمَوۡتُ إِذۡ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعۡبُدُونَ مِنۢ بَعۡدِيۖ قَالُواْ نَعۡبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗا وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ﴾[(۲)]، ترجمه: «آیا هنگامی که مرگ یعقوب را فرا رسید، شما حاضر بودید؟ آنگاه که به فرزندان خود گفت: «پس از من چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: معبود تو، و معبود پدرانت: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، الله یکتا را می‌پرستیم، و ما تسلیم او هستیم».

و پیامبر ﷺ فرزندان خردسال صحابه را فقط به وابستگی به الله می آموخت، به عبدالله بن عباس رضی الله عنهما فرمودند: «**يَا غُلَامُ! إِنِّي أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ؛ احْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ، احْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ**» (روایت ترمذی)[(۳)]، ترجمه: «ای پسر! به تو چند کلمه می آموزم؛ (احکام) الله را حفظ و رعایت کن، الله تو را حفظ می کند، الله را یاد کن، او را در برابر

---

(۱) سوره البقرة:۱۳۲.

(۲) سوره البقرة:۱۳۳.

(۳) جامع ترمذی (۲۸٤/٤) رقم حدیث: (۲۰۱٦).

خود می یابی، هرگاه چیزی خواستی فقط از الله بخواه و هرگاه طلب یاری و کمک خواستی؛ فقط از الله طلب یاری کن».

الله متعال به ما دستور داده بدون توحید این دارفانی را وداع نگوییم: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ﴾[1]، ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از الله؛ آن گونه که شایسته ترسیدن از او است؛ بترسید، و نمیرید مگر اینکه مسلمان باشید».

با خالص نمودن عبادات برای الله متعال شرح صدر و آرامش قلب حاصل می شود و از شخصیت پرستی رها می شود ﴿فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهْدِيَهُۥ يَشْرَحْ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَـٰمِ﴾[2]، ترجمه: «هر کس را که الله بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای پذیرفتن اسلام می گشاید».

و با آن اندوهها بر طرف می شوند و سختیها از بین می روند، ﴿فَنَادَىٰ فِى ٱلظُّلُمَـٰتِ أَن لَّآ إِلَـٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبْحَـٰنَكَ إِنِّى كُنتُ مِنَ ٱلظَّـٰلِمِينَ﴾[3]، ترجمه: «در تاریکی‌ها ندا داد که: (پروردگارا!) هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو پاک و منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم»، امام ابن قیم رحمه الله می گوید: «هیچ چیزی مانند توحید سختی ها را دفع نکرده است»[4].

---

(۱) سوره آل عمران:۱۰۲.

(۲) سوره الأنعام:۱۲٥.

(۳) سوره الأنبیاء:۸۷.

(٤) فوائد (ص:٥۳).

کینه و کدورت ها را از بین می برد و قلب ها را اصلاح می کند، پیامبر ﷺ فرمودند: «**ثَلَاثُ خِصَالٍ لَا يُغِلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ مُسْلِمٍ أَبَداً: إِخْلَاصُ العَمَلِ لِلَّهِ، وَمُنَاصَحَةُ وُلَاةِ الأَمْرِ، وَلُزُومُ الجَمَاعَةِ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ تُحِيطُ مِنْ وَرَائِهِمْ**» (روایت احمد)[1]، ترجمه: «سه خصلت اند اگر در قلب مؤمنی باشد حقد و کینه توزی وارد قلبش نخواهد گردید، اخلاص عمل برای الله، و نصیحت ائمه مسلمین و لزوم جماعت مسلمانان، زیرا دعایشان همه را در بر می گیرد».

توحید سبب زندگانی خوب؛ بلکه هیچ سعادتی در دنیا جز با توحید وجود ندارد، الله سبحانه می فرماید: ﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ﴾[2]، ترجمه: «هر شخصی که کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که او مومن باشد او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم».

توحید اساس نهادین زندگانی است که آرزوی همه ی نفسها می باشد، ﴿فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشۡقَىٰ﴾[3]، ترجمه: «پس هر کس از راه هدایت من پیروی کند، نه گمراه می شود و نه بدبخت می گردد».

توحید است که سبب وحدت صف همه ی مسلمانان شرق و غرب، عرب و عجم قرار گرفت، ﴿إِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ

---

(۱) مسند احمد (۵۰۵۱/۹) رقم حدیث: (۲۱۹۹۱).

(۲) سوره النحل:۹۷.

(۳) سوره طه:۱۲۳.

فَٱعۡبُدُونِ﴾[1]، ترجمه: «بی‌تردید این است آیین شما که آیینی یگانه است، و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید».

کلمه توحید، کلمه پاک و بلند پایه ای است، که اساس و ریشه هایش محکم و شاخه هایش در فراز آسمان می باشند، و کلمه ی بلند مرتبه الله متعال می باشد، و با همین کلمه الله متعال با موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بدون واسته صحبت نمود، ﴿إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدۡنِي﴾[2]، ترجمه: «یقیناً من الله هستم، هیچ معبود بر حقی جز من نیست، پس مرا پرستش کن».

و هیچ شعبه ای از شعبه های ایمان بالاتر از او نمی باشد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمدند: «**الإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ – أَوْ: بِضْعٌ وَسِتُّونَ – شُعْبَةً؛ فَأَفْضَلُهَا: قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» (روایت مسلم)[3]، ترجمه: «ایمان هفتاد و چند شعبه – یا شصت و چند – شعبه است افضل ترین آنها کلمه «لا اله الا الله» می باشد».

توحید بهترین گفتارها، و سنگین ترین چیزها در تراوزی اعمال می باشد، مساوی با آزاد نمودن ده برده و پناهگاه روزانه از شر شیطان می باشد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «**مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ؛ كَانَتْ لَهُ عَدْلَ عَشْرِ رِقَابٍ، وَكُتِبَتْ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ، وَمُحِيَتْ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ، وَكَانَتْ لَهُ حِرْزاً مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُمْسِيَ، وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا أَحَدٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ**» (متفق

---

(۱) سوره الأنبياء:۹۲.

(۲) سوره طه:۱٤.

(۳) صحيح مسلم (٤٦/۱) رقم حديث: (۳٥).

علیه)[۱]، ترجمه: «هر کس روزی صد بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الـمُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بگوید، مساوی با آزاد نمودن ده برده و برایش صد نیکی نوشته می شود و صد گناه محو می شود و آن روز برایش پناهگاهی از شر شیطان می باشد و هیچ کس عملی بهتر از عمل این فرد انجام نداده مگر کسی که این ذکر را بیشتر از او ادا کرده باشد».

هیچ زبانی معطرتر از گفتن لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نمی باشد، و حرکت هیچ لبی بهتر از حرکت دادن آن برای این کلمه وجود ندارد، پیامبر ﷺ می فرمایند: «**خَيْرُ مَا قُلْتُ أَنَا وَالنَّبِيُّونَ مِنْ قَبْلِي: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**» (روایت ترمذی)[۲]، ترجمه: «بهترین ذکر و گفتاری که من و پیامبران پیشین گفته اند اینست که: هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد، یکتاست، شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، تمامی ستایش ها مخصوص او می باشند، و او بر همه قادر و تواناست».

کلمه توحید؛ کلمه ی ماندگاری است الله متعال وعده داده که بین مردم باقی بماند که عده ای آن را بگویند، و مردم را به آن دعوت بدهند، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةَۢ بَاقِيَةٗ فِي عَقِبِهِۦ﴾[۳]، ترجمه: «کلمه توحید را کلمه پاینده ای در نسلهای بعد از خود قرار داد».

---

(۱) صحیح بخاری (۱۲۶/٤) رقم حدیث: (۳۲۹۳)، صحیح مسلم (٦۹/۸) رقم حدیث: (۲٦۹۱).

(۲) جامع ترمذی (٥٤۱/٥) رقم حدیث: (۳٥۸٥).

(۳) سوره الزخرف:۲۸.

گفتار ثابت و پایداری است که هر کس به او چنگ زد الله متعال او را در دنیا و آخرت ثابت قدم می کند، الله ﷻ می فرماید: ﴿يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡقَوۡلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ﴾[١]، ترجمه: «الله متعال کسانی را که ایمان آوردند، با گفتار ثابت (کلمه توحید) در زندگی دنیا و آخرت پایدار می دارد».

کاملترین مخلوقات کسی است که بندگی اش نسبت به الله متعال کاملتر باشد، و به اندازه تحقق توحید در شخص؛ کمالش ثابت، و منزلتش مرتفع میشود، و تنها شخصی که امید است الله متعال او را مورد مغفرت خویش قرار بدهد موحد می باشد، الله تعالی در حدیث قدسی می فرماید: «**لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقِيتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئاً لَأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً**» (روایت ترمذی)[٢]، ترجمه: «اگر به اندازه ی گنجایش زمین، از گناه به سوی من بیایی، سپس در حالی با من روبرو شوی که چیزی را شریک من قرار نداده ای، با گنجایش زمین مغفرت و آمرزش به استقبال تو میآیم». ابن رجب ؒ می گوید: «توحید بزرگترین سبب مغفرت است، هر کس توحید نداشته باشد، مغفرت نمی شود، و هر کس توحید را بیاورد بزرگترین سبب مغفرت را آورده است»[٣].

---

(١) سوره إبراهيم:٢٧.

(٢) جامع ترمذی (٥/٥٠٩) رقم حدیث: (٣٥٤٠).

(٣) أسباب المغفرة (ص:٦).

شیطان هیچ راه نفوذی با موحد ندارد، الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾[١]، ترجمه: «بی گمان او بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، هیچ تسلطی ندارد».

و به اندازه توحید شخص الله متعال از او دفاع می کند: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُدَٰفِعُ عَنِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْۗ﴾[٢]، ترجمه: «یقیناً الله از کسانی که ایمان آورده‌اند؛ دفاع می کند».

هر کس توحید را در وجودش محقق نمود، الله متعال او را از مهلکه ها و بدی ها و فحشا را محفوظ می گرداند، الله متعال در مورد یوسف عليه السلام میفرماید: ﴿كَذَٰلِكَ لِنَصۡرِفَ عَنۡهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلۡفَحۡشَآءَۚ إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُخۡلَصِينَ﴾[٣]، ترجمه: «این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم، بی گمان او از بندگان مخلص ماست».

ابن قیم رحمه الله می گوید: «هر اندازه توحید در قلب ضعیف باشد، و به جایش شرک بزرگ باشد، بیشتر مبتلا به فحشا می شود»[٤].

انسان موحد در زندگی سکون و آرامش دارد، و به اندازه ی ایمانش امنیت دارد، ﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمۡ يَلۡبِسُوٓاْ إِيمَٰنَهُم بِظُلۡمٍ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡأَمۡنُ وَهُم مُّهۡتَدُونَ﴾[٥]،

---

(١) سوره النحل:٩٩.

(٢) سوره الحج:٣٨.

(٣) سوره یوسف:٢٤.

(٤) فوائد (ص:٨١).

(٥) سوره الأنعام:٨٢.

ترجمه: «آنان که ایمان آورده‌اند، و ایمان خود را به شرک نیالودند، ایمنی از آن آن‌هاست؛ و آن‌ها هدایت شدگانند».

مرده ها از دعای خیر موحدان سود می برند، در نماز جنازه دعای هیچ کس جز موحد پذیرفته نمی شود، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَا مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ، فَيَقُومُ عَلَى جِنَازَتِهِ أَرْبَعُونَ رَجُلاً، لَا يُشْرِكُونَ بِاللَّهِ شَيْئاً، إِلَّا شَفَّعَهُمُ اللَّهُ فِيهِ**» (روایت مسلم)[1]، ترجمه: «هر مسلمانی که چهل نفر موحّد که هیچ چیزی را با اللّه شریک نمی کنند، بر او نماز جنازه بخوانند؛ اللّه متعال شفاعت آنان را در حق او خواهد پذیرفت».

و هنگامی که مرگ موحد نزدیک می شود، اللّه متعال بهشت را به او بشارت می دهد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ دَخَلَ الجَنَّةَ**» (روایت ابوداود)[2]، ترجمه: «هر کس آخرین سخنش در هنگام مرگ «لا اله الا اللّه» باشد، وارد بهشت خواهد شد».

همانگونه که اللّه متعال موحدان را در دنیا عزت داده، آنها را در روز قیامت نیز اکرام می کند، و جایگاهش را بالا برده و بهترین پاداش نیاکان را به او می دهد، هر کس با توحید وفات کند، اهل بهشت است، در ابتدا یا بعدا وارد بهشت می شود، اگر به خاطر گناهانش وارد جهنم شد؛ همیشه در آن ماندگار نمی شود، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئاً؛ دَخَلَ الجَنَّةَ**» (متفق

(۱) صحیح مسلم (۵۳/۳) رقم حدیث: (۹۴۸).

(۲) سنن ابوداود (۱۵۹/۳) رقم حدیث: (۳۱۱۳).

علیه)[۱]، ترجمه: «هر کس که مرگش فرا رسید و هیچ چیزی را به الله شریک قرار نداده وارد بهشت می شود».

فقط موحدان شفاعت پیامبر ﷺ را کسب می کنند، ابوهریره رضی الله عنه خطاب به پیامبر ﷺ فرمود: «**مَنْ أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، خَالِصاً مِنْ قَلْبِهِ أَوْ نَفْسِهِ**» (صحیح بخاری)[۲]، ترجمه: «ای رسول الله چه کسانی روز قیامت برای شفاعت شما سعادت بیشتری دارند؟ فرمودند: کسانی روز قیامت بر شفاعت من سعادت بیشتری دارند، که از صمیم قلبش و درونش، لا إله إلا الله بگویند».

موحد خالص از هر دروازه ای از دروازه های هشتگانه بهشت که بخواهد وارد می شود، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ فَيُسْبِغُ الْوُضُوءَ، ثُمَّ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ؛ إِلَّا فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةُ، يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ**» (روایت مسلم)[۳]، ترجمه: «هر کس از شما که بطور کامل وضو بگیرد و سپس بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ» - گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست و محمد بنده و فرستاده ی اوست - مگر اینکه درهای هشتگانه بهشت برایش گشوده میشوند، از هر کدام که بخواهد وارد شود».

---

(۱) صحیح بخاری (۲/۷۱) رقم حدیث: (۱۲۳۸)، صحیح مسلم (۱/۶۵) رقم حدیث: (۹۳).

(۲) صحیح بخاری (۱/۳۱) رقم حدیث: (۹۹).

(۳) صحیح مسلم (۱/۴۴) رقم حدیث: (۲۳۴).

ابن قیم رحمه الله می گوید: «هر اندازه توحید بنده بزرگتر باشد، مغفرت الله نسبت به او کاملتر می شود، هر کس با او در حالتی ملاقات نماید که هیچ چیزی را با او شریک قرار نداده، همه ی گناهانش را می آمرزد»[١].

هفتاد هزار بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شوند؛ همه آنها از اهل توحید می باشند، پیامبر ﷺ فرمودند: «**هُمُ الَّذِينَ لَا يَسْتَرْقُونَ، وَلَا يَتَطَيَّرُونَ، وَلَا يَكْتَوُونَ، وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ**» (متفق علیه)[٢]، ترجمه: «آنها کسانی هستند که تعویذ و افسون و فال نمی گیرند و داغ نمی کنند و به پروردگارشان، توکل می نمایند».

سپس ای مسلمانان:

توحید با ارزش ترین سرمایه ی مسلمان است، هر کس الله متعال او را هدایت داد، توحید را با دندان های آسیاب محکم بگیرد و از هر چیزی که با او تضاد دارد یا در او خدشه ای وارد می کند یا او را کمرنگ می سازد؛ آن را محفوظ نگه دارد و هر کس غیر از الله متعال را صدا بزند، یا قبری را طواف کند، یا برای قبر ذبح کند؛ نور و فضایل توحید را از دست می دهد و هیچ عبادتی از وی پذیرفته نمی شود و او در معرض ادله تهدید ابدیت در جهنم قرار می گیرد.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَمَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلۡيَعۡمَلۡ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدَۢا﴾[٣]، ترجمه: «بگو من فقط انسانی

---

(١) مدارج السالكين (١/٣٣٨).

(٢) صحیح بخاری (٧/١٣٤) رقم حدیث: (٥٧٥٢)، صحیح مسلم (١/١٣٧) رقم حدیث: (٢١٨).

(٣) سوره الکهف: ١١٠.

مثل شما هستم، به من وحی می شود، که تنها معبودتان ذاتی یگانه است، پس هر کس به لقای پروردگارش امید دارد، اعمال نیک انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نسازد».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیتش و یارانش باد.

ای مسلمانان:

توحید منت بسیار عظیمی از جانب الله متعال است، به هر کس از بندگانش بخواهد عطا می کند، بر شخص مسلمان لازم است برای جستن آن در خود و فرزندانش و همسایه های که از خانواده اش هستند یا مسلمانهای دیگر؛ تلاش کند.

و شکر نعمت توحید عبارت است از: دعوت دادن مخلوقات به آن، برحذر داشتن از هر آفتی که با اصل یا کمال توحید منافات دارد.

از جمله وسایل استقامت بر توحید: از الله متعال طلب استقامت نمودن، دوری از بدعات و شبهات و شهوات و بسیار کار نیک انجام دادن، و مسلح نمودن خویش با علم دین و سوال علمای ربانی از اموری که با مشکل مواجه میشود.

پس بدانید که الله شما را به درود و سلام فرستادن بر پیامبرش امر نموده...

فضیلت کلمه توحید[1]

همانا تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که الله متعال او را هدایت کند، هیچ کس نمیتواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید.

ای مسلمانان:

شرف مخلوقات در شتافتن آنها در طاعت الله متعال و لزوم به پرستش او میباشد، و حکمت آفرینش و بوجود آوردن شان همین است، و در آن پیروزی و رستگاری دنیا و آخرت وجود دارد، ﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا

(۱) این خطبه در روز جمعه، ٦ جمادی الاول، سال ١٤٣٨ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

عَظِيمًا﴾[(١)]، ترجمه: «و هر کس که از الله و پیامبرش اطاعت کند؛ یقیناً به کامیابی عظیمی نائل شده است».

و شادمانی و سرور و لذت و لحظه خوش و سعادت حقیقی در شناخت الله و یگانگی، و ایمان آوردن به اوست.

وبرترین و محبوب ترین گفتار نزد الله متعال گفتاری است که در آن ستایش و مدح او باشد، و بهترین تعریفات برای الله کلمه توحید یعنی: «لا إله إلا الله» می باشد، کلمه ای که آسمانها و زمین بر آن بنا شده اند، و به خاطر او همه ی موجودات آفریده شده اند، و به خاطر آن الله متعال کتابها را نازل کرده و پیامبران را فرستاده است، الله متعال می فرماید: ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ﴾[(٢)]، ترجمه: «و پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم؛ که هیچ معبود بر حقی جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کنید».

و به وسیله آن، پیامبران قوم خود را ترسانده اند، الله سبحانه می فرماید: ﴿أَنۡ أَنذِرُوٓاْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱتَّقُونِ﴾[(٣)]، ترجمه: «و بگویید هیچ معبود بر حقی جز من نیست؛ پس از من بترسید».

الله متعال با این کلمه بر حقانیت خویش گواهی داده، و بهترین مخلوقاتش را گواه گرفته، الله متعال میفرماید: ﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ

---

(١) سوره الأحزاب: ٧١.

(٢) سوره الأنبياء: ٢٥.

(٣) سوره النحل: ٢.

وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[1]، ترجمه: «الله گواهی داده؛ که هیچ معبود بر حقی جز او نیست، و فرشتگان و صاحبان دانش - نیز گواهی می‌دهند - در حالی که (الله در جهان هستی) قیام به عدالت دارد، هیچ معبود بر حقی جز او نیست، و او توانمند حکیم است».

امام ابن قیم رحمه الله می گوید: «این گرانقدر ترین و بزرگترین و عادل ترین و راست ترین گواهی می باشد، از گرانقدر ترین شاهد، برای گرانقدر ترین مشهود است»[2].

اساس تمام ادیان بر همین کلمه می باشد، و از حقوق کل دین می باشد، تمام پاداشها اساس شان بر همین کلمه می باشد و تمام عذاب ها به خاطر نگفتن یا کوتاهی در همین کلمه میباشند، کلمه ای است بلند مرتبه، و دارای فضایل فراوان، پس مطلقا اساس اسلام بر همین است، و اولین رکن و بزرگترین مبنایی که همه ی ارکان دیگر بر آن قائم هستند، می باشد، و نیز رکن ایمان به الله و بزرگترین پایه اش است، زیرا ایمان بدون آن صحیح نبوده، و جز با او پایدار نمی شود.

اساس این آیین بر همین کلمه بوده، و قبله بر آن قرار گرفته، و حق خاص الله متعال بر همه ی بندگانش می باشد، کلمه ی اسلام، و کلید بهشت، و با آن انسانها به بدبخت و خوشبخت، و پذیرفته شده، و رانده شده، تقسیم بندی می شوند، همین کلمه بین کفر و اسلام افراد تفاوت می آورد، هیچ شخصی گفتاری بهتر از آن سخن نگفته، و هیچ شخصی بهتر از مدلولات این کلمه عمل

---

(۱) سوره آل عمران:۱۸.

(۲) مدارج سالکین (۴۱۸/۳).

ننموده، پیامبر ﷺ فرمدند: «**أَحَبُّ الكَلَامِ إِلَى اللَّهِ أَرْبَعٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ**» (روایت مسلم)[۱]، ترجمه: «محبوب ترین سخن نزد اللّٰه متعال: «سبحان الله و الحمدلله و لاإله إلا الله و الله أكبر» می باشند».

همین کلمه، کلمه ی پرهیزگاریی است که اللّٰه متعال اولیای خویش را به آن اختصاص داده، می باشد، اللّٰه تعالی می فرماید: ﴿وَأَلۡزَمَهُمۡ كَلِمَةَ ٱلتَّقۡوَىٰ﴾[۲]، ترجمه: «و آنها را به کلمه ی تقوا ملزم ساخت».

و همین کلمه؛ دستاویز محکمی است که هر کس به آن چنگ بزند رستگار می شود، اللّٰه سبحانه می فرماید: ﴿فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ﴾[۳]، ترجمه: «پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به اللّٰه ایمان آورد، پس به راستی که به دستگیره محکمی چنگ زده است، که آن را گسستن نیست».

برتری از خصلتهای او، و ماندگاری ملازم اوست، اللّٰه تعالی می فرماید: ﴿وَكَلِمَةُ ٱللَّهِ هِيَ ٱلۡعُلۡيَاۗ﴾[٤]، ترجمه: «و کلام اللّٰه بالا و برتر است».

کلمه طیبه ی است که اللّٰه متعال در کتابش آن را مثال زده، فرموده: ﴿أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا كَلِمَةٗ طَيِّبَةٗ كَشَجَرَةٖ طَيِّبَةٍ أَصۡلُهَا ثَابِتٞ وَفَرۡعُهَا فِي

---

(۱) صحيح مسلم (١٧٢/٦) رقم حديث: (٢١٣٧).

(۲) سوره الفتح:٢٦.

(۳) سوره البقرة:٢٥٦.

(٤) سوره التوبة:٤٠.

ٱلسَّمَآءِ﴾[۱]، ترجمه: «آیا ندیدی که الله چگونه مثل زده است؟ کلمه ی طیبه همچون درخت طیبه و پاکی است که ریشه ی آن (در زمین) ثابت، و شاخه‌اش در آسمان است».

کلمه ای که سینه ها بواسطه ی او وسیع و باز می گردند، ﴿فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهۡدِيَهُۥ يَشۡرَحۡ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِۖ﴾[۲]، ترجمه: «هر کس را که الله بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای پذیرفتن آن می گشاید»، ابن جریج رحمه الله می گوید: «یعنی به لا إله إلا الله»[۳].

و سلامت قلب در همین است، ﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ﴾[٤]، ترجمه: «روزی که مال و فرزندان سودی نبخشند، مگر کسی که با قلب سلیم (خالی از شرک و کفر و نفاق) به پیشگاه الله بیاید».

عبد الله بن عباس رضي الله عنهما می گوید: «قلب سالم آن است که به «لا إله إلا الله» گواهی بدهد»[٥].

و او دعوت راستینی است که هیچ باطلی در آن نیست، و گفتار درست و نیکی است که هیچ کجی در آن نیست، و گواهی راستی است که هیچ دروغی در آن نیست، و او مثال بالا و برتری است که الله متعال خاص خویش نموده

---

(۱) سوره إبراهیم:۲٤.

(۲) سوره الأنعام:۱۲۵.

(۳) تفسیر طبری (۱۲/۱۰٦).

(٤) سوره الشعراء:۸۸-۸۹.

(٥) تفسیر ابن ابي حاتم (۸/۲۷۸۳).

بدون بقیه مخلوقات، و کلمه ی ماندگار در نسل ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ است، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةَۢ بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ﴾[(١)]، ترجمه: «و (ابراهیم) این کلمه ی (توحید) را در نسل‌های بعد از خود قرار داد، باشد که (به سوی الله) باز گردند»، ابن کثیر رَحِمَهُ اللهُ می گوید: «این «لا إله إلا الله» است که در نسل خویش قرار داد، که از او پیروی می کند کسی که الله متعال او را از فرزندان ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ هدایت نصیب کند»[(٢)].

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّه» بزرگترین نعمت الله بر مخلوقات می باشد، الله تعالی میفرماید: ﴿وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾[(٣)]، ترجمه: «نعمت‌های خود را آشکار و پنهان بر شما ارزانی داشته است»، سفیان بن عیینه رَحِمَهُ اللهُ می گوید: «الله متعال هیچ نعمتی بزرگتر از شناخت تام لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّه بر بندگانش ارزانی نکرده است»[(٤)].

کلمه ای است که با دنیا و آنچه در آن است برابری می کند، رسول الله ﷺ فرمودند: «**لَأَنْ أَقُولَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ؛ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ**» (روایت مسلم)[(٥)]، ترجمه: «گفتن: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ؛ نزد من از تمام آنچه که خورشید بر آن طلوع کرده محبوب تر است».

---

(١) سوره الزخرف:٢٨.

(٢) تفسیر ابن کثیر (٧/٢٢٥).

(٣) سوره لقمان:٢٠.

(٤) توحید ابن رجب (ص:٥٨).

(٥) صحیح مسلم (١٧٢/٦) رقم حدیث: (٢١٣٧).

کلمه توحید نخستین واجب بر بندگان از لحاظ شناخت و عمل نمودن به آن می باشد، الله سبحانه می فرماید: ﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ﴾[1]، ترجمه: «پس بدان که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست»، شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید: «همه ی سلف و ائمه اتفاق نظر دارند، که اولین چیزی که بندگان به آن دستور داده شده اند: دو کلمه ی شهادت می باشند»[2].

و همچنین آخرین واجب بر بندگان می باشد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «**مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ دَخَلَ الْجَنَّةَ**» (روایت ابوداود)[3]، ترجمه: «هر کس آخرین سخنش در هنگام مرگ «لا اله الا الله» باشد، وارد بهشت خواهد شد».

عالم عامل به آن، قطعا او بر استقامت می باشد، الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ﴾، قال ابن عباس رضي الله عنهما: «أي: شَهَادَةَ أَلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»[4]، ﴿فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾[5]، ترجمه: «بی گمان کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند، - عبد الله بن عباس رضي الله عنهما می گوید: یعنی برکلمه شهادت استقامت نمودند - پس بر آن‌ها ترسی نیست و نه آن‌ها اندوهگین شوند».

---

(۱) سوره محمد:۱۹.

(۲) درء تعارض العقل والنقل (۸/۱۱).

(۳) سنن ابوداود (۳/۱۵۹) رقم حدیث: (۳۱۱۳).

(٤) تفسیر ماوردی (٥/۲۷٥).

(٥) سوره الأحقاف:۱۳.

اگر گوینده این کلمه در گفتنش راست باشد، قلبش از غیر الله به صورت کلی پاک و منزه می شود، و هر کس در تلفظش راست باشد، غیر از الله را دوست نمی دارد، و از کسی جز او امیدوار نمی شود و نمی ترسد و اعتماد نمیکند و هیچ علامتی از آثار نفس اماره و خواهشات نفسانی در او باقی نمی ماند.

و او سبب محفوظ شدن مال و خونش می گردد، رسول الله ﷺ فرمودند: «**مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَكَفَرَ بِمَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ حَرُمَ مَالُهُ، وَدَمُهُ، وَحِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ** ﷻ» (روایت مسلم)[1]، ترجمه: «هرکس «لا إله إلا الله» را بر زبان آورد و به همه‌ی چیزهایی که جز الله پرستش میشوند کفر ورزد؛ مال و خونش حرام گردیده و حسابش با الله است».

کلمه توحید نخستین موردی است که دعوت با آن آغاز می باشد، پیامبر ﷺ دعوت خویش را با آن آغاز نمود، و بر آن از یارانش بیعت می گرفت، و با سفارش نمودن به همین دعوتگران را به سرزمین ها می فرستاد، و به معاذ رضي الله عنه وقتی او را به یمن فرستاد، فرمودند: «**إِنَّكَ تَأْتِي قَوْماً مِنْ أَهْلِ الكِتَابِ؛ فَادْعُهُمْ إِلَى: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ**» (متفق علیه)[2]، ترجمه: «تو پیش قومی از اهل کتاب می روی؛ و از آن ها بخواه تا شهادت دهند که: که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال وجود ندارد و من فرستاده او هستم».

کلمه ی توحید کلمه ی برابری است که اجتماع همه مخلوقات با همین کلمه حاصل می شود و بدون آن در اختلاف و درگیری می باشند، الله سبحانه

---

(۱) صحیح مسلم (۱/۳۹) رقم حدیث: (۲۳).

(۲) صحیح بخاری (۵/۱۶۲) رقم حدیث: (٤٣٤٧)، صحیح مسلم (۱/۳۷) رقم حدیث: (۱۹).

میفرماید: ﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۭ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡـٔٗا﴾[۱]، ترجمه: «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز الله را نپرستیم، و چیزی را شریک او نسازیم».

هر کس آن را صادقانه بگوید رستگار شود، پیامبر ﷺ فرمودند: «**يَا أَيُّهَا النَّاسُ! قُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ تُفْلِحُوا**» (روایت احمد)[۲]، ترجمه: «ای مردم بگویید: لا إله إلاّ الله، تا رستگار و کامیاب گردید».

چنگ زننده به این کلمه بالاترین شعبه ایمان را گرفته، پیامبر ﷺ فرمودند: «**الإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً، فَأَفْضَلُهَا: قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» (روایت مسلم)[۳]، ترجمه: «ایمان هفتاد و چند شعبه - یا شصت و چند - شعبه است افضل ترین آنها کلمه «لا اله الا الله» می باشد».

آیه ای که متضمن این کلمه است عظیم ترین آیه ی قرآن می باشد، و سید استغفار شامل همین کلمه می باشد.

کلمه توحید از همه ی اعمال اجرش بیشتر افزوده می شود؛ پس: «**مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ؛ كَانَتْ لَهُ عَدْلَ عَشْرِ رِقَابٍ، وَكُتِبَتْ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ، وَمُحِيَتْ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ، وَكَانَتْ لَهُ حِرْزاً مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُمْسِيَ، وَلَمْ**

---

(۱) سوره آل عمران: ٦٤.

(۲) مسند احمد (٣٦٤١/٧) رقم حدیث: (١٦٨٧١).

(۳) صحیح مسلم (٤٦/١) رقم حدیث: (٣٥).

يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا أَحَدٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ» (متفق علیه)[١]، ترجمه: «هرکس، روزانه صد بار «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الـمُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بگوید، به او به اندازه ی آزاد ساختن ده برده، ثواب می رسد و همچنین صد نیکی برایش نوشته و صد گناه از گناهانش، پاک می گردد و آنروز تا شب از شیطان، حفاظت می شود و هیچ کس بهتر از آن انجام نداده مگر فردی که بیشتر انجام دهد».

و«**مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الـمُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، عَشْرَ مِرَارٍ؛ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ أَرْبَعَةَ أَنْفُسٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ**» (روایت مسلم)[٢]، ترجمه: «هر کس ده مرتبه بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الـمُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، مانند کسی است که چهار نفر از اولاد اسماعیل را از قید بردگی آزاد کرده است».

کلمه توحید بهترین صدقه ای است که نیاز به صرف پول ندارد، رسول الله ﷺ فرمودند: «**وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ**» (روایت مسلم)[٣]، ترجمه: «و هر «لا إله إلا الله» گفتن صدقه است».

و کلمه توحید تنها راه نجات بنده در قبر می باشد، و با آن هنگام سوال و جواب ثابت قدم می شود، رسول الله ﷺ فرمودند: «**الـمُسْلِمُ إِذَا سُئِلَ فِي القَبْرِ: يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ؛ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: ﴿يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ**

---

(١) صحیح بخاری (١٢٦/٤) رقم حدیث: (٣٢٩٣)، صحیح مسلم (٦٩/٨) رقم حدیث: (٢٦٩١).
(٢) صحیح مسلم (٦٩/٨) رقم حدیث: (٢٦٩٣).
(٣) صحیح مسلم (١٥٨/٢) رقم حدیث: (٧٢٠).

ءَامَنُواْ بِٱلۡقَوۡلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ﴾[١]» (صحیح بخاری)[٢]، ترجمه: «چون مسلمان در قبر سؤال شود، گواهی می دهد که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست و محمد ﷺ فرستاده ی الله است؛ و آن این فرموده ی الله است: «الله متعال مؤمنان را به قول ثابت در زندگی دنیا و در آخرت ثابت می گرداند».

و پرونده های گناه سبک می شوند - به فضل الله متعال - به خاطر سنگینی این کلمه، رسول الله ﷺ فرمودند: «**يُؤْتَى بِرَجُلٍ فَيَنْشُرُ عَلَيْهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ سِجِلّاً، كُلُّ سِجِلٍّ مَدُّ الْبَصَرِ، فَتُخْرَجُ لَهُ بِطَاقَةٌ فِيهَا: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، فَتُوضَعُ السِّجِلَّاتُ فِي كِفَّةٍ، فَطَاشَتِ السِّجِلَّاتُ، وَثَقُلَتِ الْبِطَاقَةُ**» (روایت احمد)[٣]، ترجمه: «در روز قیامت مردی آورده می شود، و نود و نه پرونده ی بزرگ را برای او باز و پهن می شود، هر پرونده تا جایی که چشم کار می کند، طول دارد، سپس برگه ای خارج می شود که در آن نوشته شده است: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، پس پرونده های بزرگ در یک کفه و برگه در کفه ی دیگر گذاشته می شود، پرونده ها کم وزن و همان برگه سنگین می شود».

و «**وَلَوْ أَنَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرَضِينَ السَّبْعَ وُضِعَتْ فِي كِفَّةٍ، وَوُضِعَتْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي كِفَّةٍ؛ رَجَحَتْ بِهِنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَوْ أَنَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعَ**

---

(١) سوره إبراهيم:٢٧.

(٢) صحیح بخاری (٦/٨٠) رقم حدیث: (٤٦٩٩).

(٣) نگا: مسند احمد (١٤٧٢/٣) رقم حدیث: (٧١١٤).

وَالأَرَضِينَ السَّبْعَ، كُنَّ حَلْقَةً مُبْهَمَةً؛ قَصَمَتْهُنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (روایت احمد)[1]، ترجمه: «اگر آسمانهای هفتگانه و زمین های هفتگانه در یک کفه ترازو قرار داده شوند، و کلمه ی لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ در کفه ی دیگر گذاشته شود، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سنگینی می کند، و اگر آسمانهای هفتگانه و زمین های هفتگانه به یک حلقه بسته شده باشند آنها را لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ می شکنند».

اهل این کلمه شفاعت کنندگان می باشند، و نزد الله عهد و پیمانی دارند، الله سبحانه میفرماید: ﴿لَّا يَمۡلِكُونَ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحۡمَٰنِ عَهۡدٗا﴾[2]، ترجمه: «آن‌ها مالک شفاعت نیستند؛ مگر کسی که نزد (الله) رحمان عهدی گرفته باشد».

سعادتمند ترین مردم به شفاعت پیامبر کسانی هستند که در گفتن این کلمه راستگو و مخلص بودند، پیامبر ﷺ فرمودند: «**أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ: مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَالِصاً مِنْ قَلْبِهِ أَوْ نَفْسِهِ**» (روایت بخاری)[3]، ترجمه: «سعادتمند ترین شخص به شفاعت من در روز قیامت شخصی است، که با اخلاص و از صمیم قلب، لا إله إلا الله بگویند».

و پاداش کسی که آن را صادقانه، و از ته قلب خالصانه، با یقین کامل بدون تردید، عامل به آن، و دوری از هر چیزی که با آن منافات دارد؛ بگوید بهشت می باشد، رسول الله ﷺ فرمودند: «**مَا مِنْ عَبْدٍ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، ثُمَّ**

---

(۱) مسند احمد (۱۳۸۶/۳) رقم حدیث: (۶۶۹۴).

(۲) سوره مریم:۸۷.

(۳) صحیح بخاری (۳۱/۱) رقم حدیث: (۹۹).

مَاتَ عَلَى ذَلِكَ؛ إِلاَّ دَخَلَ الجَنَّةَ» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «هر بنده ای که لا اله الا الله بگوید و بر آن بمیرد، وارد بهشت می شود».

و دروازه های هشتگانه بهشت برای گوینده این کلمه باز می شوند، از هر کدام بخواهد وارد می شود؛ بلکه هر کس در آن صادق و عامل به مقتضایش باشد، آتش جهنم به او نمی رسد، پیامبر ﷺ فرمدند: **«مَا مِنْ أَحَدٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ، صِدْقاً مِنْ قَلْبِهِ؛ إِلاَّ حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ»** (متفق علیه)[۲]، ترجمه: «هرکس از صمیم قلب؛ «أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمدا رسول الله» بگوید، الله متعال آتش جهنم را بر او حرام می گرداند».

بلکه الله متعال هر کس آن را گفته و در قلبش ذره ای ایمان باشد؛ از جهنم بیرون می کند، الله ﷻ در حدیث قدسی می فرماید: **«وَعِزَّتِي وَجَلالِي، وَكِبْرِيَائِي وَعَظَمَتِي! لَأُخْرِجَنَّ مِنْهَا مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ»** (روایت بخاری)[۳]، ترجمه: «به عزت و جلال و بزرگی و عظمتم سو گند؛ هر کس، لا اله الا الله گفته است، او را از آتش بیرون می آورم».

به خاطر اهمیت کلمه توحید در هر لحظه از زندگانی بنده؛ شریعت اسلامی به التزام آن در تمام احوال زندگیش تشویق نموده است، پس فرموده: **«مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ كَانَ لَهُ عَدْلُ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، وَكُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَحُطَّ**

---

(۱) صحیح بخاری (۱۴۹/۷) رقم حدیث: (۵۸۲۷)، صحیح مسلم (۶۶/۱) رقم حدیث: (۹۴).
(۲) صحیح بخاری (۳۷/۱) رقم حدیث: (۱۲۸)، صحیح مسلم (۴۵/۱) رقم حدیث: (۳۲).
(۳) صحیح بخاری (۱۴۶/۹) رقم حدیث: (۷۵۱۰).

عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَرُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ، وَكَانَ فِي حِرْزٍ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُمْسِيَ، وَإِنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ» (روایت ابوداود)[١]، ترجمه: «هر کس هنگام صبح بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الـمُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ برای او برابر با آزاد کردن برده ای از فرزندان اسماعیل است و برای او ده نیکی نوشته و ده گناه کم و ده درجه بالا برده می شود و آن روز تا شب از شیطان، در امان می ماند و اگر آن را شب بگوید؛ همان مزایا تا صبح به او داده می شود».

وهنگامی که از طهارتش فارغ شد، و آن را گفت؛ دروازه های هشتگانه بهشت بر رویش باز می شوند، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ، فَيُسْبِغُ الوُضُوءَ، ثُمَّ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ؛ إِلَّا فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الجَنَّةِ الثَّمَانِيَةُ**» (روایت مسلم)[٢]، ترجمه: «هر کس از شما که بطور کامل وضو بگیرد و سپس بگوید: «أَشْهَدُ أَلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» - گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست و محمد بنده و فرستاده ی اوست - مگر اینکه درهای هشتگانه بهشت برایش گشوده میشوند».

و کلمه توحید ابتدا و انتهای اذان می باشد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**إِذَا قَالَ الـمُؤَذِّنُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ**

---

(١) سنن ابوداود (٣/١٥٩) رقم حدیث: (٣١١٣).

(٢) صحیح مسلم (١/٤٤) رقم حدیث: (٢٣٤).

اللَّهِ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الفَلَاحِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مِنْ قَلْبِهِ؛ دَخَلَ الجَنَّةَ» (روایت مسلم)[١]، ترجمه: «هرگاه یکی از شما با الله أکبر، الله أکبر، گفتن مؤذن بگوید: الله أکبر الله، أکبر، با أشهد أن لا إله إلا الله مؤذن بگوید: أشهد أن لا إله إلا الله، و با أشهد أن محمدا رسول الله مؤذن بگوید: أشهد أن محمدا رسول الله و با حي علي الصلاه مؤذن بگوید: لا حول ولا قوة إلا بالله و با حي علي الفلاح مؤذن بگوید: لا حول ولا قوة إلا بالله و با الله أکبر مؤذن بگوید: الله أکبر و با لا إله إلا الله او از ته قلب بگوید: لا إله إلا الله، وارد بهشت می شود».

و «**مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ المُؤَذِّنَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً، وَبِالإِسْلَامِ دِيناً؛ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ**» (روایت مسلم)[٢]، ترجمه: «هر کس بعد از شنیدن اذان بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وَبِالإِسْلَامِ دِيناً[٣]؛ گناهانش بخشیده می شوند».

و در نماز نیز هنگامی که شخص مسلمان آن را برپا می دارد، با کلمه ی توحید نمازش را آغاز می کند، و نماز شخص بدون تشهد صحیح نیست، و قبل

---

(١) صحیح مسلم (٤/٢) رقم حدیث: (٣٨٥).

(٢) صحیح مسلم (٤/٢) رقم حدیث: (٣٨٦).

(٣) ترجمه: «گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، شریکی ندارد و محمد ﷺ بنده و فرستاده ی اوست، به ربوبیت الله و رسالت محمد ﷺ و دین اسلام راضی شدم».

از اینکه نمازگذار سلام بدهد، دعا را با توسل با کلمه توحید شروع می کند: «**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَسْرَفْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ**» (روایت مسلم)[١]، ترجمه: «بار الها! بیامرز برایم، آنچه را که در گذشته و آینده و پنهان و آشکار انجام دادم و آنچه از حد گذری نمودم و آنچه تو از من به آن دانا تری، تو سبقت دهنده و جلو برنده و هم به عقب اندازنده ای، هیچ معبود برحقی جز تو وجود ندارد».

بعد از هر نماز می فرمودند: «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**» (متفق علیه)[٢]، ترجمه: «هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد، یکتاست شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، همه ی ستایشها شایسته ی اوست، و بر هر چیزی توانایی دارد».

و سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر را با کلمه توحید خاتمه می داد، پس فرمودند: «**تُغفَرُ خَطَايَاهُ، وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ**» (روایت مسلم)[٣]، ترجمه: «گناهانش گر چه به اندازه کف دریا باشند؛ بخشیده می شوند».

و در مناسک حج نیز توحید همراهی می کند، پیامبر ﷺ وقتی بالای کوه صفا و مروه می رفت: «**فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ، فَوَحَّدَ اللَّهَ، وَكَبَّرَهُ**» (روایت مسلم)[٤]، ترجمه: «رو به قبله می نمود، الله را به بزرگی و یگانگی یاد می نمود».

---

(١) صحیح مسلم (٢/١٨٥) رقم حدیث: (٧٧١).

(٢) صحیح بخاری (١/١٦٨) رقم حدیث: (٨٤٤)، صحیح مسلم (٢/٩٥) رقم حدیث: (٥٩٣).

(٣) صحیح مسلم (٢/٩٨) رقم حدیث: (٥٩٧).

(٤) صحیح مسلم (٤/٣٨) رقم حدیث: (١٢١٨).

و در مزدلفه «أَتَى النَّبِيُّ ﷺ الـمَشْعَرَ، فَرَقِيَ عَلَيْهِ؛ فَحَمِدَ اللَّهَ، وَكَبَّرَهُ، وَهَلَّلَهُ وَوَحَّدَهُ» (روایت نسائی)[١]، ترجمه: «زمانیکه پیامبر ﷺ مشعر الحرام آمد، بالای آن رفت؛ سپس سبحان اللّه و الحمد للّه و اللّه اکبر ولا إله إلا اللّه، لا إله إلا اللّه وحده لا شرك له... (یعنی ذکر و دعا نمود)».

و «إِذَا قَفَلَ مِنْ غَزْوٍ أَوْ حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ، يُكَبِّرُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ مِنَ الأَرْضِ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الـمُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (متفق علیه)[٢]، ترجمه: «هنگام بازگشت از جهاد، یا حج یا عمره، وقتی که از مکان مرتفعی عبور می کرد، سه بار تکبیر میگفت، سپس می فرمود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الـمُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و در مواسم و اوقات طاعات و خوبیها - مانند ده روز اول ذوالحجه - مستحب است که کلمه توحید به کثرت یاد شود، و هر کس در مجلسی نشست که در آن گفتار بیهوده و گناه آلود زیاد شده بود، قبل از اینکه از آن مجلس بلند شود گفت: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ؛ إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا كَانَ فِي مَجْلِسِهِ ذَلِكَ» (روایت ترمذی)[٣]، ترجمه: «پروردگارا! پاک و منزهی و ستایش لایق توست، گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی

---

(١) سنن کبری نسائی (١٧٤/٤) رقم حدیث: (٤٠٣٨).

(٢) صحیح بخاری (١٦٨/١) رقم حدیث: (٨٤٤)، صحیح مسلم (٩٥/٢) رقم حدیث: (٥٩٣).

(٣) جامع ترمذی (٤٣١/٥) رقم حدیث: (٣٤٣٣).

غیر از تو نیست، از تو طلب مغفرت و آمرزش می کنم وبسوی تو توبه می کنم»؛ مگر اینکه الله آنچه که از او در آن مجلس رخ داده است، را می بخشد.

و «**مَنْ تَعَارَّ** – أَي: اسْتَيْقَظَ – **مِنَ اللَّيْلِ** – فَقَالَهَا – **ثُمَّ دَعَا؛ اسْتُجِيبَ لَهُ، فَإِنْ تَوَضَّأَ وَصَلَّى؛ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ**» (روايت بخارى)[1]، ترجمه: «هر کس شب هنگام از خواب پرید؛ کلمه توحید را گفت، سپس دعا نمود؛ دعایش پذیرفته میشود، و اگر بلند شد و وضو گرفت و نماز خواند، نمازش پذیرفته می شود».

و هنگام اندوه و پریشانی گفته می شود: «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ العَظِيمُ الحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ العَرْشِ العَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَرَبُّ الأَرْضِ وَرَبُّ العَرْشِ الكَرِيمِ**» (متفق عليه)[2]، ترجمه: «هیچ معبود بر حقی جز الله بزرگ و بردبار، وجود ندارد، هیچ معبود بر حقی جز الله که پروردگار عرش بزرگ وجود ندارد، هیچ معبود بر حقی جز الله که پروردگار آسمانها و زمین و عرش کریم وجود ندارد».

تعریف و تمجید نمودن الله با این کلمه قبل از طلب حاجت نمودن سبب پذیرش دعا می شود، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ۞ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ﴾[3]، ترجمه: «و ذوالنون (یونس) را (به یاد آور) هنگامی که خشمگین (از میان قومش) رفت، پس

---

(١) صحیح بخاری (٢/٥٤) رقم حدیث: (١١٥٤).

(٢) صحیح بخاری (٨/٧٥) رقم حدیث: (٦٣٤٦)، صحیح مسلم (٨/٨٥) رقم حدیث: (٢٧٣٠).

(٣) سوره الأنبياء:٨٧-٨٨.

چنین پنداشت که ما هرگز بر او تنگ نمی گیریم، پس (وقتی که در شکم ماهی فرو رفت) در تاریکی‌ها ندا داد که: هیچ معبود بر حقی جز تو نیست، تو منزهی! بی گمان من از ستمکاران بودم، پس دعای او را اجابت کردیم، و از اندوه نجاتش دادیم».

پیامبر ﷺ فرمودند: «**لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ فِي شَيْءٍ قَطُّ؛ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ**» (روایت ترمذی)[1]، ترجمه: «(به دعای یونس علیه السلام) هیچ مسلمانی این دعا را نکرده؛ مگر این که الله تعالی دعایش را اجابت می کند».

و همین کلمه توحید کفاره ی سوگند به غیر الله متعال می باشد، رسول الله ﷺ فرمودند: «**مَنْ حَلَفَ فَقَالَ فِي حَلِفِهِ: وَاللَّاتِ وَالعُزَّى؛ فَلْيَقُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» (متفق علیه)[2]، ترجمه: «هرکس، به لات و عزی سوگند یاد کند، باید لا اله الا الله بگوید».

و هر کس هنگام وفات بود مستحب است که این کلمه به او تلقین شود، رسول الله ﷺ فرمودند: «**لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» (روایت مسلم)[3]، ترجمه: «لا اله الا الله را به کسانی که در حال مرگ اند تلقین نمایید».

هر کس بر دینی غیر از اسلام باشد با همین کلمه دعوت می شود، گرچه در آخرین لحظه زندگی اش باشد، هنگامی که وفات ابوطالب نزدیک شد، پیامبر ﷺ پیش او رفت و فرمودند: «**يَا عَمِّ! قُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، كَلِمَةً أَشْهَدُ لَكَ**

---

(١) جامع ترمذی (٤٨٤/٥)، حدیث رقم:(٣٥٠٥).
(٢) صحیح بخاری (١٤١/٦) رقم حدیث: (٤٨٦٠)، صحیح مسلم (٨١/٥) رقم حدیث: (١٦٤٧).
(٣) صحیح مسلم (٦٣١/٢)، حدیث رقم:(٩١٦).

بِهَا عِنْدَ اللَّهِ» (متفق علیه)[1]، ترجمه: «ای عموی من! بگو: «لا اله الا اللّه: تا با این کلمه بر ایمان تو نزد اللّه گواهی دهم».

و سپس؛ ای مسلمانان:

عزت واقعی در توحید می باشد، عمر رضي الله عنه فرمود: «نَحْنُ قَوْمٌ أَعَزَّنَا اللَّهُ بِالإِسْلَامِ»[2]، ترجمه: «ما قومی هستیم که اللّه متعال ما را با اسلام عزت بخشید»، گواهی دادن به کلمه توحید علامت و دلیل بر اسلام شخص است، و اقراری که مخالف کردار باشد هیچ سودی ندارد، هر کس کلمه توحید را به زبان نیاورد از لذت دنیا و آخرت محروم میگردد، و قوت و ضعف مسلمانان بر اندازه ی تحقیق این کلمه در گفتار و کردارشان میباشد، پس کلمه ی توحید میزان سنجش آنها نزد اللّه و نزد مردم می باشد، اگر در نزدشان مستحکم شد اللّه متعال از آن ها راضی می شود و عزت یابند و ترقی کنند و اگر توحید پیش آنها ضعیف باشد از اللّه دور می شوند و سست و ناتوان می گردند.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مُتَقَلَّبَكُمۡ وَمَثۡوَىٰكُمۡ﴾[3]، ترجمه: «پس بدان که هیچ معبود بر حقی جز اللّه

---

(١) صحیح بخاری (٢/٩٥) رقم حدیث: (١٣٦٠)، صحیح مسلم (١/٤٠) رقم حدیث: (٢٤).

(٢) نگا: مستدرک حاکم (١/٦٢) رقم: (٢٠٨).

(٣) سوره محمد:١٩.

نیست و برای گناه خویش آمرزش بخواه و برای مردان و زنان مؤمن طلب مغفرت کن، و الله است که جای رفت و آمد شما را و جای ماندن شما را می‌داند».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیتش و یارانش باد.

ای مسلمانان:

شناخت معنای کلمه توحید و عمل نمودن به آن و دوری از چیزهای که با آن منافات یا در تضاد می باشند شرط حاصل نمودن محتوای نصوص وارده شده در این زمینه می باشد؛ پس معنای آن: نفی معبودیت به حق غیر از الله متعال، و اثبات معبودیت فقط برای الله متعال می باشد، این چیزی بود که کفار قریش منکر آن بودند، الله سبحانه می فرماید: ﴿إِنَّهُمۡ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسۡتَكۡبِرُونَ﴾[1]، ترجمه: «آنها بودند، که وقتی به آنها گفته می شد: هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، سرکشی می کردند».

فقط اقرار نمودن شان به توحید ربوبیت فایده ای به آنها نرساند.

و هر کس به معنای کلمه ی توحید آگاه تر باشد، و به مقتضای آن ثابت تر، میزان اعمال نیکش سنگین تر می شود، تفاوت مردم به اندازه تحقق شروط کلمه توحید می باشد، و روح و سِرّ این کلمه یگانه دانستن الله متعال در تمام

---

(١) سوره الصافات:٣٥.

عبادات می باشد، هر کس مخلوقی را در حقوق الله متعال و در عباداتش شریک قرار داد، این عملکردش باطل کننده و منافی و ناقض: «لا إله إلا الله» می باشد.

خوشبخت وسعادتمند کسی است که از توحیدش محافظت نموده و با آن بمیرد، بدون اینکه توحیدش را با نواقض آن آلوده کند، یا به آن خدشه ای وارد کند، یا به آنچه در توحیدش نقص می آورد، آن را آلوده نماید، و توحید آرزوی همه ی بندگان صالح الله متعال می باشد: ﴿تَوَفَّنِي مُسۡلِمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ﴾[1]، ترجمه: «مرا مسلمان بمیران و به نیاکان ملحق فرما».

سپس بدانید که الله متعال شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده...

(۱) سوره یوسف:۱۰۱.

محبوبترین عمل نزد الله متعال[1]

بدرستی که تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که الله متعال او را هدایت کند، هیچ کس نمی تواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید.

ای مسلمانان:

الله متعال بندگان را آفرید و آنچه را در آسمان‌ها و زمین هستند را برای آنان مسخر نمود و نعمت‌های آشکار و پنهان خویش را بر آن‌ها کامل گرداند تا تنها او را عبادت کنند، انسان‌ها بعد از آدم علیه السلام مدت ده قرن، الله متعال را تنها عبادت می کردند تا اینکه شیطان پرستش بت‌ها را برای برخی از بندگان زیبا جلوه داد و آنان به عبادت بت‌ها روآوردند، سپس الله متعال پیامبران را فرستاد و به

---

(۱) این خطبه در روز جمعه، ٦ جمادی الاول، سال ١٤٣٨ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

همراه آنان کتاب‌های خویش را نازل کرد تا مردم را تنها به عبادت الله برگردانند و از جمله مهربانی الله به بندگانش این است که فطرت آنها را نیز موافق توحید قرار داد، پس هر نوزادی بر فطرت الهی یعنی توحید سرشته شده است، و این که تنها وی معبود حقیقی است، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ﴾[۱]، ترجمه: «فطرتی که الله مردم را بر آن سرشته است».

شیطان سعی در فاسد نمودن فطرت مردم دارد تا آنان را از خشنودی پروردگارشان و از نعمت های ابدی که دربهشت های پرنعمت برایشان مهیا شده اند؛ محروم سازد، رسول الله ﷺ می‌فرماید: «**أَلَا إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ أُعَلِّمَكُمْ مَا جَهِلْتُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي يَوْمِي هَذَا، كُلُّ مَالٍ نَحَلْتُهُ عَبْداً حَلَالٌ، إِنِّي خَلَقْتُ عِبَادِي حُنَفَاءَ كُلَّهُمْ، وَإِنَّهُمْ أَتَتْهُمُ الشَّيَاطِينُ فَاجْتَالَتْهُمْ عَنْ دِينِهِمْ، وَحَرَّمَتْ عَلَيْهِمْ مَا أَحْلَلْتُ لَهُمْ، وَأَمَرَتْهُمْ أَنْ يُشْرِكُوا بِي مَا لَمْ أُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَاناً**» (روایت مسلم)[۲]، ترجمه: «آگاه باشید الله متعال! به من امر کرده تا آنچه را که شما نمی دانید، از آنچه به من در این روزم آموخته است به شما بیاموزم، الله متعال می فرماید: هر مالی که به بندگانم داده ام حلال است، من همه‌ی بندگانم را یکتاپرست آفریدم و شیاطین به نزد آن‌ها آمده و آن‌ها را از دین‌شان دور ساخته و چیزهایی را که بر آن‌ها حلال گردانده بودم، حرام ساختند و به آنان دستور داد که به من چیزی را شریک سازند که بر آن هیچ دلیلی نازل نکرده بودم».

---

(۱) سوره الروم: ۳۰.

(۲) صحیح مسلم (۱۵۸/۸) رقم حدیث: (۲۸٦٥).

ابلیس مردم را به ارتکاب بزرگترین گناهی که در حق الله انجام می گیرد، دعوت می دهد، از رسول الله ﷺ پرسیده شد که کدامین گناه بزرگتر است؟ فرمودند: «**أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدّاً، وَهُوَ خَلَقَكَ**» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «اینکه برای الله شریک و همتایی قرار دهی، در حالی که او تو را آفریده است».

بسیاری از مردم به عبادت غیر الله پرداختند چنانکه الله سبحانه فرموده اند: ﴿وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾[۲]، ترجمه: «اما بیشتر مردم ایمان نمی آورند».

از جمله آثار وخیم بی‌ایمانی که می توان به آن اشاره نمود: هر عملی که انجام دهد - هر چند که نیک باشد - به خاطر بی دینی هیچ پاداشی نیکی ندارد، ام المومنین عایشه رضي الله عنها خطاب به رسول الله ﷺ گفت: ای رسول الله! ابن جُدعان در جاهلیت صله‌ی رحِم می‌نمود و به مستمندان غذا می‌داد؛ آیا این به او سودی خواهد رساند؟ رسول الله ﷺ فرمودند: «**لَا يَنْفَعُهُ؛ إِنَّهُ لَمْ يَقُلْ يَوْماً: رَبِّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ**» (روایت مسلم)[۳]، ترجمه: «این کار هیچ سودی برای او نخواهد داشت، زیرا او روزی نگفت: پروردگارا گناه مرا در روز قیامت مورد آمرزش قرار ده».

و این گناه بزرگ - یعنی شرک - سبب خشم گرفتن الله و گرفتار شدن صاحبش در ذلت و بدبختی می شود. الله ﷻ فرموده: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ ٱلْعِجْلَ

---

(۱) صحیح بخاری (۱۸/٦) حدیث رقم: (٤٤٧٧)، صحیح مسلم (٦٣/١)، حدیث رقم:(٨٦).

(۲) سوره هود: ۱۷.

(۳) صحیح مسلم (١٥٨/٨) رقم حدیث: (٢٨٦٥).

سَيَنَالُهُمۡ غَضَبٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَذِلَّةٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ﴾[1]، ترجمه: «آری کسانی که گوساله را (به پرستش) گرفتند به زودی خشمی از پروردگارشان و ذلتی در زندگی دنیا به ایشان خواهد رسید».

و صاحب آن همیشه در غم‌ها و غصه‌ها و نا آرامی‌ها دست و پا خواهد زد، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمَن يُرِدۡ أَن يُضِلَّهُۥ يَجۡعَلۡ صَدۡرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجٗا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي ٱلسَّمَآءِۚ﴾[2]، ترجمه: «و (الله) هرکس را بخواهد گمراه کند دلش را سخت تنگ می‌گرداند، چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود».

و الله او را از ورود به بهشت باز خواهد داشت و برای ابد در آتش باقی خواهد ماند، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ﴾[3]، ترجمه: «هر کس به الله شرک ورزد، الله متعال بهشت را بر او حرام نموده، و جایگاه وی دوزخ است».

برای اینکه بندگان در دام شیطان گرفتار نشوند و پروردگار خویش را خشمگین نسازند و تا ابد در آتش جهنم ماندگار نشوند، الله متعال برای هر امتی پیامبری فرستاد تا آنان را از دعوت ابلیس برحذر دارد و به پرستش پروردگار فراخواند، و کتاب‌هایی از سوی خویش نازل نمود، و در بیشترین آیات به آن امر نمود و همه‌ی آیات قرآن دال بر توحیدند، و اولین دستوری که در قرآن آمده، همین

---

(۱) سوره الأعراف:۱۵۲.

(۲) سوره الأنعام:۱۲۵.

(۳) سوره المائدة:۷۲.

است، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ﴾[(۱)]، ترجمه: «ای مردم، پروردگار خود را پرستش کنید».

یعنی: تنها وی را مورد عبادت قرار دهید، و اولین نهی در قرآن، نهی از شرک است: ﴿فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾[(۲)]، ترجمه: «پس در حالی که می‌دانید برای الله شریکانی قرار ندهید».

و سوره اخلاص در اجر مساوی با یک سوم قرآن می باشد، به خاطر اینکه شامل بحث توحید است، و بزرگترین آیه‌ی قرآن آیه‌ای است که شامل وحدانیت الله است: و آن آية الكرسی است.

پیامبر ﷺ به مدت ده سال بعد از بعثت خویش در مکه تنها به توحید دعوت می‌داد و به چیز دیگری نمی‌پرداخت، سپس شرایع دین یکی پس از دیگری بر وی نازل گردید و پس از آن به همراه توحید به شریعت نیز تا وفاتش به آن دعوت می داد، و صبحگاه و شامگاه می فرمودند: «**أَصْبَحْنَا عَلَى فِطْرَةِ الإِسْلَامِ، وَعَلَى كَلِمَةِ الإِخْلَاصِ، وَعَلَى دِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَعَلَى مِلَّةِ أَبِينَا إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً مُسْلِماً، وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ**» (روایت احمد)[(۳)]، ترجمه: «بر فطرت اسلام و بر کلمه‌ی اخلاص و بر دین پیامبرمان محمد ﷺ و بر ملّت پدرمان ابراهیم که یکتاپرست و مسلمان بود و از مشرکان نبود، صبح نمودیم».

---

(۱) سوره البقرة: ۲۱.

(۲) سوره البقرة: ۲۲.

(۳) مسند احمد (٣٢٤١/٦) رقم حدیث: (١٥٥٩٦).

و روز خود را با توحید آغاز می‌نمود، پس در دو رکعت قبلیه‌ی صبح سوره کافرون و اخلاص را قرائت می‌کرد و روز خود را نیز با توحید به پایان می‌رساند؛ پس در دو رکعت نماز وتر سوره ی کافرون و اخلاص را می‌خواند.

و امت خویش را نیز به توحید سفارش نموده، روزی یک بادیه نشینی به نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: مرا به کاری راهنمایی کن که اگر آن را انجام دهم، وارد بهشت شوم، فرمودند: «**تَعْبُدُ اللَّهَ، وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ، وَتُؤَدِّي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ**» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «فقط الله متعال را عبادت کن و با او چیزی را شریک نگردان و نمازهای فرض را به جا آور و زکات واجبت را ادا کن و رمضان را روزه گیر».

و یارانش را دستور می‌داد که بر بندگی الله به یگانگی با وی بیعت کنند، عوف بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: «**كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ تِسْعَةً أَوْ ثَمَانِيَةً أَوْ سَبْعَةً، فَقَالَ: أَلَا تُبَايِعُونَ رَسُولَ اللَّهِ؟ قُلْنَا: قَدْ بَايَعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَعَلَامَ نُبَايِعُكَ؟ قَالَ: عَلَى أَنْ تَعْبُدُوا اللَّهَ، وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً، وَالصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ**» (روایت مسلم)[۲]، ترجمه: ما نه یا هشت یا هفت نفر نزد رسول الله ﷺ بودیم پس وی فرمودند: «آیا با رسول الله بیعت نمی‌کنید؟» گفتیم: ای رسول الله ما با شما بیعت نمودیم! بر چه چیزی با تو بیعت کنیم؟ فرمودند: «بر این که الله را عبادت کنید و با او چیزی را شریک نگردانید و بر اداء نمازهای پنجگانه».

---

(۱) صحیح بخاری (۱۰۵/۲) حدیث رقم: (۱۳۹۷)، صحیح مسلم (۳۳/۱)، حدیث رقم:(۱٤).

(۲) صحیح مسلم (۹۷/۳) رقم حدیث: (۱۰٤۳).

هنگامی که دعوتگران را به سرزمین‌ها دیگر می‌فرستاد به آنان دستور میداد که دعوت خویش را با توحید آغاز نمایند، معاذ ﷺ را به یمن فرستاد و به او فرمودند: «**إِنَّكَ تَأْتِي قَوْماً مِنْ أَهْلِ الكِتَابِ؛ فَادْعُهُمْ إِلَى: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ**» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «تو به نزد قومی از اهل کتاب خواهی رفت؛ پس نخستین چیزی که آنان را به سوی آن فرا می‌خوانی: گواهی دادن به این که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست و محمد فرستاده اوست».

و هنگامی که فرستاده‌هایی از شهرهای دیگر به نزد او می‌آمدند نخست توحید را به آنان یاد می‌داد، یک بار فرستاده‌های عبدالقیس به نزد او آمدند پس به آنان فرمودند: «**أَتَدْرُونَ مَا الإِيمَانُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ...**» (روایت بخاری)[۲]، ترجمه: «آیا می‌دانید ایمان به الله چیست؟» گفتند: الله و رسول وی بهتر می دانند. فرمودند: «گواهی دادن به این که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست و محمد، فرستاده‌ی الله است..»

پیامبران از اینکه فرزندانشان به پیروی از شیطان به عبادت بت‌ها بپردازند می‌ترسیدند. ابراهیم خلیل الله ﷷ فرمودند: ﴿وَٱجۡنُبۡنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ﴾[۳]، ترجمه: «من و فرزندانم را از پرستش بت ها محفوظ بگردان».

---

(۱) صحیح بخاری (۱٦۲/٥) رقم حدیث: (٤۳٤۷)، صحیح مسلم (۳۷/۱) رقم حدیث: (۱۹).

(۲) صحیح بخاری (۲۰/۱) رقم حدیث: (٥۳).

(۳) سوره إبراهیم:۳٥.

و پیامبر ﷺ نیز از آن، بر امت خویش بیم داشت، فرمودند: «**أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ: الشِّرْكُ الأَصْغَرُ، فَسُئِلَ عَنْهُ، فَقَالَ: الرِّيَاءُ**» (روایت احمد)[۱]، ترجمه: «بیشترین چیزی که از آن بر شما بیم دارم شرک اصغر است، پرسیده شد: شرک اصغر چیست؟ فرمودند: ریا کاری».

توحید حق الله بر بندگانش می باشد، پیامبر ﷺ خطاب به معاذ فرمودند: «**يَا مُعَاذُ! أَتَدْرِي مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى العِبَادِ؟ قَالَ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: حَقُّ اللَّهِ عَلَى العِبَادِ: أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً**» (متفق علیه)[۲]، ترجمه: «ای معاذ! آیا می‌دانی حق الله بر بندگان چیست؟» گفت: الله و رسول وی بهتر می دانند، فرمودند: «حق الله بر بندگان این است که: او را عبادت کنند و با او چیزی شریک قرار ندهند».

توحید، بنده را به بهشت نزدیک و از آتش جهنم دور می‌کند، بادیه نشینی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: «**أَخْبِرْنِي بِمَا يُقَرِّبُنِي مِنَ الجَنَّةِ وَمَا يُبَاعِدُنِي مِنَ النَّارِ، قَالَ: فَكَفَّ النَّبِيُّ ﷺ، ثُمَّ نَظَرَ فِي أَصْحَابِهِ، ثُمَّ قَالَ: لَقَدْ وُفِّقَ - أَوْ: لَقَدْ هُدِيَ -، قَالَ: كَيْفَ قُلْتَ؟ قَالَ: فَأَعَادَ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصِلُ الرَّحِمَ**» (متفق علیه)[۳]، ترجمه: «ای رسول الله! مرا به کاری خبر بده که مرا به بهشت نزدیک کرده و از آتش دوزخ دور کند، رسول الله ﷺ نگاهی به یارانش انداخت و فرمودند: او توفیق داده شد، یا اینکه

---

(۱) مسند احمد (۵۶۲۸/۱۰) رقم حدیث: (۲۴۱۲۶).
(۲) صحیح بخاری (۱۱۴/۹) حدیث رقم: (۷۳۷۳)، صحیح مسلم (۴۳/۱)، حدیث رقم:(۳۰).
(۳) صحیح بخاری (۵/۸) حدیث رقم: (۵۹۸۳)، صحیح مسلم (۳۲/۱)، حدیث رقم:(۱۳).

هدایت شد، سپس به آن اعرابی گفت: چه گفتی؟ او نیز سوال خود را دوباره تکرار کرد، پیامبر ﷺ فرمودند: الله را عبادت کن و چیزی را شریک وی نکن و نماز را برپا دار و زکات را بده و پیوند خویشاوندی را حفظ کن».

و هیچ سعادتی در دنیا و آخرت، بدون توحید وجود نخواهد داشت، پیامبر ﷺ فرمودند: «**قُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ تُفْلِحُوا**» (روایت امام احمد)[۱]، ترجمه: «لا إله إلاَّ الله، بگویید تا رستگار و کامیاب گردید».

و هر کس خاتمه‌اش با کلمه شهادت باشد وارد بهشت خواهد شد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ دَخَلَ الجَنَّةَ**» (روایت ابوداود)[۲]، ترجمه: «هر کس آخرین سخنش در هنگام مرگ «لا اله الا الله» باشد، وارد بهشت خواهد شد».

و هر کس بر آن بمیرد وارد بهشت می شود و از آتش جهنم نجات می‌یابد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ لَقِيَ اللَّهَ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً دَخَلَ الجَنَّة، وَمَنْ لَقِيَهُ يُشْرِكُ بِهِ دَخَلَ النَّارَ**» (روایت مسلم)[۳]، ترجمه: «هرکس در حالی به ملاقات الله برود که چیزی به او شرک قرار نداده؛ وارد بهشت خواهد شد و هرکس در حال شرک به دیدار الله برود؛ وارد جهنم خواهد شد».

اعمال نیک موحدان به اندازه‌ی تفاوت ایمان و اخلاصی که در قلب دارند از نظر درجه و ارزش متفاوت اند، بهترین سرمایه ای که مسلمان از آن برخوردار

---

(۱) مسند احمد (۳٦٤۱/۷) رقم حدیث: (۱٦۸۷۱).

(۲) سنن ابوداود (۱٥۹/۳) رقم حدیث: (۳۱۱۳).

(۳) صحیح مسلم (٦٦/۱) رقم حدیث: (۹۳).

است توحید پروردگار است و مهم‌ترین چیزی که بر عهده‌ی اوست محافظت توحیدش از اموری که منجر به باطل نمودن یا خدشه وار نمودن یا نواقصی که بر آن وارد می شوند، می‌باشد، ابن قیم رحمه الله می گوید: «توحید لطیف‌ترین و پاک‌ترین و صاف‌ترین چیزهاست، لذا کمترین چیزی به آن خدشه وارد می کند و آن را چرکین نموده و در آن تاثیر می گذارد، پس او مانند لباس سفیدی است که کوچک‌ترین اثری بر آن می‌ماند و به مانند آینه‌ی صاف و پاکی است که کمترین چیز بر آن اثر می گذارد»[1].

الله جل جلاله به پیامبرانش وحی نموده، اگر از آنان شرکی سر بزند همه‌ی کارهای نیکشان باطل خواهد شد!؛ پس حال دیگران چه باشد!؟ الله جل جلاله می فرماید: ﴿وَلَقَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾[2]، ترجمه: «و براستی به تو و به کسانی که پیش از تو بودند، وحی شد که اگر شرک بورزی، یقینا اعمالت نابود می شود و از زیانکاران خواهی شد».

بهمین دلیل، ابراهیم خلیل علیه السلام از شرک هراس داشت و در حالی که کعبه را بنا می کرد از الله چنین خواست: ﴿وَٱجۡنُبۡنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ﴾[3]، ترجمه: «من و فرزندانم را از پرستش بت ها محفوظ بگردان».

---

(۱) کتاب فوائد (ص:۱۹٤).

(۲) سوره الزمر:٦٥.

(۳) سوره إبراهيم:۳٥.

زمانی که ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَامُ از شرک هراس دارد، دیگران باید بیشتر هراس داشته باشند.

آموزش اصل و اساس دین به فرزندان، و همیشه از آن پرسیدن، روش پیامبران است، یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ در حالی که در بستر مرگ بود فرزندان خود را از توحید سوال کرد: ﴿أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ حَضَرَ يَعۡقُوبَ ٱلۡمَوۡتُ إِذۡ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعۡبُدُونَ مِنۢ بَعۡدِيۖ قَالُواْ نَعۡبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗا وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ﴾[1]، ترجمه: «آیا هنگامی که مرگ یعقوب را فرا رسید، شما حاضر بودید؟ آنگاه که به فرزندان خویش گفت: پس از من چه چیزی را می پرستید؟ گفتند: معبود تو و پدرانت را، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، الله یکتا را می پرستیم، و ما تسلیم او هستیم».

و پیامبر ما محمد ﷺ از دختری خردسال پرسید: «**أَيْنَ اللَّهُ؟ قَالَتْ: فِي السَّمَاءِ**» (روایت مسلم)[2]، ترجمه: «الله کجاست؟» گفت: بالای آسمان ها.

مدارسه‌ی کتاب‌های اعتقادی صحیح و لازم گرفتن دروس اهل علم از جمله اسباب ثبات بر دین می باشند، رسول الله ﷺ فرمودند: «**تَرَكْتُ فِيكُمْ شَيْئَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُمَا: كِتَابَ اللَّهِ، وَسُنَّتِي**» (روایت حاکم)[3]، ترجمه: «در میان شما دو چیز باقی گذاشته‌ام که اگر به آن تمسک جویید؛ هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب الله و سنت من».

(۱) سوره البقرة:۱۳۳.

(۲) صحیح مسلم (۲/۷۰) رقم حدیث: (۵۳۷).

(۳) مستدرک حاکم (۱/۹۳) رقم حدیث: (۳۱۸).

شیخ محمد بن عبدالوهاب رحمه الله می گوید: «مهترین چیزی که بر تو یادگیری آن الزامی است: شناخت توحید قبل از شناخت همه ی عبادات دیگر حتی نماز می باشد»[۱].

دعا بر ثبات و پایداری بر دین، راه و روش پیامبران است، یوسف علیه السلام فرمودند: ﴿تَوَفَّنِي مُسۡلِمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ﴾[۲]، ترجمه: «مرا مسلمان بمیران و به نیاکان ملحق فرما».

بزرگداشت توحید الله و درک اهمیت آن و دوری از شبهات از اسباب هدایت است.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مُتَقَلَّبَكُمۡ وَمَثۡوَىٰكُمۡ﴾[۳]، ترجمه: «پس بدان که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست و برای گناه خویش آمرزش بخواه و برای مردان و زنان مؤمن طلب مغفرت کن، و الله است که جای رفت و آمد شما را و جای ماندن شما را می‌داند».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

---

(۱) اصول ایمان (ص:۲۷).

(۲) سوره یوسف:۱۰۱.

(۳) سوره محمد:۱۹.

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او واهل بیتش و یارانش باد.

ای مسلمانان:

توحید بزرگ‌ترین چیزی است که نفس بشری با آن تزکیه می‌شود و جز با کفر ورزیدن به همه‌ی چیزهایی که به غیر الله پرستش می‌شوند؛ محقق نمی‌شود و این همان معنای شهادتین است، رسول الله ﷺ فرمودند: «**مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَكَفَرَ بِمَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ حَرُمَ مَالُهُ، وَدَمُهُ، وَحِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ** ﷻ» (روایت مسلم)[۱]، ترجمه: «هرکس «لا إله إلا الله» را بر زبان آورد و به همه‌ی چیزهایی که جز الله پرستش می شوند کفر ورزد؛ مال و خونش حرام گردیده و حسابش با الله است».

هر کس توحید را در وجود خود محقق سازد؛ همه ی سختی‌هایش برطرف شده و خشنودی پروردگارش را به دست آورده و اعمال نیکش پذیرفته و اجرش چندین برابر شده و زندگیش گوارا شده و گناهانش آمرزیده شده و بدون حساب و عذاب وارد بهشت خواهد گردید و هیچ نعمتی برتر از نعمت دین و ثبات بر آن نیست.

سپس بدانید که الله متعال شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده...

---

(۱) صحیح مسلم (۳۹/۱) رقم حدیث: (۲۳).

بزرگی و عظمت الله متعال[1]

قطعا تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که الله متعال او را هدایت کند، هیچ کس نمیتواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید.

ای مسلمانان:

الله متعال بندگان را از عدم به وجود آورد، به آنها انواع نعمت ها ارزانی نمود، مشکلات و سختیها را از آنها دور کرد، و فطرت سلیم انعام کننده و احسان کننده را دوست می دارد، و نیاز دلها به شناخت پروردگار از نیازشان به آب و خوراک و نفس کشیدن بیشتر است، هیچ سعادتی در دنیا و آخرت جز با

(۱) این خطبه در روز جمعه، ۱۸ جمادی الاول، سال ۱٤۳۲ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

شناخت و محبت و عبادت الله متعال وجود ندارد، کسانی که الله متعال را بهتر شناختند؛ بیشتر او را تعظیم نموده و ایمانشان راسخ تر است.

بندگی قلب بزرگتر و بادوام تر از بندگی اعضای جوارح می باشد، زیرا که در هر وقت لازم می باشد، اعمال جوارح نیز برای اصلاح و بزرگداشت الله متعال می باشند، ابن قیم رحمه الله می گوید: «الله متعال بنده را همان اندازه مقام و منزلت می دهد، که او الله متعال را در قلبش جایگاه و منزلت بدهد»[۱] و اگر بنده پروردگار خود را خوب بشناسد اطمینان به الله حاصل می شود و قلبش به او آرام می گردد و هر کس به الله متعال و صفاتش آگاه تر باشد، توکلش به او صحیح تر و قوی تر می گردد و از او بیشتر می ترسد و کاملترین انسانها از لحاظ بندگی: کسی است که فقط الله متعال را تعظیم نموده و او را با تمام اسماء وصفاتش پرستش نماید.

و برای الله متعال نامهای نیکویی است، همه ی نامهایش مدح و تعریف و تمجید می باشند و کاملترین و برترین صفات از آن او می باشند و همه ی صفاتش، صفات کمال می باشند، پیامبر ﷺ در رکوع می فرمودند: «**سُبْحَانَ ذِي الجَبَرُوتِ، وَالـمَلَكُوتِ، وَالكِبْرِيَاءِ، وَالعَظَمَةِ**» (روایت نسائی)[۲]، ترجمه: «پاک و منزه است پروردگاری که مالک قدرت، فرمانروایی، بزرگی و عظمت است».

---

(۱) الكافية الشافية (٤/٩).

(۲) سنن نسائی (۲۲۷/۱) رقم حدیث: (۱۰٤۸).

کمال مطلق در همه ی اشیاء از آن اوست، پیامبر ﷺ فرمودند: «**لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ**» (روایت مسلم)[1]، ترجمه: «نمی توانم تو را آن طور که شایسته توست؛ مدحت کنم، چنانچه که تو خود را مدح کرده ای».

و تمامی آنهایی که در آسمانها و زمین می باشند؛ الله متعال را از عیب و نقص پاک و منزه می دانند، الله سبحانه می فرماید: ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[2]، ترجمه: «آنچه در آسمان‌ها و زمین اند، الله متعال را تسبیح می گویند و او پیروزمند و حکیم است».

و همگی او را سجده می کنند، الله ﷻ فرموده: ﴿وَلِلَّهِ يَسۡجُدُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن دَآبَّةٖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ﴾[3]، ترجمه: «آنچه در آسمانها وجود دارد و جنبده هایی که در زمین هستند برای الله سجده می کنند و (نیز) فرشتگان و آنان تکبر نمی ورزند».

آفرینش و فرمان فقط از آن الله ﷻ می باشد، با بهترین وجه آفرید، و در آفرینش خویش ابداع نمود، پنجاه هزار سال قبل از آفرینش آسمانها و زمین مقادیر مخلوقات و هستی را مقدر نمود، حکم و فرمان از آن اوست و هیچ احدی با او در آن شریک نیست، هیچ برگرداننده ای به قضا و قدر او نیست، و هیچ اعتراضی برای فرمان او نیست، همیشه زنده است و نمیمیرد، همه مخلوقات تحت قهر و فرمان

---

(۱) صحیح مسلم (۵۱/۲) رقم حدیث: (۴۸۶).

(۲) سوره الحشر:۱.

(۳) سوره النحل:۴۹.

و قبضه ی او می باشند، آنها را می کشد و دوباره زنده می کند، آنها را به خنده و گریه در می آورد، ثروتمند و فقیر می کند، در رحم مادر هر طور بخواهد شکل می دهد.

﴿مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلَّا هُوَ ءَاخِذُۢ بِنَاصِيَتِهَآۚ﴾[(۱)]، ترجمه: «هیچ جنبنده‌ای نیست؛ مگر آنکه او گیرنده پیشانیش است».

هر طور بخواهد تدبیر می کند، قلب بندگان بین دو انگشت او می باشند، هر طور بخواهد آنها را می چرخاند، پیشانی آنها به دست اوست، امور بحرانی و پیچیده با قضا و قدر او می باشند.

هیچ کسی با او درگیر نمی شود، و هیچ کس بر او غالب نمی شود و اگر همه ی امتها جمع شوند که به کسی که الله متعال ننوشته و نخواسته ضرری برسانند؛ هیچ کس نمیتواند به او ضرری بدهد و اگر جمع شوند که به او فائده ایی برسانند، در حالی که الله متعال نمی خواهد، هیچ کس نمی تواند به او فائده ایی برساند.

هیچ کس نمی تواند عذابی را که الله متعال نازل نموده، باز بدارد و هیچ کس غیر از او آن را دور نمی کند، هر چه بخواهد، می آفریند و هر اراده ایی کند، انجام می دهد، از آنچه انجام می دهد، سوال نمی شود اما مخلوقات سوال می شوند، قائم به ذات خویش است، از مخلوقاتش بی نیاز است، بر همه چیره و مسلط است، کلید های غیب نزد او هستند، هیچ کس بجز او از آن اطلاعی ندارد، علم غیب را حتی از ملائکه مخفی نموده است، پس ملائکه نمی دانند فردا چه کسانی می میرند، یا در این هستی قبل از رخداد حوادث، نمی دانند چه رخ می دهد.

---

(۱) سوره هود:۵٦.

فرمانرواست فقط او تدبیر امور بندگانش را می کند، امر و نهی می کند، می بخشد و منع می کند، بالا و پایین می برد، اوامرش بر حسب اوقات پیاپی هستند و حسب اراده و مشیئت او تنفیذ می شوند، هر چه بخواهد صورت میگیرد و هر چه نخواهد نمی شود، ﴿يَسۡـَٔلُهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ﴾[1]، ترجمه: «تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از او درخواست نیاز می کنند، و او هر روز در کاری است».

از جمله امورش: مشکلاتی را برطرف می کند و زیان دیده ای را عوض دهد و فقیری را بی نیاز سازد و دعایی را اجابت کند، در مورد خویش فرموده: ﴿وَمَا كُنَّا عَنِ ٱلۡخَلۡقِ غَٰفِلِينَ﴾[2]، ترجمه: «و ما هرگز از آفرینش خود غافل نبوده‌ایم».

علمش همه جا و همه چیز را فرا گرفته، آنچه شده و می شود و نشده را میداانند، هیچ ذره ایی حرکت نمی کند؛ مگر با اجازه او، هیچ برگی نمی ریزد مگر با علم دانش او، هیچ چیزی از او مخفی نیست، نزد او مخفی و ظاهر برابر هستند، الله سبحانه می فرماید: ﴿سَوَآءٞ مِّنكُم مَّنۡ أَسَرَّ ٱلۡقَوۡلَ وَمَن جَهَرَ بِهِۦ وَمَنۡ هُوَ مُسۡتَخۡفِۭ بِٱلَّيۡلِ وَسَارِبُۢ بِٱلنَّهَارِ﴾[3]، ترجمه: «یکسانند کسانی که: پنهانی سخن بگوید، یا آشکارا، و کسانی که در شب پنهان شوند، و در روز راه روند».

صدای مخلوقات خود را از بالای عرش می شنود، عایشه ﵂ می گوید: **«الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَسِعَ سَمْعُهُ الأَصْوَاتَ، لَقَدْ جَاءَتِ المُجَادِلَةُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ**

---

(۱) سوره الرحمن:۲۹.

(۲) سوره المؤمنون:۱۷.

(۳) سوره الرعد:۱۰.

تُكَلِّمُهُ، وَأَنَا فِي نَاحِيَةِ البَيْتِ، مَا أَسْمَعُ مَا تَقُولُ؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: ﴿قَدۡ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوۡلَ ٱلَّتِي تُجَٰدِلُكَ فِي زَوۡجِهَا وَتَشۡتَكِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ يَسۡمَعُ تَحَاوُرَكُمَآۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٌ﴾[۱]» (روایت احمد)[۲]، ترجمه: «تعریف و ستایش مخصوص ذاتی می باشند، که شنوایي او گنجایش تمام صداها را دارد، زن مجادله (خوله ﵂) نزد پیامبر آمد و با او صحبت می نمود، من در گوشه خانه بودم سخنان وی را نمی شنیدم که چه می گوید، پس الله ﷻ نازل نمود: «به راستی الله سخن زنی را که درباره ی شوهرش با تو مجادله می‌کرد و به الله شکایت می‌برد شنید و الله گفتگوی شما را می‌شنید، قطعا الله شنوا و بیناست».

کردار بندگانش در شب خیلی تاریک از او ناپدید نیستند، الله ﷻ میفرماید: ﴿ٱلَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ * وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ﴾[۳]، ترجمه: «ذاتی که تو را هنگامی که بر می‌خیزی می‌بیند و نیز حرکت و نشست و بر خاست تو را میان سجده کنندگان می‌بیند».

از بالای هفت آسمان حرکت مورچه سیاه را بر صخره سیاه در شب تاریک می بیند.

خزائن و گنجینه هایش در آسمانها و زمین پر می باشند، و دو دستش برای انفاق و خرج نمودن پهن می باشند، «**سَحَّاءُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ**»، «شب و روز خرج می کند و می بخشد»، هر طور بخواهد انفاق می کند، خیلی بذل و بخشش

---

(۱) سوره المجادلة، آیه:۱.

(۲) مسند احمد (۵۸٤۸/۱۱) رقم حدیث: (۲٤۸۳۲).

(۳) سوره الشعراء:۲۱۸-۲۱۹.

میکند، سخاوتش بسیار زیاد است، قبل از خواستن و بعد از آن می بخشد، در یک سوم آخر هر شب به آسمان دنیا فرود می آید: «**كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الآخِرُ، فَيَقُولُ: مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ؟ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ؟**» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «الله متعال هر شب بعد از گذشت دو سوم شب به آسمان دنیا فرود می آید و می فرماید: چه کسی مرا می خواند تا وی را اجابت کنم؟ و چه کسی از من طلب می کند تا به او ارزانی کنم؟».

و هر کس از او طلب نکند از او خشمگین می شود.

دروازه های بذل و بخشش او برای بندگانش باز هستند؛ پس دریاهایی مسخر نموده، و جویبارهایی جاری نموده، و رزقهایی مسخر نموده، به مخلوقات رزق و روزی شان را سوق داده؛ پس به مورچه در درون زمین، و به پرنده ها در هوا و به ماهی ها در دریا رزق و روزی داده است، ﴿وَمَا مِن دَآبَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزۡقُهَا﴾[۲]، ترجمه: «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست؛ مگر اینکه روزیش بر (عهده ی) الله است».

رزق و روزیش همه را فرا گرفته؛ پس روزی جنین را در رحم مادرش و روزی قویِ تنومند را در سلطنتش سوق داده است، کریم و سخاوتمند است، بذل و بخشش را دوست می دارد و اگر طلب شود می بخشد و اگر نیاز و حاجتی از

---

(۱) صحیح بخاری (۲/۵۲) رقم حدیث: (۱۱٤٥)، صحیح مسلم (۲/۱۷٥) رقم حدیث: (۷٥۸).

(۲) سوره هود:٦.

غیر او طلب شود؛ خشنود نمی شود و هر خیر و خوبی از آن اوست، ﴿وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ﴾[۱] ، ترجمه: «هر نعمتی که دارید، همه از جانب الله می باشند».

رزق و روزیش کم نمی شوند، پیامبر ﷺ می فرماید: «**أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ مُنْذُ خَلَقَ السَّمَاءَ وَالأَرْضَ؟ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَدِهِ**» (متفق علیه)[۲]، ترجمه: «آیا میدانید از بدو آفرینش آسمانها و زمین چقدر انفاق نموده، ولی چیزی از آنچه در دست راستش دارد، کم نشده است».

و اگر همه ی بندگان از او طلب کنند و به همگی آنچه خواستن بدهد؛ هیچ چیزی از ملک او کم نمی شود، پیامبر ﷺ از رب خویش روایت می کند، که فرموده: «**يَا عِبَادِي! لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ قَامُوا فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَسَأَلُونِي؛ فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَسْأَلَتَهُ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ المِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ البَحْرَ**» (روایت مسلم)[۳]، ترجمه: «ای بندگان من! اگر اول و آخر شما از انس و جن در سرزمین پهناوری بایستید و همگی از من بخواهید و به همه آنچه که بخواهد بدهم، از آنچه که در خزانه ی من موجود است چیزی کم نمی شود؛ مانند آن است که سر سوزنی را در دریایی فرو کنید».

ثواب اعمال نیک را الله سبحانه چندین برابر می کند، پس یک نیکی نزد او به ده برابر تا هفتصد برابر تا چندین برابر دیگر اضافه می گردد، اجر طاعاتی را که در مدت زمان خیلی کم انجام می گیرند؛ خیلی زیاد می کند، پس شب قدر

---

(۱) سوره النحل:۵۳.

(۲) صحیح بخاری (۶/۷۳) رقم حدیث: (۴۶۸۴)، صحیح مسلم (۳/۷۷) رقم حدیث: (۹۹۳).

(۳) صحیح مسلم (۸/۱۶) رقم حدیث: (۲۵۷۷).

از هزار ماه بهتر است و روزه سه روز در هر ماه برابر با روزه کل سال می باشد و اگر بنده خالصانه برای رضای او مالی انفاق نمود؛ آن را چندین برابر به او بر می گرداند، در بذل و بخشش بالاتر از آرزو اضافه می دهد، پس به بهشتیان چیزی عطا می کند، که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه در قلب انسانی خطور کرده و اگر بنده چیزی را فقط به خاطر او رها کند، الله متعال او را به بهترین وجه عوض می دهد.

از همه ی مخلوقات بی نیاز است و همه محتاج او هستند، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِۖ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ﴾(۱)، ترجمه: «ای مردم! شما به الله نیازمندید و تنها الله است که بی‌نیاز، ستوده است».

بندگان توان نفع و ضرر رساندن به او را ندارند.

بلند مرتبه و بزرگ است، کرسی جای دو قدم الله سبحانه می باشد، کرسی او آسمان و زمین را فراگرفته اند، آسمانهای هفتگانه در مقابل کرسی مانند حلقه ای از آهن که در یک زمین پهنای بی آب و علف انداخته شده است، و عرش الله متعال بزرگترین مخلوقات است، و پایین عرش دریاست، عرش را ملائکه ایی حمل می کنند که بین نرمه گوش یکی از آنها تا گردنش مسافت هفتصد سال است، رب ما بالای عرش خویش آنگونه که شایسته جلال و عظمت اوست میباشد و او از عرش و غیره بی نیاز است.

همه را احاطه نموده و هیچ چیزی او را احاطه نکرده، چشمها را درک میکند و می بیند و هیچ چیزی او را درک نمی کند، قدرتش همه ی مخلوقات را فرا گرفته،

---

(۱) سوره فاطر: ۱۵.

عرش و کرسی نزد او ضعیف می باشند، گر چه در چشم مخلوقات بزرگ میباشند، پس آسمانهای هفتگانه را الله سبحانه روز قیامت می پیچاند، سپس آنها را با دست راست خود گرفته، سپس می گوید: «**أَنَا الـمَلِكُ، أَيْنَ الجَبَّارُونَ؟ أَيْنَ الـمُتَكَبِّرُونَ؟ ثُمَّ يَطْوِي الأَرَضِينَ بِشِمَالِهِ، ثُمَّ يَقُولُ: أَيْنَ الجَبَّارُونَ؟ أَيْنَ المُتَكَبِّرُونَ؟**» (روایت مسلم)[۱]، ترجمه: «منم پادشاه، کجایند پادشاهان ستمگر؟ کجایند متکبران؟» سپس زمینها را در دست دیگرش میگیرد و میگوید: «کجایند پادشاهان ستمگر؟ کجایند متکبران؟».

و «**يَجْعَلُ السَّمَوَاتِ عَلَى إِصْبَعٍ، وَالأَرَضِينَ عَلَى إِصْبَعٍ، وَالـمَاءَ وَالثَّرَى عَلَى إِصْبَعٍ، وَالخَلَائِقَ عَلَى إِصْبَعٍ، ثُمَّ يَهُزُّهُنَّ، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الـمَلِكُ، أَنَا الـمَلِكُ**» (متفق علیه)[۲]، ترجمه: «الله متعال در روز قیامت، آسمانها را بر یک انگشت و زمین را بر یک انگشت و آب و خاک را بر یک انگشت و سایر مخلوقات را بر یک انگشت، قرار می دهد سپس آنها را به حرکت در می آورد و می گوید: من فرمانروا هستم، من فرمانروا هستم».

و هنگام سخنش به وحی آسمانها به شدت به لرزه در می افتند، و اهل آسمان بیهوش شوند، و اولین کسی به هوش می آید جبرئیل عليه السلام می باشد، آسمانها از وی به هراس درآیند، ﴿تَكَادُ ٱلسَّمَوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِن فَوۡقِهِنَّۚ﴾[۳]، ترجمه:

---

(۱) صحیح مسلم (۱۲۸/۸) رقم حدیث: (۲۷۸۸).

(۲) صحیح بخاری (۱۲۶/۶) رقم حدیث: (۴۸۱۱)، صحیح مسلم (۱۲۵/۸) رقم حدیث: (۲۷۸۶).

(۳) سوره الشوری:۵.

«نزدیک است که آسمان‌ها (بخاطر عظمت الهی) بر فراز یکدیگر شکافته و متلاشی شوند»، ضحاک رحمه الله می گوید: «یعنی: نزدیک است که آسمانها از ترس عظمت الله متعال شکافته شوند»[۱].

پایدار و پابرجا است، «**لَا يَنَامُ وَلَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنَامَ، يَخْفِضُ الْقِسْطَ وَيَرْفَعُهُ، يُرْفَعُ إِلَيْهِ عَمَلُ اللَّيْلِ قَبْلَ عَمَلِ النَّهَارِ، وَعَمَلُ النَّهَارِ قَبْلَ عَمَلِ اللَّيْلِ، حِجَابُهُ النُّورُ، لَوْ كَشَفَهُ لَأَحْرَقَتْ سُبُحَاتُ وَجْهِهِ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ مِنْ خَلْقِهِ**» (روایت مسلم)[۲]، ترجمه: «نمی خوابد و خواب شایسته او نیست، ترازوی اعمال و رزق بندگان را پایین و بالا می نماید، اعمال شب، قبل از روز بعد، و اعمال روز، قبل از شب بعد، به سوی او بالا برده می شود، حجاب و مانع دید الله متعال؛ نور است، اگر آن را بردارد، شکوه و عظمت و انوار جلالش تمام جهان هستی را به منتهای حد نظرش از بین خواهد برد».

همه ی امور را تدبیر نموده، ﴿يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُۥٓ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾[۳]، ترجمه: «الله متعال (تمام عالم هستی را) از آسمان گرفته تا زمین، زیر پوشش تدبیر خود قرار داده است، سپس تدبیر امور در روزی که اندازه ی آن هزار سال از سالهایی است که شما می شمارید، به سوی او باز می گردد»، ﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي ٱلْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَٰمٌ وَٱلْبَحْرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ

---

(۱) تفسیر ابن کثیر (۲۳۵/۵).

(۲) صحیح مسلم (۱۱۱/۱) رقم حدیث: (۱۷۹).

(۳) سوره السجدة:۵.

بَعۡدِهِۦ سَبۡعَةُ أَبۡحُرٖ مَّا نَفِدَتۡ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ﴾[1]، ترجمه: «و اگر همه ی درختان روی زمین قلم شود، و دریا (مرکب گردد) و هفت دریای دیگر به مدد آن بیاید، سخنان الله پایان نمی‌یابد، بی‌تردید الله پیروزمند حکیم است».

قوی است، هیچ چیزی او را عاجز نمی کند و اگر چیزی بخواهد به او میگوید: باش، پس می شود، دستورش مانند یک چشم به هم زدن بلکه کمتر از آن است، لشکریانی دارد، که هیچ کس از آنها غیر از او اطلاع ندارد، شهر قوم لوط عَلَيْهِ السَّلَامُ را واژگون نمود و آن را زیرو رو نمود، هنگامی که بنی اسرائیل از پذیرفتن احکام تورات امتناع ورزیدند، بالای سرشان کوهی مانند چتر و سایه قرار داد، آنها یقین نمودند که بر آنها می افتد، الله سبحانه خویش را به کوه تجلی نمود؛ پس کوه تکه تکه گشت، هنگامی که موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ این صحنه را مشاهده نمود، بیهوش افتاد.

زمین را – در آخر زمان – به شدت می لرزاند و سخت درهم کوبیده میشود و هموار میگردد و کوهها را از جا کنده و پراکنده می کند و با دمیدن صور اولی – که اسرافیل عَلَيْهِ السَّلَامُ آن را می دمد – همه مخلوقات نگران و مضطرب شوند و با صور دومی همه بیهوش می شوند و میمیرند، و با سومی به سوی میدان محشر برانگیخته می شوند و هنگامی که الله متعال برای فیصله و قضا فرود می آید آسمانها برای تعظیم و از ترس او شکاف می گیرند.

---

(۱) سوره لقمان:۲۷.

الله متعال بالاتر از وصف، توصیف کنندگان و مدح، ستایش کنندگان میباشد، هیچ شریک و مانند و شبیه و مثالی ندارد، پیامبران رب خویش را شناختند، پس برای او بسیار فروتن و عابد و خاشع شدند، داود ﷺ روزی را روزه و روزی افطار می نمود، و پیامبرمان ﷺ شب را به عبادت بر می خواست، تا جایی که قدمهای مبارکش ورم نمود، و ابراهیم ﷺ آه کشنده و خشوع کننده و توبه کننده بسوی الله بود و هر کس روش و منهج پیامبران را طی کند، راه سعادت و آرامش را حاصل نموده است.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦ وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ﴾[1]، ترجمه: «و آن‌ها الله را چنانکه سزاوار بزرگی اوست نشناختند، در حالی‌که روز قیامت تمام زمین در مشت اوست و آسمان‌ها درهم پیچیده در دست راست اوست، او منزه و برتر است از آنچه شریک او می‌پندارند».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

(۱) سوره الزمر:٦٧.

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیتش و یارانش باد.

ای مسلمانان:

هیچ احدی به اندازه الله مدح و تعریف را دوست ندارد، بهمین خاطر نفس خویش را تعریف نموده است و اصل برتری انسانها به شناخت الله و محبت و ثنا و تعریف او می باشد و هر کس الله متعال را شناخت و قلبش سالم بود، او را دوست می دارد و تعظیم و تقدیرش کند، هر اندازه شناختش به الله بیشتر شود طاعات و عباداتش اضافه می شوند.

گناهان تعظیم الله را کم می کنند و اگر بزرگداشت و عظمت الله در قلب بنده متمکن شد؛ هرگز به گناه جرأت نمی کند، سبب هر گناه، جهل به الله میباشد.

بزرگداشت الله متعال طاعات را بزرگ می دارد و بزرگترین عبادتی که بنده با آن به پروردگارش نزدیک می شود؛ یگانه دانستن او در عبادت می باشد، پس از هیچ کس غیر از الله طلب نکرده و از هیچ کس غیر از او کمک نخواسته و هیچ عبادتی را جز برای او انجام نمی دهد.

و هر کس با الله شریک قرار دهد چنین شخصی قدر و عظمت الله را ندانسته است و به خویشتن به خاطر شرکش ظلم نموده است و هر کس الله متعال

او را به تعظیم خویش و یگانه دانستنش در عبادات هدایت نموده، بر او لازم است که دیگران را نیز به توحید دعوت دهد.

سپس بدانید که الله متعال شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده...

تعظیم الله متعال[1]

قطعا تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که الله متعال او را هدایت کند، هیچ کس نمیتواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید.

ای مسلمانان:

ارزش هر علمی بستگی به معلومات آن دارد، و با ارزش ترین علوم و برترین آنها شناخت الله متعال می باشد و شناخت الله سبحانه و بزرگداشتش بالاتر از هر نیاز می باشد، بلکه از مهمترین ضروریات می باشد.

و الله بندگانش را بر فطرت محبت و شناختش آفریده است، و قلب نیز به همین منظور آفریده شده، ﴿فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ

---

(۱) این خطبه در روز جمعه، ۲٤ جمادی الاول، سال ۱٤۳۷ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

ٱللَّهِۚ﴾[1]، ترجمه: «فطرت الهی است، که مردم را بر آن آفریده است، دگرگونی در آفرینش الله نیست».

و همین یکتاپرستی است که هر کودکی بر آن متولد می شود و شیاطین جن و انس برای منحرف نمودن فطرت مخلوقات تلاش می کنند، الله ﷻ در حدیث قدسی می‌فرماید: «**خَلَقْتُ عِبَادِي حُنَفَاءَ كُلَّهُمْ، وَإِنَّهُمْ أَتَتْهُمُ الشَّيَاطِينُ؛ فَاجْتَالَتْهُمْ عَنْ دِينِهِمْ**» (روایت مسلم)[2]، ترجمه: «همه‌ی بندگانم را یکتاپرست آفریدم و شیاطین به نزد آنها آمده و آنها را از دین‌شان دور ساختند».

و هر مسلمانی به ملازمت فطرتش دستور داده شده تا انحرافی که در آن صورت گرفته به اصلش برگردد و تا ایمان مومنان اضافه شود.

و الله متعال آیاتش را دلیل بر ربوبیت و الوهیت خویش قرار داده است و اگر دریا جوهر بوده و دریاهای دیگر نیز برای کمکش گسترش یابند، هرگز کلمات الله و آیاتی که نشانگر او هستند به پایان نمی رسند.

و پیامبران برای بیان و تکمیل این توحید فطری مبعوث شده اند و توحید ربوبیت - یگانه دانستن الله در افعالش - از بزرگترین چیزهای است که آوردند، چرا که او اصلی از اصول ایمان است و یکی از انواع توحید سه گانه ای است که الله متعال به خاطر آن بندگانش را آفریده است، بلکه دلیلی بر توحید الوهیت و عبادت است و با آن الله متعال بر توحید عبادت (مستحق عبادت بودنش)

---

(۱) سوره الروم: ۳۰.

(۲) صحیح مسلم (۸/۱۵۸) رقم حدیث: (۲۸٦٥).

حجت گرفته و شرک در آن بزرگترین و زشت ترین نوع شرک می باشد و هیچ کس در الوهیت اشتباه نمی کند مگر کسی که حقش را بجا نیاورده باشد.

الله متعال در ذات و صفات و افعالش کامل است و از جمله صفات الله ﷻ ربوبیت است که هیچ شریکی در آن با او نیست، همانطور که هیچ شریکی در الوهیتش نیست، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِي رَبّٗا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيۡءٖ﴾[1]، ترجمه: «بگو: آیا غیر الله، پروردگاری را بجویم در حالی که او پروردگار همه چیز است؟!».

و او سبحانه در آفرینش و فرمانروایی و رزق و تدبیر امور یگانه و تنهاست، آفریننده ای است که هیچ خالقی با او نیست، پدید آورنده آسمانها و زمین است، آفریده و برابر نموده و هر چیز را به نیکوترین وجه آفرید و او آفریننده داناست، همانگونه که ابتدا آفرید، دوباره آنها را در روز قیامت بر می انگیزد و برانگیختن شان برای او آسانتر می باشد، هیچ کس غیر از الله مستحق عبادت نیست، فقط الله متعال مستحق عبادت است، زیرا او آفریدگار و خالق است، ﴿أَفَمَن يَخۡلُقُ كَمَن لَّا يَخۡلُقُۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾[2]، ترجمه: «یا کسی که می‌آفریند، مانند کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا پند نمی گیرید؟!».

و او سبحانه فرمانرواست و فرمانروای از آن اوست، ﴿ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ ٱلۡمُلۡكُۚ وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمۡلِكُونَ مِن قِطۡمِيرٍ﴾[3]، ترجمه:

---

(۱) سوره الأنعام:۱٦٤.

(۲) سوره النحل:۱۷.

(۳) سوره فاطر:۱۳.

«این است الله پروردگار شما پادشاهی از آن اوست و کسانی را که به جای او می‌خوانید پوست نازک هسته ی خرما را مالک نیستند».

و او مالک مخلوقاتش است، هر آنچه در آسمانها و زمین هست از آن اوست و همه مخلوقات فرمانبردار و تسبیح‌گویان او هستند و همگان او را سجده می کنند.

و او سید است، سروری از آن اوست که هیچ شریکی ندارد و همه بندگان او هستند، ﴿إِن كُلُّ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ إِلَّآ ءَاتِي ٱلرَّحۡمَٰنِ عَبۡدٗا﴾[1]، ترجمه: «هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین نیست؛ مگر این‌که به بندگی سوی (الله) رحمان می آیند».

فرمانروایی مطلق و کامل و همیشگی از آن اوست، فرمانروای دنیا و روز جزاست و در روز قیامت تجلی و ظاهر می شود و می فرماید: ﴿لِّمَنِ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَۖ﴾[2]، ترجمه: «امروز فرمانروایی از آنِ کیست؟».

پس خودش با این فرموده اش جواب می دهد: ﴿لِلَّهِ ٱلۡوَٰحِدِ ٱلۡقَهَّارِ﴾[3]، ترجمه: «فرمانروایی از آن الله یگانه و قهار می باشد».

---

(۱) سوره مریم:۹۳.

(۲) سوره غافر:۱۶.

(۳) سوره غافر:۱۶.

الله متعال به تنهایی امور مخلوقات و ملکش را اداره می کند، بنابراین فرمانروایی همگان فقط به دست او می باشد، ﴿أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ﴾[1]، ترجمه: «آگاه باشید که آفرینش و فرمانروایی از آنِ او است».

امر و نهی می کند و می آفریند و روزی می دهد و می بخشد و منع میکند و منزلت و جایگاه بعضی را فرو می آورد و بعضی را برتری می دهد و عزت میدهد و ذلت می دهد و زنده می کند و می میراند، ﴿يُكَوِّرُ ٱلَّيۡلَ عَلَى ٱلنَّهَارِ وَيُكَوِّرُ ٱلنَّهَارَ عَلَى ٱلَّيۡلِۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ﴾[2]، ترجمه: «شب را بر روز می‌پیچد، و روز را بر شب می‌پیچد و خورشید و ماه را مسخر گردانید».

﴿يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَيُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ﴾[3]، ترجمه: «زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را پس از مردنش زنده می‌سازد».

همه ی مخلوقات تحت اراده و خواست او هستند، قلب و چهره و پیشانی انسانها به دست او می باشند، امور بحرانی و پیچیده با قضا و قدر او می باشند، بر هر آنچه که شخص انجام می دهد مراقب است، آسمان و زمین به فرمان او پا برجا هستند، ﴿وَيُمۡسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦٓۚ﴾[4]، ترجمه: «و آسمان را از آن که بر زمین افتد؛ نگه می‌دارد»، و﴿يُمۡسِكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ أَن

---

(۱) سوره الأعراف:٥٤.

(۲) سوره الزمر:٥.

(۳) سوره الروم:۱۹.

(٤) سوره الحج:٦٥.

تَزُولَاۚ﴾[1]، ترجمه: «آسمان‌ها و زمین را نگه می‌دارد از آن‌که (از نظام خود) منحرف شوند».

و همه ی آنهایی که در آسمانها و زمین هستند از او طلب می کنند، ﴿كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ﴾[2]، ترجمه: «و او هر روز در کاری است».

و از جمله امور او: گناهی را می آمرزد، و گمراهی را هدایت می دهد، و نگرانی را بر طرف می کند و شکسته ای را عوض می دهد و فقیری را بی نیاز می سازد و دعایی را اجابت می کند، الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا كُنَّا عَنِ ٱلۡخَلۡقِ غَٰفِلِينَ﴾[3]، ترجمه: «و (ما هرگز) از آفرینش (خود) غافل نبوده‌ایم».

دستوراتش پی در پی هستند، و فرمانش نافذ است، هیچ ذره ای در این هستی جز با اجازه او حرکت نمی کند، هر چه بخواهد انجام می گیرد و هر چه نخواهد صورت نمی گیرد، هر چه بخواهد می آفریند و هر آنچه بخواهد انجام میدهد، فرمانش حساب شده و دقیق است، هیچ کس مانع بخشش او نمی شود و هیچ کس نمی تواند به کسی که او را محروم ساخته چیزی عطا کند و هیچ کسی نمیتواند حکم او را رد کند، هیچ رد کننده ای برای قضاء و قدر او نیست و هیچ کس مانع مراد او نمی شود و نمی تواند کلام او را تغییر دهد و مقادیر مخلوقات را پنجاه هزار سال قبل از اینکه آسمانها و زمین را بیافریند؛ مقدر نمود و اگر همه ی مخلوقات جمع شوند چیزی را که الله متعال مقدر ننموده را بوجود بیاورند؛ هرگز نمی توانند

---

(۱) سوره فاطر: ۴۱.

(۲) سوره الرحمن: ۲۹.

(۳) سوره المؤمنون: ۱۷.

و اگر بخواهند مانع چیزی باشند که الله متعال مقدر نموده؛ هرگز نمی توانند و اگر امتی برای زیان رساندن شخصی جمع شوند، که الله متعال ضررش را نمی خواهد؛ هرگز نمی توانند به او ضرری برسانند و اگر جمع شوند تا به شخصی نفع برسانند که الله متعال اجازه نفعش را نداده؛ هرگز نمی توانند به او سودی برسانند، هر کس را بخواهد به فضل خویش هدایت دهد و هر کس را بخواهد به عدل خویش گمراه سازد و اگر اراده چیزی کند فقط می فرماید: باش، پس می شود، ﴿لَا يُسۡـَٔلُ عَمَّا يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡـَٔلُونَ﴾[1]، ترجمه: «(او) از آنچه می‌کند، باز خواست نمی‌شود، و آنان باز خواست می‌شوند».

سخنش بهترین کلام است، کلامش ابتدا و انتها ندارد، ﴿وَلَوۡ أَنَّمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن شَجَرَةٍ أَقۡلَٰمٞ وَٱلۡبَحۡرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦ سَبۡعَةُ أَبۡحُرٖ مَّا نَفِدَتۡ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِۚ﴾[2]، ترجمه: «و اگر همه ی درختان روی زمین قلم شود، و دریا (جوهر گردد) و هفت دریای دیگر به مدد آن بیاید، سخنان الله پایان نمی‌یابد».

علمش همه ی اشیاء را فرا گرفته، از آنچه صورت گرفته و می گیرد و نگرفته و نمی گیرد؛ آگاهی دارد و آنچه مخلوقات انجام داده و می دهند؛ اطلاع دارد و از آنچه در خشکی و دریا است؛ آگاهی دارد و هیچ برگی نمی ریزد مگر اینکه آن را می داند، ﴿لَا يَعۡزُبُ عَنۡهُ مِثۡقَالُ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾[3]، ترجمه: «به اندازه ی ذره‌ای در آسمان‌ها و در زمین از او پنهان نیست».

---

(۱) سوره الأنبياء:۲۳.

(۲) سوره لقمان:۲۷.

(۳) سوره سبأ:۳.

و از آنچه از ما پنهان یا آشکارا است و از وسوسه سینه ها و اسرار آنها و آنچه ماده ها بدان باردار هستند؛ اطلاع دارد و کلید غیب را جز او کسی نمیداند و دانش همه ی مخلوقات در مقابل علم او مانند قطره ای از دریا می باشد و علم همه به اراده اوست، گنجشکی به دریا نوک زد پس خضر خطاب به موسی علیهما السلام گفت: «**مَا نَقَصَ عِلْمِي وَعِلْمُكَ مِنْ عِلْمِ اللهِ إِلَّا مِثْلَ مَا نَقَصَ هَذَا العُصْفُورُ مِنَ البَحْرِ**» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «علم من و تو در برابر علم الله، کمتر از مقدار آبی است که این گنجشک از دریا برداشت».

و شنوایی او همه ی صداها را فراگرفته، صدای آنها بر او مختلط و متشابه نمیشود، زنی شکایت همسرش را نزد پیامبر ﷺ نمود، عایشه رضي الله عنها که در گوشه ای از منزل بود، قسمتی از سخنان آن زن برایش نامعلوم بود، الله متعال از بالای هفت آسمان گفتارش را شنید و این آیه را نازل نمود: ﴿قَدۡ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوۡلَ ٱلَّتِي تُجَٰدِلُكَ فِي زَوۡجِهَا وَتَشۡتَكِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ يَسۡمَعُ تَحَاوُرَكُمَآۚ﴾[۲]، ترجمه: «به راستی الله سخن زنی را که درباره ی شوهرش با تو مجادله می‌کرد و به الله شکایت می‌برد شنید و الله گفتگوی شما را می‌شنید».

و بیناییش بر همه اشیاء احاطه نموده، پس افعال بندگانش در تاریکی شب بر او پنهان نیستند و همه کردارشان در کمین اوست.

---

(۱) صحیح بخاری (۱۵۴/٤) رقم حدیث: (۳٤۰۱)، صحیح مسلم (۱۰۳/۷) رقم حدیث: (۲۳۸۰).

(۲) سوره المجادلة: ۱.

از آن جایی که مخلوقات آفرینش او هستند پس فرمانروایی فقط از آن اوست، الله سبحانه می فرماید: ﴿إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِۖ﴾[۱]، ترجمه: «فرمانروایی تنها از آنِ الله است».

قوانین و احکام و حدود و شرعش بهترین قوانین می باشند و هیچ فرمانروایی بهتر از او وجود ندارد و او بهترینِ فرمانروایان می باشد، هیچ رد کننده ای بر حکم او وجود ندارد، پروردگارت به کسی ظلم نمی کند، مهربان تر از او کسی نیست، پس او مهربان ترین است، مهربان تر از مادر به فرزندش، رحمتش همه ی اشیاء را فرا گرفته، الله متعال دارای صد رحمت می باشد، یکی را نازل نموده، که با آن مخلوقات در میان خویش مهربانند و نود و نه رحمت را در نزد خویش نگه داشته است.

سخاوتمند است کسی مثل او سخی نمی باشد، نیکی و بذل و بخشش به مخلوقاتش را دوست می دارد، از بالا و پایین به آنها رزق می دهد، فضلش بزرگ و گنجینه هایش پایان ناپذیرند، ﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ﴾[۲]، ترجمه: «بگو: چه کسی شما را از آسمان‌ها و زمین روزی می‌دهد؟».

دست هایش برای انفاق پر می باشند و انفاق چیزی از آن کم نمی کند، «**سَحَّاءُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ**»، «شب و روز می بخشد»، پیامبر ﷺ فرمودند: «**أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ مُنْذُ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ؟ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَدِهِ**» (متفق علیه)[۳]،

---

(۱) سوره الأنعام:۵۷.

(۲) سوره سبأ:۲٤.

(۳) صحیح بخاری (٦/۷۳) رقم حدیث: (٤٦٨٤)، صحیح مسلم (۳/۷۷) رقم حدیث: (۹۹۳).

ترجمه: «آیا می دانید از بدو آفرینش آسمانها و زمین چقدر انفاق نموده، ولی چیزی از آنچه در دست دارد، کم نشده است».

دعای بندگانش را می پذیرد، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾[1]، ترجمه: «و چون بندگانم، از تو درباره من بپرسند، بگو: به راستی که من نزدیکم، دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند؛ اجابت می کنم».

برآورده نمودن نیازها بر او سنگینی نمی کند، اگر همه ی بندگان – اولین و آخرین شان، انسانها و جنها – در سرزمین پهناوری بایستند و هر یک از او چیزی بخواهند و به هر یک آنچه که بخواهند بدهد، از آنچه که در خزانه ی او موجود است چیزی نمی کاهد؛ چنان که هرگاه سوزن به دریا فرو برده شود، چیزی از آب آن کم نخواهد شد.

رزق همه ی مخلوقات را به عهده گرفته است – از انسانها گرفته تا جنها، مسلمان و کفار – ﴿وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي ٱلْأَرْضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزْقُهَا﴾[2]، ترجمه: «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست؛ مگر اینکه رزقش بر (عهده ی) الله است».

و بخشش او بدون منت است و او بهترین روزی دهندگان است، دروازه های خیر را برای بندگانش باز نموده است، پس دریاهای مسخر گردانیده و نهر های جاری نموده و روزی های زیادی عطا نموده و به بندگانش نعمت های فراوانی بدون سؤال نمودن آن ها عطا نموده و آنچه سؤال کردند به آن ها عطا کرده، هر

---

(۱) سوره البقرة:۱۸٦.

(۲) سوره هود:٦.

شب حاجات و نیاز بندگانش را به آنها عرض می کند و می فرماید: «**مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ؟**» (متفق علیه)[1]، ترجمه: «چه کسی از من طلب می کند تا به او ارزانی کنم».

هر خیری از جانب اوست، ﴿وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ﴾[2]، ترجمه: «آنچه از نعمت ها دارید، همه از جانب الله می باشند».

به هر مخلوقی رزقش را رسانیده، جنین را در شکم مادرش رزق داده و به مورچه در لانه اش و به پرنده در فراز آسمان و به ماهی ها در اعماق دریا روزیشان را رسانیده، ﴿وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٖ لَّا تَحۡمِلُ رِزۡقَهَا ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡۚ﴾[3]، ترجمه: «و چه بسیار جنبدگانی که روزی خود را بر دوش نمی گیرند، الله به آن‌ها و شما روزی می‌دهد».

نزدیک و اجابت کننده است، دوست ندارد که نیازها از غیر او طلب شوند و هر کس از او طلب نکند از او خشم می گیرد و محروم کسی است که، از غیر الله طمع کند، هیچ کس مثل او به شنیدن شنیدن گفتارهای زشت و نادرست؛ صبور نیست، به او شرک می ورزند، برای او فرزند می خوانند، سپس آن ها را عافیت می دهد و به آن ها رزق می دهد.

اهل طاعتش را با فضل و کرم خویش موفق نموده و به آنها بعد از توفیق دادن پاداش می دهد، شکور است، کمترین نیکی را پاداش می دهد و چندین

---

(۱) صحیح بخاری (۲/۵۲) رقم حدیث: (۱۱٤٥)، صحیح مسلم (۲/۱۷۵) رقم حدیث: (۷۵۸).

(۲) سوره النحل:۵۳.

(۳) سوره العنکبوت:٦۰.

برابر نیکی می دهد، نیکی در نزد او ده برابر و چندین برابر اضافه می شود و برای بندگانش در بهشت نعمت هایی مهیا نموده که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه در قلب انسانی خطور نموده و همیشه آنها را راضی می کند و میگوید: «هَلْ رَضِيتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: وَمَا لَنَا لَا نَرْضَى وَقَدْ أَعْطَيْتَنَا مَا لَمْ تُعْطِ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ، فَيَقُولُ: أَنَا أُعْطِيكُمْ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ، قَالُوا: يَا رَبِّ! وَأَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ؟ فَيَقُولُ: أُحِلُّ عَلَيْكُمْ رِضْوَانِي، فَلَا أَسْخَطُ عَلَيْكُمْ بَعْدَهُ أَبَداً» (متفق عليه)[۱]، ترجمه: «آیا راضی و خشنود هستید؟ می گویند: چرا راضی نباشیم؟ در حالی که به ما نعمتهایی ارزانی داشته ای که به هیچ یک از مخلوقاتت عنایت نکرده ای، می فرماید: بهتر از این، به شما عنایت می کنم، آنان می گویند: پروردگارا! چه چیزی بهتر از این است؟ می فرماید: رضایت و خشنودی ام را شامل حال شما می گردانم و بعد از آن، هرگز از شما ناخشنود نمی شوم».

ذاتش بی نیاز است، همه نیازمند او هستند و همه مخلوقات حاجات خود را از او طلب میکنند، سید کامل است، نیاز به خوراک و نوشیدنی ندارد، ﴿لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ۞ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ﴾[۲]، ترجمه: «نه زاده و نه زاده شده است و هیچ کس همانند و همتای او نبوده و نیست».

---

(۱) صحیح بخاری (۸/۱۱٤) رقم حدیث: (٦٥٤٩)، صحیح مسلم (۸/۱٤٤) رقم حدیث: (۲۸۲۹).

(۲) سوره الإخلاص:۳-٤.

﴿مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةً وَلَا وَلَدًا﴾[1]، ترجمه: «هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده».

و ﴿وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٌ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ وَلِيٌّ مِّنَ ٱلذُّلِّۖ﴾[2]، ترجمه: «در پادشاهیش هیچ شریکی ندارد و فرمانرواییش بخاطر عاجزی نیست»، ﴿وَمَا كَانَ مَعَهُۥ مِنۡ إِلَٰهٍۚ﴾[3]، ترجمه: «هیچ معبود دیگری با او نیست».

از او اطاعت نمی شود مگر با لطفش و از او سرپیچی نمی شود مگر با علمش، قائم به ذات خویش است و همه وابسته و نیازمند او هستند، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِۖ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ﴾[4]، ترجمه: «ای مردم! شما به الله نیازمندید و تنها الله است که بی‌نیاز، ستوده است».

اطاعت فرمانبران هیچ سودی به او نمی رساند و گناه مجرمان هیچ ضرری به او نمی رساند و اگر همه انسان ها و جن ها بر پرهیزکارترین قلب باشند، این تقوا و پرهیزکاری، بر فرمانروایی او نمی افزاید و اگر بر بدترین و ناپاک ترین قلب باشند، این بدی از فرمانروایی او چیزی کم نخواهد کرد، بندگان هرگز نمی توانید به او فایده و سودی برسانند و هرگز نمی توانند به او زیان برسانند.

زنده و جهان هستی را نگه دار و مدبر است، نه چرت او را فرا می گیرد و نه خواب، ترازوی اعمال و رزق بندگان را پایین و بالا می نماید، «يُرْفَعُ إِلَيْهِ

---

(۱) سوره الجن:۳.

(۲) سوره الإسراء:۱۱۱.

(۳) سوره المؤمنون:۹۱.

(٤) سوره فاطر:۱۵.

عَمَلُ اللَّيْلِ قَبْلَ عَمَلِ النَّهَارِ، وَعَمَلُ النَّهَارِ قَبْلَ عَمَلِ اللَّيْلِ، حِجَابُهُ النُّورُ، لَوْ كَشَفَهُ لَأَحْرَقَتْ سُبُحَاتُ وَجْهِهِ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ» (روایت مسلم)[1]، ترجمه: «اعمال شب، قبل از روز بعد، و اعمال روز، قبل از شب بعد، به سوی او بالا برده می شود، حجاب و مانع دید الله متعال؛ نور است، اگر آن را بردارد، شکوه و عظمت و انوار جلالش تمام جهان هستی را به منتها نظرش از بین خواهد برد».

بزرگ و عظیم است، جبار و در قدرت خویش استوار است، عزت از آن اوست و کبریاء و عظمت ردای اوست، قوی است به هیچ معاون و پشتیبانی نیاز ندارد، بلند مرتبه است هیچ مانندی ندارد، همه جز او نابود می شوند.

علمش همه اشیاء را احاطه کرده و هیچ چیزی به وی احاطه نمی کند، ﴿لَّا تُدۡرِكُهُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَهُوَ يُدۡرِكُ ٱلۡأَبۡصَٰرَۖ﴾[2]، ترجمه: «چشم‌ها او را در نمی‌یابند و او چشم‌ها را در می‌یابد».

﴿وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ﴾[3]، ترجمه: «در حالی‌که روز قیامت تمام زمین در مشت اوست و آسمان‌ها درهم پیچیده در دست راست اوست».

به واسطه او طلب شفاعت جهت رضایت مخلوقات نمی شود و هیچ احدی پیش او شفاعت نمی کند مگر به اجازه وی، کرسی وی - جای دو قدم شان - آسمانها و زمین را فراگرفته، و «مَا الكُرْسِيُّ فِي العَرْشِ، إِلَّا كَحَلَقَةٍ مِنْ حَدِيدٍ القِيَتْ

(١) صحيح مسلم (١١١/١) رقم حديث: (١٧٩).

(٢) سوره الأنعام:١٠٣.

(٣) سوره الزمر:٦٧.

فِي فَلَاةٍ»[1]، ترجمه: «کرسی در مقابل عرش مانند حلقة آهنینی است، که در میان دشت بزرگی افتاده باشد».

و عرش بزرگترین مخلوقات است، ملائکه ای او را حمل می کنند که بین نرمه گوش یکی از آنها تا گردنش مسافت هفتصد سال است.

الله متعال بالای عرش است همانطور که شایسته و مناسب ذات و عظمت اوست و الله بی نیاز از عرش و غیر او می باشد، ﴿تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوۡقِهِنَّۚ﴾[2]، ترجمه: «نزدیک است که آسمان‌ها (بخاطر عظمت الهی) بر فراز یکدیگر شکافته و متلاشی شوند». یعنی: از ترسِ عظمت و بزرگی الله متلاشی شوند، و هنگامی که وحی بکند آسمانها به شدت به لرزه در افتند، و اهل آسمان بی هوش شوند، و به سجده افتند.

الله متعال اول[3] است، قبل از او چیزی وجود ندارد و آخر[4] است بعد از او چیزی نیست و او ظاهر[5] است و هیچ چیزی بالاتر از او نیست و او باطن[6] است و غیر از چیزی نیست، بر همه چیز توانایی، قدرت ها از آن او میباشند، هیچ چیزی در دنیا و آسمان او را عاجز نمی کند، دستورش مانند یک

(۱) نگا: المحرر الوجيز (۳٤۲/۱)، تفسير قرطبی (۲۰٤/٤).

(۲) سوره الشوری:٥.

(۳) الأول: یکی از نامهای الله متعال می باشد. مترجم.

(٤) الآخر: یکی از نامهای الله متعال می باشد، زیرا همه ی مخلوقات از بین می روند، تنها او فنا ناپذیر است. مترجم.

(٥) الظاهر: یکی از نامهای الله متعال می باشد، و معنای بالا می باشد. مترجم.

(٦) الباطن: یکی از نامهای الله متعال می باشد. مترجم.

چشم به هم زدن بلکه کمتر از آن می باشد، جندی و لشکرهای دارد که جز او کسی از آن اطلاع ندارد، وقتی دنیا به پایان می رسد، زمین به شدت لرزانده میشود و سخت درهم کوبیده و هموار می شود و کوهها از جا کنده به تندی روان وسخت متلاشی و پراکنده می شوند و با نفخ صور اولی همه ی مخلوقات مضطرب و نگران می شوند و با دومی همه بیهوش شده و میمیرند و با سومی همه به سوی محشر برانگیخته می شوند.

پاک، مقدس و منزه از هر عیب و نقص است، کمال و جمال مطلق برای اوست، هیچ شریک و مثالی ندارد و هیچ همتا و مانندی ندارد، ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾[1]، ترجمه: «هیچ چیز همانند او نیست و او شنوای بیناست».

سپس ای مسلمانان:

آیا لازم نیست پروردگاری را که این ها صفات و افعال او هستند را دوست بداریم، و او را ستایش و تعریف نماییم و عبادات خویش را خالصانه برای او بجای بیاوریم.

هر کس الله متعال را به درستی بشناسد، به او نزدیک می شود و خود را برای او فروتن و خار و ذلیل می نماید و با او اُنس و آرامش حاصل می کند و امیدوار پاداش او شده و از عذابش در هراس می شود و حاجاتش را فقط از او طلب نموده و به او توکل می کند.

---

(۱) سوره الشوری: ۱۱.

هر کس الله را ستایش کند و او را بسیار تعریف و ثنا کند؛ مقامش بالا میرود و هیچ کس مثل الله متعال مدح و تعریف را برای خود دوست ندارد، به همین خاطر خود را تعریف نموده است، هر کس الله را دوست بدارد و او را فقط عبادت کند، الله متعال او را دوست می دارد و از او خشنود می شود و او را وارد بهشت کند.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ﴾[۱]، ترجمه: «به راستی که الله، پروردگار من و پروردگار شماست، اینست راه راست».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

(۱) سوره آل عمران: ۵۱.

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیتش و یارانش باد.

ای مسلمانان:

هر کس با الله مخلوقاتش را شریک قرار بدهد، از توحید پروردگار جهانیان کاهیده و به او بد گمان شده و غیر الله را با او مساوی دانسته است.

شرک همه ی اعمال نیک را از بین می برد و الله متعال مشرک را نمی بخشد و او را وارد بهشت نمی کند و برای همیشه در جهنم ماندگار می شود، شرک بدترین تغییری است که بر فطرت ایجاد می شود، و بزرگترین فساد روی زمین و اصل و اساس هر بلا و مصیبت و مرکز همه ی آفات و بیماریها می باشد، ضررش بسیار بزرگ و خطرناک می باشد.

نحسی گناهان چنان بزرگ است؛ که بر بنده جمع شوند، سپس او را به هلاکت میرسانند، و بین شخص و قلبش فاصله ایجاد می کند، گناه هر اندازه در دید شخص کوچک باشد نزد الله متعال همان اندازه بزرگ می باشد، به کوچکی گناه ننگر، بلکه به عظمت ذاتی بنگر که او را نافرمانی می کنی.

سپس بدانید که الله متعال شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده...

شناخت رب خویش[1]

همانا تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که الله متعال او را هدایت کند، هیچ کس نمیتواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید؛ خوشبختی در پیروی هدایت است و بدبختی در پیروی خواهشات نفسانی است.

ای مسلمانان:

الله متعال مخلوقات را آفرید تا فرمانبردار و متواضع او باشند و کمال سعادت در شناخت الله و ایمان به او می باشد و اولین اصلی که بر بنده لازم است شناخت پروردگارش است و اولین چیزی است که بنده در قبرش از آن پرسیده می شود.

---

(۱) این خطبه در روز جمعه، ۱۵ صفر، سال ١٤٢٦ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

الله متعال مخلوقات را از عدم آفرید و به آنها نعمتهای بی شماری عطا نمود و رزق شان را بعهده گرفت، ﴿وَمَا مِن دَآبَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزۡقُهَا﴾[۱]، ترجمه: «و هیچ جنبده ای در زمین نیست؛ مگر اینکه روزی آن بر عهده الله است».

جهانیان را بعد از اینکه چیزی نبودند بوجود آورد، ﴿هَلۡ أَتَىٰ عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ حِينٞ مِّنَ ٱلدَّهۡرِ لَمۡ يَكُن شَيۡـٔٗا مَّذۡكُورًا﴾[۲]، ترجمه: «هر آینه بر انسان مدتی از زمان گذشت و او چیزی در خور ذکر نبود».

پروردگاری که در آفرینش و رزق و تدبیر یکتاست، ﴿أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾[۳]، ترجمه: «آگاه باشید که آفرینش و فرمانروایی از آن اوست؛ پروردگار جهانیان بی نهایت بزرگ است».

در یگانگی فرد است، به صفت بزرگی و جبار و قهار بودن متصف است، مهار همه امور به دست اوست، قدرتمند و استوار است، بر بندگانش چیره است، از صرف عبادات برای غیرش راضی نمی شود، ﴿إِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمۡۖ وَلَا يَرۡضَىٰ لِعِبَادِهِ ٱلۡكُفۡرَۖ وَإِن تَشۡكُرُواْ يَرۡضَهُ لَكُمۡۗ﴾[۴]، ترجمه: «اگر ناسپاسی کنید، الله از شما بی نیاز است و ناسپاسی را برای بندگانش نمی پسندد، می پسندد که سپاسگزار باشید».

---

(۱) سوره هود:٦.

(۲) سوره الإنسان:۱.

(۳) سوره الأعراف:٥٤.

(٤) سوره الزمر:۷.

در هر مخلوقی نشانه ایی دال بر وحدانیت خویش قرار داده است تا وابستگی قلب به پروردگارش بیشتر شود، دو علامت بزرگ بر وحدانیت خویش قرار داده که پیاپی می آیند و ما را به یگانگی الله یادآوری می کنند؛ شبی که همه چیز را می پوشاند و روزی که همه چیز را واضح می کند، هر یکی دیگری را سریع دنبال می کند، ﴿يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا﴾ [1]، ترجمه: «شب را بر روز میپوشاند و روز شتابان آن را می طلبد».

و خورشید و ماه در یک مسار دقیقی در چرخشند، صاحبان خرد را به حیرت در آورده، این طلوع می کند و آن دیگری پشت می دهد، چرخشی منظم تقدیم و تأخیر نمی شود، ﴿لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن تُدۡرِكَ ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ﴾ [2]، ترجمه: «آفتاب را نسزد که به ماه رسد و شب را نسزد که بر روز پیشی گیرد و همه در فلکی شناورند».

زمینی که ما را حمل می کند و آسمانی که بر ما سایه می کند، ما از هیچ کدام بی نیاز نیستیم، آفرینشی محکم و تدبیری از آفریدگار می باشند، ﴿هَٰذَا خَلۡقُ ٱللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦۚ﴾ [3]، ترجمه: «این آفرینش الله است، شما به من نشان دهید که غیر او چه چیزی را آفریده اند؟».

---

(۱) سوره الأعراف: ٥٤.

(۲) سوره یس: ٤٠.

(۳) سوره لقمان: ۱۱.

مسلمان از اینکه بنده ی چنین تدبیر کننده ی این هستی است؛ افتخار می کند، ﴿قُلۡ إِنَّنِي هَدَىٰنِي رَبِّيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾[۱]، ترجمه: «بگو: پروردگار من مرا به راه راست هدایت کرده است».

هیچ کس را جز پروردگار این هستی ﷻ پرستش نمی کند، هیچ یک از عبادات را برای غیر از او انجام نمی دهد در سختی ها و گرفتاریها به او پناه میبرد، در ظاهر و باطن فقط از او می ترسد، ﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ﴾[۲]، ترجمه: «اگر الله به توضرر و محنتی برساند، هیچ کس جز او نمی تواند دفعش کند».

پس از اینکه مردگان به او ضرر و مصیبتی برسانند، نمی ترسد و از آنها امید احسان ندارد.

در عقل، تنها پناه بردن به او غالب است و در قلب امانی است و بر روح و روان آرامشی است و هر کس از الله بترسد، هیچ کس او را وحشت زده نمیکند، بلکه قلبش ثابت و اعضا و جوارحش آرام می گردد و خوشا به نفسی که جز با الله انس نمی گیرد، ﴿فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾[۳]، ترجمه: «اگر ایمان آورده اید از آنها نترسید، فقط از من بترسید»، ابو سلیمان دارانی ؒ می گوید: «از هیچ قلبی ترس جدا نمی شود؛ مگر اینکه ویران شود»[٤].

---

(۱) سوره الأنعام: ۱٦۱.

(۲) سوره الأنعام: ۱۷.

(۳) سوره آل عمران: ۱۷٥.

(٤) الرسالة القشیریة (۱/۲٥٤).

و نزدیکترین بندگان به الله کسانی هستند، که از او بیشتر می ترسند، پیامبر ﷺ می فرمایند: «**إِنِّي أَعْلَمُكُمْ بِاللَّهِ، وَأَشَدُّكُمْ لَهُ خَشْيَةً**» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «من الله را از شما بهتر می شناسم و از او بیشتر می ترسم».

و ترس از الله از لوازم و مقتضای ایمان است، هر کس فقط از الله بترسد دروازه های بهشت به رویش باز می شوند، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ﴾[۲]، ترجمه: «هر کس را که از ایستادن به پیشگاه پروردگارش ترسیده باشد، دو باغ دارد».

اهل علم می گویند: الله متعال دو ترس را بر بنده اش جمع نمی کند، هر کس را در دنیا ترساند، در روز قیامت آرامش می دهد و هر کس را در دنیا آرامش دهد - و از رب خویش نترسید - در قیامت او را می ترساند.

پس مراقب پروردگارت باش و از خالق خویش بترس، از خوشبختترین مخلوقات نزد پروردگارت می شوی.

و از غیر الله در بدست آوردن چیز مرغوب یا ایمنی از وحشت - ازبین رفتن بیماری و یا درمان و شفاء آن، یا طلب رزق و روزی، یا کسب سلامتی - امیدوار نباش و فقط به الله امیدوار باش، زیرا همه مخلوقات در طبیعتشان ضعیف و ناتوان هستند، قطعا آنها برجلب نفع برای خویش و دفع ضرر از آن عاجزند و آنها برای دیگران عاجزترند و هیچ احدی به مخلوقی امیدوار نشد!؟ مگر اینکه امیدش به باد رفت، پس آرزو و امید خویش را به غیر از الله وابسته نکن، هیچ چیزی جز

---

(۱) صحیح بخاری (۲٦/۸) رقم حدیث: (٦۱۰۱)، صحیح مسلم (۹۰/۷) رقم حدیث: (۲۳٥٦).

(۲) سوره الرحمن:٤٦.

ذلت در مقابل طلبت عایدت نمی شود و امیدوار کرم و بذل و بخشش بیکران الله متعال باش، پس امیدوار شدن آنچه نزد الله است عبادت است و ذلت قلب در مقابل الله متعال عزت نفس و بالا رفتن درجه و مقام و رسیدن به آرزوها میباشد.

و آرامش نفس در سپردن امور به آفریدگارش می باشد، وابستگی آن به خالق و آفریدگارش زمانی چند برابر می شود، که به یاد آورد و بداند الله از احوال آن آگاه و در امورش مهربان و در برطرف نمودن مشکلاتش توانا می باشد، پس چرا به مخلوقی عاجز در برطرف کردن مشکلات و بخیل در بذل و بخشش وابسته شد؟

و پروردگارت در تمام امور زندگیت برای تو کافی است و متولی امورت است، اگر حاجات و نیازهای خویش را به او سپردی و همه ی امورت را به عهده او واگذار نمودی، ﴿وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓۚ﴾[1]، ترجمه: «و هرکس که بر الله توکل کند، الله او را کافی است».

خوشبخت کسی است که امیدوار رحمت الله و ترس از عذاب او و در عبادات فروتن و مطیع و ذلیل او باشد و پیامبران به این ویژگی های والا متصف بودند، الله متعال در مورد زکریا عَلَيْهِ السَّلَامُ و اهلش می فرماید: ﴿إِنَّهُمۡ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَيَدۡعُونَنَا رَغَبٗا وَرَهَبٗاۖ وَكَانُواْ لَنَا خَٰشِعِينَ﴾[2]، ترجمه: «بی گمان آنان در (انجام) نیکوکاری می شتافتند و با امید و بیم ما را به فریاد میخواندند و برای ما فروتن بودند».

---

(۱) سوره الطلاق:۳.

(۲) سوره الأنبیاء:۹۰.

پیامبران در امیدواری به آنچه نزد الله است جزء سبقت گیرندگانند، الله متعال خطاب به پیامبرش محمد ﷺ فرمود: ﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرۡغَب﴾[1]، ترجمه: «و بسوی پروردگارت بشتاب (برای تذلل و عبادت)».

و امیدواری به الله، از مقدار گناهان بنده کم و به مقدار ایمانش اضافه میشود، ابن قیم رحمه الله می گوید: «اگر الله متعال خیر را برای بنده ایی بخواهد، آن را تا حد توانش و نهایت تلاشش به امیدوار بودن به خویش و ترسیدن از او موفق می گرداند، زیرا اینها لازمه موفقیت هستند پس موفقیت به مقدار راسخ بودن امید و ترس در قلب، حاصل می شود»[2].

و ترس از مخلوقات ذلت و خواری است، هر کس از خالقش ترسید؛ با عزت زندگی کند و در زندگی اش خوشبخت و درک و فهمش زیاد و از پند پذیران شود، الله سبحانه فرمود: ﴿سَيَذَّكَّرُ مَن يَخۡشَىٰ﴾[3]، ترجمه: «آن که می ترسد، پند می پذیرد».

وبا اندرزها و نصیحتها پندبگیر، الله ﷻ می فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةً لِّمَن يَخۡشَىٰٓ﴾[4]، ترجمه: «در این عبرتی است برای کسی که می ترسد».

---

(۱) سوره الشرح:۸.

(۲) شفاء العلیل (ص:۱۰۷).

(۳) سوره الأعلی:۱۰.

(٤) سوره النازعات:۲٦.

و قرآن برایش سعادت و پند و درس باشد، ﴿مَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لِتَشۡقَىٰٓ ۞ إِلَّا تَذۡكِرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰ﴾[1]، ترجمه: «ما قرآن را بر تو نازل نکرده ایم که به رنج افتی، جز برای یادآوری کسانی که از الله می ترسند».

و او سبب بخشش و آمرزش و پاداش بیشمار می شود، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُم بِٱلۡغَيۡبِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٞ كَبِيرٞ﴾[2]، ترجمه: «برای کسانی که در نهان از پروردگارشان می ترسند، آمرزش و مزد فراوان است».

پس الله متعال را جلوی دیدگان خویش قرار ده و از مکر و مجازاتش در امان نباش و از قطع شدن رزق و روزی، یا تاخیر افتادن شفا، یا بدبختی؛ و غیره را از کسی غیر از الله نترس، الله سبحانه می فرماید: ﴿فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِي وَلِأُتِمَّ نِعۡمَتِي عَلَيۡكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ﴾[3]، ترجمه: «از آنان نترسید و از من بترسید تا نعمتم را بر شما کامل گردانم، و تا هدایت شوید».

بنده به تنهایی ضعیف و ناتوان است و محتاج کمک پروردگار قوی می باشد و با کمک او ﷻ بنده از کمک مخلوقات بی نیاز می شود، هر کس برای رسیدن به هدفش تلاش کند، اما از الله متعال کمک نگیرد و در دریافت هدفش خود را محتاج او نداند؛ همه ی دروازه ها برویش بسته می شوند و جلوی رویش همه ی مکسب و مقصدها سخت می شوند، پیامبر ﷺ به عبدالله بن عباس رضي الله عنهما فرمودند: «يَا غُلَامُ! إِنِّي أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ؛ احْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ، احْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا

---

(۱) سوره طه:۲-۳.

(۲) سوره الملك:۱۲.

(۳) سوره البقرة:۱۵۰.

سَالتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ» (روایت ترمذی)[١]، ترجمه: «ای پسر! به تو چند کلمه می آموزم؛ (احکام) الله را رعایت کن، الله تو را حفظ میکند، الله را یاد کن، او را در برابر خود می یابی، هرگاه چیزی خواستی فقط از الله بخواه و هرگاه طلب یاری و کمک خواستی؛ فقط از الله طلب یاری کن».

مدد خواستن از الله مدار دین می باشد، ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ﴾[٢]، ترجمه: «تنها ترا می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم».

و پیامبران اقوام خویش را به آن دستور می دادند، ﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱللَّهِ وَٱصۡبِرُوٓاْۖ﴾[٣]، ترجمه: «موسی به قومش گفت: از الله مدد جویید و صبر پیشه سازید»، شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید: «دین عبارت است از اینکه جز الله پرستش نشود و از غیر او مدد طلب نشود»[٤].

کمال بی نیازی بنده در وابستگی او به پروردگارش می باشد، و از فضل الله بر بندگانش این است که هر کس به او وابسته شد؛ او را مدد کند، پس رزق با طاعت و عبادت و مدد خواستن از او آسان می گردد و با توکل و فروتنی به او اضافه می گردد، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ مَخۡرَجٗا * وَيَرۡزُقۡهُ

(١) جامع ترمذی (٢٨٤/٤) رقم حدیث: (٢٥١٦).

(٢) سوره الفاتحة:٥.

(٣) سوره الأعراف:١٢٨.

(٤) نگا: الحسنة والسيئة (ص:٩٠).

﴿مِنۡ حَيۡثُ لَا يَحۡتَسِبُۚ﴾[۱]، ترجمه: «و هرکس از الله بترسد، الله برای او راهی میگشاید و از جایی او را روزی می دهد که گمانش را نمی برد».

و زندگی پر از آفات و ناگواری ها است، الله سبحانه می فرماید: ﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِي كَبَدٍ﴾[۲]، ترجمه: «آدمی را در رنج و محنت بیافریده ایم».

هر مخلوقی دشمنانی از انس و جن دارد و در رأس آنها ابلیس – لعنت الله بر او باد – میباشد، الله سبحانه می فرماید: ﴿إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّاۚ﴾[۳]، ترجمه: «همانا شیطان دشمن شما است پس آن را دشمن خود قرار دهید».

و بنده در پناه گرفتن و پناه بردن از بدی ها به الله متعال بی نیاز نیست و پروردگاری که متصف به توانایی و قهر و عزت است، هر کس به او پناه برد، آزار و اذیت هیچ کس به او نمی رسد و ضرر از او عقب می ماند و به او نمی رسد گرچه سببش قائم باشد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ نَزَلَ مَنْزِلاً، ثُمَّ قَالَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ؛ لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ، حَتَّى يَرْتَحِلَ مِنْ مَنْزِلِهِ ذَلِكَ**» (روایت مسلم)[٤]، ترجمه: «هر کس جای فرود آمد، سپس گفت: أعوذ بكلمات الله... «پناه می جویم به کلمات تامه ی الله از شر آنچه آفریده است؛ چیزی به او گزند نمی رساند، تا از آن منزل کوچ کند».

---

(۱) سوره الطلاق:۲-۳.

(۲) سوره البلد:٤.

(۳) سوره فاطر:٦.

(٤) صحیح مسلم (٧٦/٨) رقم حدیث: (٢٧٠٨).

قرطبی رحمه الله می فرماید: «از زمانی که این حدیث را شنیدم به آن عمل نمودم، پس هیچ چیزی به من ضرری نرسانید تا اینکه آن را رها نمودم، پس عقربی در مهدیه در هنگام شب مرا نیش زد پس درون خود اندیشیدم، ناگهان یادم آمد که فراموش کردم با این کلمات به الله پناه ببرم»[۱].

و مخلوقات همیشه در معرض سختی و ضرر هستند و هرگز زندگیش گوارا نمی شود مگر با توسل جستن به چنین ذاتی و پناه برندن به او، زیرا همه سود و زیان ها به دست او می باشند و هر کس تلاش کند که به تو ضرری برساند، هرگز به آرزویش نمی رسد، مادامی که الله نخواهد، پیامبر ﷺ می فرماید: «**وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ**» (روایت ترمذی)[۲]، ترجمه: «بدان اگر همه امت جمع شوند، تا به تو زیانی برسانند، نمی توانند، مگر آنچه که الله برای تو مقدر نموده است».

الله متعال به پیامبرش دستور داده تا به آفریدگار صبح از شر مخلوقات و از شر تاریکی شب و از شر حسود پناه بگیرد و ذات توانایی که توانایی از بین بردن تاریکی های این هستی را دارد، توانایی برطرف نمودن آنچه شخص پناه گیرنده از آن می هراسد و می ترسد؛ را دارد و کسی که به الله پناه می گیرد و در همه امورش به او پناه می جوید، پناهگاهی محکم از اهل شر و مکاران است.

و پروردگار ما! ما هیچ یار و یاوری در سختیها و هیچ پناهگاهی جز او نداریم، طلب کننده از الله و پناه برنده به او، خالص ترین نوع دعا را استفاده نموده

---

(۱) المفهم لما أشكل من تلخيص كتاب مسلم (۳٦/۷).

(۲) جامع ترمذی (٥/٤٨٤)، حديث رقم:(٣٥٠٥).

است و طلب مدد نمودن از پروردگار عظیم، پناهگاه پیامبران و نیاکان در وقت سختیها و دسیسه ها می باشد، الله سبحانه می فرماید: ﴿إِذۡ تَسۡتَغِيثُونَ رَبَّكُمۡ فَٱسۡتَجَابَ لَكُمۡ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلۡفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُرۡدِفِينَ﴾[(۱)]، ترجمه: «و آنگاه که از پروردگارتان یاری خواستید و الله پذیرفت، که من با هزار فرشته که پی در پی می آیند یاریتان می کنم».

و الله سبحانه فرمودند: ﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾[(۲)]، ترجمه: «چه کسی به فریاد درمانده می رسد هر گاه او را به کمک بخواهند».

و هر کس مردگان را صدا بزند، صدای او را نمی شنوند و حاجتش برآورده نمی شود، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمۡلِكُونَ مِن قِطۡمِيرٍ * إِن تَدۡعُوهُمۡ لَا يَسۡمَعُواْ دُعَآءَكُمۡ وَلَوۡ سَمِعُواْ مَا ٱسۡتَجَابُواْ لَكُمۡ﴾[(۳)]، ترجمه: «چیزهایی را که غیر او صدا می زنید مالک پوست میان هسته خرمایی هم نیستند، و اگر آنها را بخوانید، صدایتان را نمی شنوند و اگر بشنوند، پاسختان نگویند».

و اگر به تو مصیبتی رسید و غم ها و اندوهها شدت گرفتند پس از الله متعال که داننده غیبهاست کمک و مدد بخواه، ﴿إِنَّمَآ أَمۡرُهُۥٓ إِذَآ أَرَادَ شَيۡـًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ﴾[(٤)]، ترجمه: «چون بخواهد چیزی را بیافریند، می گوید: موجود شو، پس موجود می شود».

---

(۱) سوره الأنفال:۹.

(۲) سوره النمل:٦۲.

(۳) سوره فاطر:۱۳-۱٤.

(٤) سوره يس:۸۲.

و یگانه دانستن الله در همه افعال بندگان، اعتقادی صاف و سعادتی است که همه ی مجتمع را در بر می گیرد و آرامشی در قلب هاست.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ٢١ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾ [1]، ترجمه: «ای مردم! پروردگارتان را پرستش کنید که شما و کسانی را که پیش از شما بوده اند آفریده است، باشد که پرهیزگار شوید، پروردگارتان ذاتی است که زمین را برایتان گستراند و آسمان را سقفی قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و با آن انواع میوه ها را بوجود آورد تا روزیتان باشد، پس برای الله همتایانی قرار ندهید در حالی که شما می دانید».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

---

(۱) سوره البقرة:۲۲.

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیت و یارانش باد.

ای مسلمانان:

دروازه های سعادت و خوبی ها با معلق بودن قلب به الله باز می شوند و دروازه شر و بدی با توبه و استغفار بسته می شود و صحت و عافیت قلب در ترک گناه می باشد و نعمت های دنیا به وابستگی قلب به الله از لحاظ محبت و ترس و امید به فضلش می باشد، پس ترس الله متعال تو را از نافرمانیش دور نگه می دارد و امید او تو را به طاعتش وا می دارد و محبتش تو را به الله متعال سوق می دهد، پس اعمالت را خالصانه و به بهترین وجه در ظاهر و باطن برای الله قرار بده، همراه با یقین به اینکه الله متعال از درون نیت ها اطلاع دارد و به مخفی ها و اسرار بینا و داناست.

سپس بدانید که الله متعال شما را به سلام درود بر پیامبرش امر نموده...

عقیده مسلمان[1]

بدرستی تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که الله متعال او را هدایت کند، هیچ کس نمی تواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست، پیشه سازید، کسی که از پروردگارش بترسد نجات می یابد و کسی که تصدیقش کند پشیمان نمیشود و کسی که به او امیدوار باشد او بهترین امید، امید واران است.

ای مسلمانان:

بی شک دین اسلام بعنوان کاملترین و شاملترین دین است، که همه مصالح بشر را در بر می گیرد اعم از عبادات و معاملات و حدود و تعزیرات و غیره که فرد را پاک می کند و جامعه را از شورش و نا آرامی حفاظت می کند و نفوس بشر را کنترل می کند و لجام میزند تا از ارتکاب منکرات و ملوث شدن به گناهان

---

(۱) این خطبه در روز جمعه، ١٤ ذو الحجه، سال ١٤٢١ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

باز ایستند، انسان را از کارهای پست و اخلاق زشت باز می دارد، هیچ کسی نمی تواند در زندگی دنیا سعادتمند و خوشبخت گردد؛ مگر با چنگ زدن و عمل کردن به دین اسلام، هرگاه ایمان و اخلاص زیاد شود پاداش آن زیاد می شود و شرک سبب نابود شدن اعمال نیک می گردد.

در میان مشرکین قریش کسانی بودند که عبادت می کردند و حج می رفتند و عمره میکردند و صدقه می دادند و صله رحم می کردند حتی به وحدانیت الله در آفرینش و تدبیر امور اعتراف می کردند و در سختی ها الله را خالصانه عبادت می کردند و حتی در هنگام سختی الله را با اخلاص می پرستیدند اما بین الله و خویشتن واسطه و وسیله قرار می دادند، و آنان را می خواندند، برایشان ذبح و نذر می کردند از آنان کمک می خواستند و طلب شفاعت می کردند، به گمان اینکه آنان به الله نزدیکتر هستند، الله متعال محمد ﷺ را مبعوث نمود؛ تا دین پدرشان ابراهیم عليه السلام را تجدید نماید و آنها را آگاه سازد که عبادت صرفا حق الله متعال است، و این عملکرد آنان تمام عباداتشان را فاسد کرده است، پس با آنها جهاد نمود تا دعا و نذر و مدد خواستن و تمام انواع عبادات را فقط برای الله متعال انجام دهند.

و همچنین طلب شفای مریضان و خوشبخت نمودن خویشاوندان و بخشیدن گناهان و علاوه از اینها از اموری که فقط الله توانایی آن را دارد؛ فقط از الله سبحانه بخواهند و برای نماز و دعا به پای قبر و ضریح نروند، زیرا آنها منزل مردگانی هستند که یا در ناز و نعمت هستند یا در عذاب و جهنم می باشند.

از بزرگترین گناهان کمک خواستن از مرده است بلکه کمک خواستن از هر مخلوقی در آنچه که در توان آنها نیست؛ نیز از بزرگترین گناهان می باشد، مثل این است که غرق شده ای از غرق شده دیگر طلب کمک و نجات کند و هیچ کسی از بنده ای امیدوار نشده مگر اینکه امید و گمانش به باد فنا رفته، پس به الله متعال روی آورید؛ زیرا الله متعال با استفاده اسباب و بدون آن از جایی که گمان نداشته باشید رزق و روزی میدهد و الله متعال بهترین دوست و یاور است.

کفاره شرک: توحید است، و نیکی ها، گناهان را از بین می برند، کسی که برای حل مشکلش به غیر پروردگارش امید داشته باشد در عالم خیال زندگی می کند و چیز محال و نا ممکنی را طلب کرده است.

همین که انسان بوسیله تعویذ و امثال آن از غیر الله رفع حاجتش را خواسته است، خود وابستگی و تعلق به غیر الله است، پیامبر ﷺ می فرماید: «**إِنَّ الرُّقَى وَالتَّمَائِمَ وَالتِّوَلَةَ؛ شِرْكٌ**» (روایت احمد)[1]، ترجمه: «رقیه[2] و تعویذها و آنچه برای محبت زن و شوهر انجام می شود شرک می باشند».

و تعویذ چیز جامد و بی روحی می باشد، هرگز نمی تواند حکم الله را تغییر دهد، یا انسان را از آفات و مصیبتها حفاظت کند و یا او را به آرزویش برساند، کسانی که تعویذ را بر گردن فرزندان یا زنان یا غیره آویزان می کنند؛ الله متعال آنان را به همان واگذار کرده و خوار می کند، پس رابطه خودت را با الله محکم کن و احتیاجات خودت را از او بخواه و به او پناه ببر و امرت را به او بسپار، تا اینکه

---

(۱) مسند احمد (۲/ ۸٤۰) رقم حدیث: (۹٦٦۷).

(۲) رقیه به دم گویند، منظور آن دم های که شرکی باشند. مترجم.

مشکلاتت برآورده و قلبت مطمئن گردد، ﴿وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓ﴾[1] ، ترجمه: «و هرکس که بر الله توکل کند، الله او را کافی است».

و اگر الله متعال بنده متوکل به خویش را کفایت بکند و او را حفاظت کند، پس هیچ دشمنی نمی تواند در او طمع کند، توکلت را عاجزی و عاجزیت را توکل قرار مده.

و بدان رفتن نزد ساحران و غیب گویان و خرافات آنها را باور کردن و از آنان درباره امور غیبی و پنهانی چه گذشته و چه آینده نظر خواستن یا از آنان طلب جدایی انداختن بین زن و مرد یا محبت انداختن بین آنها یا به آن راضی بودن؛ دلیل بر ضعف عقیده و سستی توکل است، بلکه دلیل بر این است که چنین انسانی بر قضاء و قدر الهی و آنچه که الله متعال برایش در تقدیر نوشته خشمگین و ناراضی است، پیامبر ﷺ می فرماید: «**مَنْ أَتَى كَاهِناً أَوْ عَرَّافاً فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ؛ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ**» (روایت احمد و حاکم)[2]، ترجمه: «هر کس نزد کاهن یا غیبگویی برود و او را تصدیق نماید قطعا به آنچه بر محمد ﷺ نازل شده کفر ورزیده است».

و رزقی که الله مقدر نموده را حرصِ حریصی بیشتر و نزدیکتر نمی کند و آن را کراهیت افراد منع نمی کند، حسن بصری رحمه الله می گوید: «زمانیکه فهمیدم که روزی من نصیب کسی دیگر نمی شود قلبم آرام گرفت». پس رفتن پیش شعبده بازان سبب زود رسی رزق انسان و تأخیر مرگ آن نمی گردد، قرطبی رحمه الله می گوید:

---

(۱) سوره الطلاق:۳.

(۲) مسند احمد (۲/۱۹۹۶) رقم حدیث: (۹۶۶۷)، مستدرک حاکم (۱/۸) رقم حدیث: (۱۵).

«کسانی که قدرت و دسترسی دارند مانند هیأت امر به معروف و نهی از منکر و دیگر ارگانهای رسمی بر آنان واجب است که جلو چنین منکراتی - یعنی: ساحران و شعبده بازان - را با قاطعیت بگیرند و با آنهایی که پیش آنها می روند بشدت برخورد کنند»[۱].

از قسم خوردن بپرهیز، حتی اگر راست باشد، زیرا پرهیز از قسم دلیل بر آن است که پروردگارت را تعظیم می کنی و چنانچه قسم خوردی جز به اسمی از اسماء یا صفتی از صفات الله قسم نخور و هرگز به غیر الله قسم نخور - مانند: کعبه و پیامبر و امانت و ولی - .

و به تقدیر و آفرینش و تدبیر الله یقین داشته باش و در مقابل احکام و آزمایشات الهی صبر و استقامت داشته باش و تسلیم امورش باش، از آنجایی که دنیا سرشار از مشکلات و سختی ها و تکالیف و مشقت هاست پس در هر صورت به آنچه برایت مقدر گردیده ایمان و باور داشته باش، چرا که ایمان به آن رکنی از ارکان دین است، چنین نیست که هر چه انسان آرزو کند در یابد، با اصرار و زاری در دعا و کامل روی آوردن به الله، درهای رحمت باز می شود و مطلوب حاصل می شود.

بر مومن لازم است که ترس و امیدش برابر باشند، هرگاه یکی غالب گردد صاحبش را نابود کند، هر کس ترس او غالب باشد، به نوعی نا امیدی دچار میگردد، کسی که امیدش غالب شود از عذاب و گرفت الله بی خیال می ماند، ترس به اندازه ای مطلوب است که تو را از محرمات باز بدارد.

---

(۱) المفهم (٥/٦٣٣).

هرگاه شرینی و حلاوت عمل صالح را در دلت احساس نکردی، عملت را متهم کن زیرا الله متعال شکور است و بدان در دنیا بهشتی است هر کس وارد آن نشود، وارد بهشت قیامت نخواهد شد و محروم کسی است که قلبش از پروردگارش غافل باشد و اسیر کسی است که خواهشات نفسانی او را اسیر بگردانند و نماز با جماعت مسلمانان در مساجد ایمان را افزایش می دهد و چهره را منور و از محرمات باز می دارد، چنانکه الله تعالی می فرماید: ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۗ﴾[(۱)]، ترجمه: «و نماز را برپای دار که نماز از فحشاء و منکر باز می دارد».

حلال خوردن و حلال نوشیدن دلیل بر سلامت ایمان و حسن عمل و سبب قبولیت دعا است، لذا پیامبر ﷺ فرمودند: «**يَا سَعْدُ! أَطِبْ مَطْعَمَكَ؛ تَكُنْ مُسْتَجَابَ الدَّعْوَةِ**» (روایت طبرانی)[(۲)]، ترجمه: «ای سعد! روزی حلال بخور تا اینکه همیشه دعایت قبول گردد».

از داد و ستد حرام بخصوص گرفتن و دادن سود بپرهیز، تا اینکه نفس و روحت پاک گردد.

در رفتار و برخورد با دیگران بر اساس دوستی برای الله و دشمنی برای الله عمل کن، کسی که در پی حصول رضای الله باشد حتی اگر مخلوق از او ناراضی گردند؛ زیرا الله دلهای مردم را بسوی او برخواهد گرداند.

---

(۱) سوره العنکبوت:۴۵.

(۲) المعجم الأوسط (۳۱۰/۶) رقم حدیث: (۶۴۹۵). اسناد این حدیث را شیخ آلبانی رحمه الله ضعیف جدا دانسته. مترجم.

از ظلم و ستم بر دیگران بپرهیز که ظلم در آخرت مضاعف شده و دامن ترا خواهد گرفت، مظلوم مستجاب الدعاء است، که معمولا دعایش قبول میشود، پس حقوق دیگران را به آنان بر گردان و تجاوز نکن، ظلم حتما ترک عملی صالح، یا ارتکاب کاری حرام را بدنبال دارد، الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَن يَظۡلِم مِّنكُمۡ نُذِقۡهُ عَذَابٗا كَبِيرٗا﴾[1]، ترجمه: «و کسی که از شما ظلم کند، عذابی بزرگی به او خواهیم چشاند».

به درستی عاقل کسی است که بجای عیوب دیگران به عیوب خودش مشغول باشد و در عبادت پروردگار به جدیت قیام کند، کسی که بسوی الله گام بر می دارد باید همتی عالی داشته باشد که او را همچنین پیش براند، و رشد دهد، و علمی داشته باشد که راه را برایش نشان دهد و همواره ارشادش کند، پس بسوی الله گام بردار، نعمتهای پرودگارت را پیوسته در نظر داشته باش، عیوب خودت را همواره جستجو و اصلاح کن، و از بازی کردن با آبروی دیگران با غیبت و بهتان بپرهیز، پیامبر ﷺ می فرماید: «**إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ بَيْنَكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا**» (متفق علیه)[2]، ترجمه: «به یقین بدانید که خون و مال و آبروی شما بر یکدیگر همانند حرمت این روز در این ماه، در این شهر برای شما حرام است».

مبادا حسد و خواهشات نفسانی تو را به بهتان زدن مردم وا دارد، حسد از هر گناه دیگر عقوبتش بیشتر است، انسان طبیعتاً دوست دارد خودش را از هم نوعانش برتر ببیند، آنچه در این زمینه مذموم است این است که طوری برخورد

---

(۱) سوره الفرقان:۱۹.

(۲) صحیح بخاری (۱/۳٤) رقم حدیث: (٦٧)، صحیح مسلم (٤/۳۸) رقم حدیث: (۱۲۱۸).

کند که انگار از قضا و قدر ناراضی است و اصرار داشته باشد که حتماً به حریفش ضربه بزند، پس این خصلت زشت را از خودت دور گردان و همواره تقوا پیشه کن، زیرا کسی که تقوا و صبر داشته باشد الله متعال بوسیله تقوایش به او نفع می رساند، و خویشتن را با اخلاق نیکو مزین کن، و بر عبادت مداومت داشته باش، چرا که کثرت عبادت ریاکاری را از بین می برد و کمک خواستن از الله انسان را از تکبر محفوظ می دارد، و امر به معروف و نهی از منکر مصیبت را دفع می کند، از گناهان کوچک و بزرگ بپرهیز که گناه قلب و بدن را سست میکنند، و نعمتها را از بین می برند و عذاب را جلب می کنند، شیطان برای انسان گناهان را بسیار زیبا و لذت بخش جلوه می دهد، و عقوبتش را از یادشان می برد، و او را مدام به رحمت و مغفرت الله امیدوار می کند تا اینکه دوباره به گناه آلوده شان کند، بنابراین حرکتش بسوی الله و قیامت سست می گردد، شیطان دامهای رنگینی برای انسان نشانده و افراد زیادی را شکار کرده است، پس بدنبال شیطان مرو و از مقاومت و مجاهدت در برابر او کوتاه نیا و به کثرت اعمال صالح انجام ده، که از نشانه های قبولیت عمل صالح انجام عمل صالح دیکری در پی آن می باشد.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِي مُسۡتَقِيمٗا فَٱتَّبِعُوهُۖ وَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمۡ عَن سَبِيلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ﴾[1]، ترجمه: «این است راه راست من، پس از آن پیروی کنید و از راههای دیگر پیروی مکنید، که شما را از راه الله

---

(۱) سوره الأنعام:۱۵۳.

جدا می کنند، این است آنچه الله شما را بدان سفارش می کند، شاید پرهیزگار شوید».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیتش و یارانش باد.

اما بعد، ای مسلمانان:

زندگی مرگی بدنبال دارد و دنیا آخرتی، هر عمل حسابی دارد، و بر هر چیز ناظر و نگهبانی مقرر است، هر نیکی پاداش، هرگناه عقوبت و هر عمل پایانی دارد، ناگزیر باید رفیق زنده ای داشته باشی که با تو پس از مرگ دفن گردد که اگر خوب باشد اکرامت خواهد کرد و اگر بد باشد با تو بدی خواهد کرد، این رفیق با تو حشر خواهد شد و با تو برانگیخته خواهد شد، جز او از تو سؤال نخواهد شد، پس آن را صالح قرار ده، اگر صالح باشد با او انس خواهی گرفت، و اگر بد باشد از او می ترسی؛ او عمل توست!

پس هرچه می توانی اعمال صالح بیشتر انجام بده و بر دینت استوار باش و بکوش که آن را تقویت کنی، اوامرش را بجای آور و از نواهی او بپرهیز به دینت چنگ بزن و مفاد و مقتضیاتش را انجام بده و خودت را به ایمان و علم و عمل صالح مسلح کن و از حوادث و صحنه های تکان دهنده عبرت بیاموز و در مواعظ قرآنی تدبر کن که اینها راست ترین داستانها می باشند همواره به ذکر و یاد الله مشغول باش، که ذکر وقت مشخصی و تعطیلی و پایانی ندارد و بر کوتاهی ها و تقصیرات خویش پیوسته استغفار کن، الله را بخاطر توفیقش سپاس گو.

سپس بر بهترین خلق الله محمد بن عبدالله درود و سلام بفرستید، بدرستی که الله متعال شما را به درود و سلام فرستادن بر پیامبرش امر نموده...

حسن ظن به اللّه[1]

همانا تمامی حمد و تعریفات مخصوص اللّه متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که اللّه او را هدایت کند، هیچ کس نمی تواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز اللّه نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام اللّه بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان اللّه تقوای اللّه را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید.

ای مسلمانان:

توحید: حق اللّه بر بندگانش است و بخاطر آن اللّه متعال رسولانش را فرستاده و کتابهایش را نازل نموده و حقیقت توحید: یگانه دانستن اللّه متعال در عبادات می باشد و عبادت اسم جامع و شاملی است که هر چه اللّه آن را دوست دارد و از آن راضی است - از گفتار و کردار ظاهری و باطنی - را فرا می گیرد، پس برای قلب عبادتِ خاص به خودش هست، و عبادت قلب بزرگتر و بادوام تر از

---

(۱) این خطبه در روز جمعه، ۱۸ ربیع الآخر، سال ۱٤۳۹ هجری در مسجد رسول اللّه ﷺ القا شده است.

عبادت اعضای جوارح می باشد و وارد شدن اعمال قلب در ایمان، از اعمال جوارح اولی تر می باشند، پس ایمانی که با شناخت و بهترین وجه بر قلب قائم باشد، مقصود اصلی است، اعمال ظاهری تابع و جزء مکملات آن می باشند و با در نظر گرفتن اعمال قلب، آنها پذیرفته و اصلاح می شوند؛ پس عمل قلب روح و اساس عبادت است و اگر اعمال ظاهری از اعمال قلب خالی باشند، مانند جسد مرده ایی می ماند که در آن روحی نیست، پیامبر ﷺ می فرماید: «أَلَا وَإِنَّ فِي الجَسَدِ مُضْغَةً، إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ القَلْبُ» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «بدانید که در بدن، عضوی وجود دارد که صلاح و فساد سایر اعضا، به صلاح و فساد آن، بستگی دارد و آن، قلب است».

برتری بندگان در برتری آنچه در قلب هاست و با آن اعمال برتری پیدا میکنند و قلب جایگاهی است که الله متعال به آن می نگرد، پیامبر ﷺ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَادِكُمْ، وَلَا إِلَى صُوَرِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ» (روایت مسلم)[۲]، ترجمه: «الله به تن ها و پیکره های شما نمی نگرد، بلکه به دلها و اعمال شما می نگرد».

و از جمله اعمال قلب که به آن بسیار تاکید شده: حسن ظن به الله است؛ پس این از فرایض اسلام و یکی از حقوق و واجبات توحید می باشد و معنای کامل و شامل آن: هر گمان نیکی که شایسته کمال ذات الله سبحانه و نامها و

---

(۱) صحیح بخاری (۱/۲۰) رقم حدیث: (۵۲)، صحیح مسلم (۵/۵۰) رقم حدیث: (۱۵۹۹).

(۲) صحیح مسلم (۸/۱۱) رقم حدیث: (۲۵٦٤).

صفات او می باشد و حسن ظن فرع علم ذات الله متعال است و اساس او بر شناخت وسعت رحمت الله متعال و عزت و احسانش و قدرت و علمش و انتخاب نیکویش می باشد، هرگاه این شناخت کامل شد، بی شک حسن ظن به الله برای بنده ثمره و نتیجه می دهد و گاهی حسن ظن با مشاهده نمودن برخی از اسماء و صفات الله متعال به وجود می آید.

وهر کس در قلبش معنای حقیقی اسماء و صفات باشد، همان اندازه حسن ظنی که مناسب هر اسم و صفت باشد در قلب او بوجود می آید؛ زیرا هر صفتی عبودیت و حسن ظن خاصی دارد.

و کمال و بزرگواری و جمال و برتریش بر مخلوقاتش حسن ظن به او ﷻ را لازم می کند و به همین دلیل الله متعال بندگانش را دستور داده، در فرموده اش: ﴿وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾[١]، ترجمه: «و نیکی کنید همانا الله نیکوکاران را دوست می دارد»، سفیان ثوری رحمه الله می گوید: «حسن ظن به الله را نیکو گردانید». و پیامبر ﷺ قبل از وفات خویش بخاطر بزرگی منزلتش تاکید نمود، جابر رضی الله عنه می گوید: «**لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ ﷻ**» (روایت مسلم)[٢]، ترجمه: «هیچ کس از شما نمیرد، مگر اینکه گمانش نسبت به الله نیکو باشد».

الله بندگان خاشع و فروتن خود را به خاطر حسن ظن شان تعریف نموده و تسهیل عبادت را برای آنها بشارتی فوری و کمکی قرار داده است، الله سبحانه

---

(١) سوره البقرة:١٩٥.

(٢) صحیح مسلم (١٦٥/٨) رقم حدیث: (٢٨٧٧).

می فرماید: ﴿وَٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلۡخَٰشِعِينَ ۝ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ وَأَنَّهُمۡ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ﴾[1]، ترجمه: «و از صبر و نماز یاری بجویید و به راستی که آن گران و دشوار آید جز بر فروتنان، آن کسانی که یقین دارند پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد و یقین دارند به سوی او باز می گردند».

و پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مقام رفیعی بخاطر شناخت الله متعال کسب نمودند، پس امور خود را به او سپردند بخاطر حسن ظنی که به رب خود داشتند، پس ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ هاجر و پسرش اسماعیل را جوار کعبه رها نمود و در آن زمان در مکه هیچ کسی نبود ودر آنجا آب هم نبود، سپس ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ پشت داد و رفت، هاجر ژ او را دنبال نمود و گفت: «**يَا إِبْرَاهِيمُ! أَيْنَ تَذْهَبُ وَتَتْرُكُنَا بِهَذَا الوَادِي الَّذِي لَيْسَ فِيهِ إِنْسٌ وَلَا شَيْءٌ؟ فَقَالَتْ لَهُ ذَلِكَ مِرَاراً، وَجَعَلَ لَا يَلْتَفِتُ إِلَيْهَا، فَقَالَتْ لَهُ: آللَّهُ الَّذِي أَمَرَكَ بِهَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَتْ: إِذاً لَا يُضَيِّعُنَا**» (روایت بخاری)[2]، ترجمه: «ای ابراهیم! ما را در این دره ای که هیچ کس و هیچ چیزی وجود ندارد، رها می کنی بکجا می روی؟ و چندین بار، این جمله را تکرار کرد، اما ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ به او توجه نمی کرد، آنگاه، هاجر گفت: آیا الله به تو چنین دستوری داده است؟ ابراهیم گفت: بلی، هاجر گفت: در این صورت، الله ما را ضایع نخواهد کرد».

---

(١) سوره البقرة:٤٦.

(٢) صحیح بخاری (١٤٢/٤) رقم حدیث: (٣٣٦٤).

پس نتیجه حسن ظن او آنچه صورت گرفت، شد، پس آب با برکتی جوشید و خانه کعبه آباد گردید و یاد آن برای همیشه ماندگار شد و اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ پیامبر شد و از نوادگان و نسل او خاتم مرسلین و امام متقین قرار گرفت.

و یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ دو پسرش گم شدند، پس صبر نمود و کارش را به الله سپرد و فرمود: ﴿قَالَ إِنَّمَآ أَشۡكُواْ بَثِّي وَحُزۡنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ﴾[1]، ترجمه: «من شکایت پریشان حالی و اندوهم را تنها به نزد الله می برم».

و قلبش پر از حسن ظن به الله و اینکه او بهترین حفاظت کنندگان است، باقی ماند و فرمود: ﴿عَسَى ٱللَّهُ أَن يَأۡتِيَنِي بِهِمۡ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[2]، ترجمه: «امید است که الله همه ی آنان را به من باز گرداند، بی گمان او دانا و حکیم است».

و فرزندانش را به آن دستور داد و فرمود: ﴿يَٰبَنِيَّ ٱذۡهَبُواْ فَتَحَسَّسُواْ مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَاْيۡـَٔسُواْ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ لَا يَاْيۡـَٔسُ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾[3]، ترجمه: «ای فرزندانم! بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت الله ناامید نشوید، چرا که جز گروه کافران از رحمت الله ناامید نمی گردند».

---

(١) سوره یوسف:٨٦.

(٢) سوره یوسف:٨٣.

(٣) سوره یوسف:٨٧.

و به بنی اسرائیل مشکلاتی که توان آن را نداشتند، رسید و با وجود سختی غم و اندوه، حسن ظن به الله و امید و چاره به او باقی ماند، موسی علیه السلام به قومش فرمود: ﴿ٱسۡتَعِينُواْ بِٱللَّهِ وَٱصۡبِرُوٓاْۖ إِنَّ ٱلۡأَرۡضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ﴾[۱]، ترجمه: «از الله مدد جویید و صبر پیشه سازید که این زمین، از آن الله متعال است و به هر کس از بندگانش که بخواهد آن را به میراث می دهد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است».

و مشکلات برای موسی علیه السلام و همراهانش سنگین شدند، دریا جلویشان و فرعون و لشکریانش از پشت و هنگامیکه ﴿قَالَ أَصۡحَٰبُ مُوسَىٰٓ إِنَّا لَمُدۡرَكُونَ﴾[۲]، ترجمه: «یاران موسی گفتند: ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم».

جواب پیامبر کلیم الله گواهی بزرگ به اعتماد و حسن ظن او به رب قادر و توانا، ﴿قَالَ كَلَّآۖ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهۡدِينِ﴾[۳]، ترجمه: «فرمود هرگز چنین نیست، پروردگارم با من است، و رهنمودم خواهد کرد».

پس وحی الهی به چیزی آمد که ذهن و گمان خطور نمی کرد، ﴿فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡبَحۡرَۖ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرۡقٖ كَٱلطَّوۡدِ ٱلۡعَظِيمِ * وَأَزۡلَفۡنَا ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ * وَأَنجَيۡنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ * ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ﴾[۴]، ترجمه:

---

(۱) سوره الأعراف:۱۲۸.

(۲) سوره الشعراء:۶۱.

(۳) سوره الشعراء:۶۲.

(۴) سوره الشعراء:۶۳-۶۶.

«پس به موسی فرمان دادیم که با عصایت به دریا بزن، پس دریا از هم شکافت و هر بخشی از آن مانند کوه بزرگی شد و در آنجا دیگران را به آنها نزدیک کردیم، و موسی و همراهانش را همگی نجات دادیم، و فرعونیها را در دریا غرق کردیم».

و برترین مخلوقات از لحاظ عبادت و بندگی اللّٰه و حسن ظن به او پیامبر ما محمد ﷺ می باشد، قومش او را اذیت کردند پس به وعده اللّٰه و پیروزی دینش مطمئن ماند، فرشته کوهها خطاب به او فرمود: «**إِنْ شِئْتَ أَنْ أُطْبِقَ عَلَيْهِمُ الأَخْشَبَيْنِ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ: بَلْ أَرْجُو أَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ مِنْ أَصْلَابِهِمْ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً**» (متفق علیه)[١]، ترجمه: «اگر می خواهی، دو کوه سخت مکه را بر آنان، می چسبانم، پیامبر ﷺ فرمودند: بلکه من امیدوارم که اللّٰه متعال از نسلهای آنان، کسانی را بوجود آورد که فقط اللّٰه متعال را عبادت کنند و چیزی را با او شریک نسازند».

و در سخت ترین و بدترین ظروف پیامبر ما ﷺ حسن ظن به اللّٰه را رها ننمود، از مکه خارج شد و در راه به غاری پناه برد، سپس کفار آنها را دنبال نمودند، ناگهان کفار دوربر آنها رسیدند، پس در حالی که به همراهش دلداری میداد؛ فرمودند: ﴿لَا تَحۡزَنۡ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَنَاۖ﴾[٢]، ترجمه: «اندوهگین مباش، اللّٰه با ماست».

ابوبکر ﷺ فرمود: «**قُلْتُ لِلنَّبِيِّ ﷺ وَنَحْنُ فِي الغَارِ: لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ نَظَرَ إِلَى قَدَمَيْهِ لَأَبْصَرَنَا تَحْتَ قَدَمَيْهِ! فَقَالَ: يَا أَبَا بَكْرٍ! مَا ظَنُّكَ بِاثْنَيْنِ اللَّهُ ثَالِثُهُمَا**» (متفق

---

(١) صحیح بخاری (٤/١١٥) رقم حدیث: (٣٢٣١)، صحیح مسلم (٥/١٨١) رقم حدیث: (١٧٩٥).

(٢) سوره التوبة: ٤٠.

علیه)[١]، ترجمه: «به پیامبر ﷺ گفتم: وقتی در غار بودیم: اگر یک نفر از آنها به پایین بنگرد، ما را می بیند، رسول الله ﷺ فرمودند: ای ابوبکر نظرت درباره دو نفری که الله سومین نفر آنهاست چیست؟».

و با وجود اینکه از هر طرف با اذیتی و غم و اندوه و جنگ برخورد نمود، اما او یقین کامل داشت که این دین به مرور زمان در کل دنیا می رسد و میفرمودند: «**لَيَبْلُغَنَّ هَذَا الأَمْرُ مَبْلَغَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَلَا يَتْرُكُ اللَّهُ بَيْتَ مَدَرٍ وَلَا وَبَرٍ، إِلَّا أَدْخَلَهُ هَذَا الدِّينَ بِعِزِّ عَزِيزٍ، أَوْ بِذُلِّ ذَلِيلٍ**» (روایت احمد)[٢]، ترجمه: «اسلام تا جایي که شب و روز رسیده اند، خواهد رسید، هیچ خانه ی چادری یا سنگی و گلی پیدا نمی شود که اسلام در آن داخل نگردد، این وعده ی الهی با عزت عزیزان یا ذلت ذلیلان تحقق پیدا خواهد کرد».

یک بادیه نشینی شمشیر را بر پیامبر ﷺ کشید در حالی که او خواب بود، پیامبر ﷺ فرمودند: «**فَاسْتَيْقَظْتُ وَهُوَ فِي يَدِهِ صَلْتاً** - أَيْ: بَارِزاً بِهِ -، **فَقَالَ: مَنْ يَمْنَعُكَ مِنِّي؟ فَقُلْتُ: اللَّهُ - ثَلَاثاً -، وَلَمْ يُعَاقِبْهُ وَجَلَسَ**» (متفق علیه)[٣]. وعند أحمد[٤]: «**فَسَقَطَ السَّيْفُ مِنْ يَدِهِ**»، ترجمه: «پس بیدار شدم و دیدم که با شمشیر برهنه، بالای سرم ایستاده است، آنگاه، به من گفت: چه کسی مرا از کشتن تو باز می دارد؟ گفتم: الله - سه بار - او را مجازات نکرد، و او نشست»، و در روایت احمد آمده: «شمشیر از دستش افتاد».

---

(١) صحیح بخاری (٦/٦٦) رقم حدیث: (٤٦٦٣)، صحیح مسلم (٧/١٠٨) رقم حدیث: (٢٣٨١).
(٢) مسند احمد (٧/٣٧٤٥) رقم حدیث: (١٧١٦٢).
(٣) صحیح بخاری (٤/٣٩) رقم حدیث: (٢٩١٠)، صحیح مسلم (٧/٦٢) رقم حدیث: (٨٤٣).
(٤) مسند احمد (٦/٣١٤٨) رقم حدیث: (١٥١٥٩).

و صحابه ﷺ بعد از پیامبران با یقین ترین مخلوقات در حسن ظن به الله متعال می باشند، الله تعالی می فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ فَٱخۡشَوۡهُمۡ فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ﴾[۱]، ترجمه: «کسانی که مردم به آنها گفتند که مردم برای جنگ با شما گرد آمده اند، از آنها بترسید، و این سخن بر ایمانشان بیفزود و گفتند: الله ما را بسنده است و چه نیکو یاوری است».

ابن دغنه نزد ابوبکر صدیق ﷺ آمد تا او نمازش را آهسته بخواند، یا پناهش را از او برگرداند - یعنی عهد و پیمان دفاع از او، و به کفار قریش اجازه اذیت او را بدهد - ابوبکر صدیق ﷺ فرمود: من عهد و پیمان تو را بر می گردانم و به الله ﷻ پناه می جویم (روایت بخاری)[۲].

و عمر ﷺ فرمود: «**أَمَرَنَا رَسُولُ اللهِ ﷺ يَوْماً أَنْ نَتَصَدَّقَ، فَوَافَقَ ذَلِكَ مَالاً عِنْدِي، فَقُلْتُ: الْيَوْمَ أَسْبِقُ أَبَا بَكْرٍ إِنْ سَبَقْتُهُ يَوْماً؛ فَجِئْتُ بِنِصْفِ مَالِي، قَالَ: فَقَالَ لِي رَسُولُ اللهِ ﷺ: مَا أَبْقَيْتَ لِأَهْلِكَ؟ فَقُلْتُ: مِثْلَهُ قَالَ: وَأَتَى أَبُو بَكْرٍ بِكُلِّ مَا عِنْدَهُ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا أَبْقَيْتَ لِأَهْلِكَ؟** قَالَ: أَبْقَيْتُ لَهُمُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (روایت ابوداود)[۳]، ترجمه: «رسول الله ﷺ ما را به صدقه دادن امر نمودند و اتفاقا نزد من در آن هنگام مالی بود، پس با خود گفتم: امروز از ابوبکر سبقت می گیرم، اگر قرار باشد سبقت بگیرم؛ امروز همان روز است و با نصف

(۱) سوره آل عمران:۱۷۳.

(۲) صحیح بخاری (۳/۹۶) رقم حدیث: (۲۲۹۷).

(۳) سنن ابوداود (۲/۵٤) رقم حدیث: (۱٦۷۸).

مال خود آمدم، رسول الله ﷺ خطاب به من فرمودند: چقدر برای اهلت باقی گذاشتی؟ گفتم: همین مقدار و ابوبکر با همه مالش آمد و رسول الله ﷺ فرمودند: ای ابوبکر! چقدر برای اهلت باقی گذاشتی؟ او گفت: الله و رسولش را نزد آنها باقی گذاشتم».

پیامبر ﷺ پیش خدیجه سید زنان جهانیان ابتدای وحی آمد و فرمودند: «**لَقَدْ خَشِيتُ عَلَى نَفْسِي، فَقَالَتْ لَهُ خَدِيجَةُ** رضي الله عنها**: كَلَّا؛ أَبْشِرْ! فَوَاللَّهِ مَا يُخْزِيكَ اللَّهُ أَبَداً، وَاللَّهِ إِنَّكَ لَتَصِلُ الرَّحِمَ، وَتَحْمِلُ الكَلَّ، وَتَكْسِبُ المَعْدُومَ، وَتَقْرِي الضَّيْفَ، وَتُعِينُ عَلَى نَوَائِبِ الحَقِّ**» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «من نسبت به جان خود، احساس خطر می کنم، خدیجه رضي الله عنها گفت: هرگز؛ به الله سوگند الله تو را ضایع و نابود نخواهد کرد، به الله سوگند شما صله رحم می کنی و مستمندان را کمک می کنی، از مهمانان پذیرایی می نمایی و در راه حق، مشکلات را تحمل می کنی».

و سلف امت به همین روش طی نمودند، سفیان رضي الله عنه می گوید: «من دوست ندارم که محاسبه من بر نیکی ها و بدیها بدست پدر و مادرم باشند، پروردگارم از پدر و مادرم بهتر است»[۲].

و یکی از دعاهای سعید بن جبیر رحمه الله این بود: «بارالها! من توکل راستین و حسن ظن را از تو می خواهم»[۳].

---

(۱) صحیح بخاری (۱/۷) رقم حدیث: (۳)، صحیح مسلم (۱/۹۷) رقم حدیث: (۱۶۰).

(۲) المحتضرين، لابن أبي الدنيا (ص:۳۶).

(۳) مصنف ابن أبي شيبة (۷/۲۲) رقم: (۳۵۳۴۳).

و در میان جن ها نیکوکار وجود دارد، گمانشان به اللّٰه نیکو است، به قدرت و علم وسیع اللّٰه یقین دارند؛ از گفتارهای آنها: ﴿وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن نُّعۡجِزَ ٱللَّهَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَن نُّعۡجِزَهُۥ هَرَبٗا﴾[۱]، ترجمه: «ما می دانیم که اللّٰه را در زمین ناتوان نمیکنیم و با گریختن نیز ناتوانش نسازیم».

از بندگان اللّٰه کسانی هستند که اگر به اللّٰه سوگند بخورند، اللّٰه متعال آنها را تبرئه می کند، این فقط بخاطر حسن ظن او به اللّٰه متعال می باشد، یکی از وظایف مسلمان نسبت به پروردگارش اینست که به او در هر زمان و در هر حالت حسن ظن داشته باشد و بهترین جایی که باید به او حسن ظن داشته باشد در حال دعا و مناجات با او می باشد و یقین داشته باشد که او نزدیک است و دعایش را می پذیرد و امیدش را از بین نمی برد و نا امیدش نمی کند.

و از اسباب پذیرش توبه: حسن ظن داشتن شخص به پروردگارش است، پیامبر ﷺ از رب خود روایت می کند: «**أَذْنَبَ عَبْدِي ذَنْباً؛ فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبّاً يَغْفِرُ الذَّنْبَ وَيَأْخُذُ بِالذَّنْبِ، اعْمَلْ مَا شِئْتَ؛ فَقَدْ غَفَرْتُ لَكَ**» (متفق علیه)[۲]، ترجمه: «بنده ی من گناهی کرد و دانست که ربی دارد، که گناهان را میبخشد و در مقابل گناه مجازات می کند؛ اینک بنده ام را بخشیدم، هر چه می خواهد، بکند».

و در سختی ها حسن ظن ظاهر و بد گمانی ها آشکار می گردند، در غزوه احد اهل ایمان ثابت قدم شدند و دیگران به اللّٰه گمان های نادرست و گمان های جاهلیت نمودند و در غزوه احزاب ظن و گمان ها نسبت به اللّٰه متعدد

---

(۱) سوره الجن:۱۲.

(۲) صحیح بخاری (۱٤٥/۹) رقم حدیث: (۷٥۰۷)، صحیح مسلم (۹۹/۸) رقم حدیث: (۲۷٥۸).

گردیدند، الله متعال در مورد گروهی فرمودند: ﴿هُنَالِكَ ٱبۡتُلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَزُلۡزِلُواْ زِلۡزَالٗا شَدِيدٗا ۞ وَإِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورٗا﴾[۱]، ترجمه: «در آنجا مؤمنان در معرض امتحان در آمدند و سخت متزلزل شدند، زیرا منافقان و آنهایی که در دلهایشان بیماری است، می گفتند: الله و پیامبرش جز فریب به ما وعده ای نداده اند».

و اما صحابه ﷺ یقین داشتند که مصیبتها آزمایشی از جانب الله می باشند که به دنبال آنها پیروزی و فرج می آید، الله متعال در مورد آنها فرمودند: ﴿وَلَمَّا رَءَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡأَحۡزَابَ قَالُواْ هَٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥۚ وَمَا زَادَهُمۡ إِلَّآ إِيمَٰنٗا وَتَسۡلِيمٗا﴾[۲]، ترجمه: «مومنان گفتند: این همان چیزی است که الله و پیامبرش به ما وعده داده بودند، و الله و پیامبرش راست گفتند، و جز ایمان و تسلیم شدن چیزی دیگر به آنها نیفزود».

راه نجات در وقت سختی ها و غم و اندوه فقط حسن ظن به الله می باشد؛ پس آن سه نفری که به جنگ تبوک نرفتند، غم و اندوهی که به آنها آمده بود را جز با حسن ظن به الله برطرف نکردند، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَرۡضُ بِمَا رَحُبَتۡ وَضَاقَتۡ عَلَيۡهِمۡ أَنفُسُهُمۡ وَظَنُّوٓاْ أَن لَّا مَلۡجَأَ مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيۡهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡ لِيَتُوبُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ﴾[۳]، ترجمه: «و نیز الله متعال توبه آن سه تن را پذیرفت که حکم آنها به

---

(۱) سوره الأحزاب: ۱۱-۱۲.

(۲) سوره الأحزاب: ۲۲.

(۳) سوره التوبة: ۱۱۸.

تاخیر انداخته شد (به سبب تخلفشان از جنگ تبوک بدون عذر و آن سه نفر: کعب بن مالک و هلال بن امیه و مراره بن ربیع ڤ بودند، که حکمشان موقوف بود و بعد از پنجاه روز توبه شان پذیرفته شد) تا آنگاه که زمین با همه گشادگیش بر آنها تنگ شد و جان در تنشان نمی گنجید و خود دانستند که جز پروردگار هیچ پناهگاهی که بدان روی آورند ندارند پس الله توبه آنان را پذیرفت تا به او باز آیند، که توبه پذیر و مهربان است».

و الله قوی و تواناست، بر یاری و پیروزی بندگانش و ولی هایش هیچ کس غیر از او غالب نمی شود و اعتماد به پیروزی او جزء یقینیات و قطعیات میباشد، الله تعالی می فرماید: ﴿إِن يَنصُرۡكُمُ ٱللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمۡۖ وَإِن يَخۡذُلۡكُمۡ فَمَن ذَا ٱلَّذِي يَنصُرُكُم مِّنۢ بَعۡدِهِۦۗ﴾[1]، ترجمه: «اگر الله شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد و اگر شما را به غیر نصرت واگذارد، پس چه کسی بعد از وی شما را یاری می دهد».

و او سبحانه بخشاینده و مهربان است، هر کس به او ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و امیدوار رحمت او باشد؛ رحمت الله شامل حالش می شود، پیامبر ﷺ می فرماید: «**لَمَّا قَضَى اللَّهُ الخَلْقَ: كَتَبَ فِي كِتَابِهِ، فَهُوَ عِنْدَهُ فَوْقَ العَرْشِ: إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي**» (متفق علیه)[2]، ترجمه: «هنگامی که الله مخلوقات را آفرید، در کتابی که نزد او و بالای عرش قرار دارد، نوشت: همانا رحمت من بر خشم من سبقت دارد».

---

(۱) سوره آل عمران: ۱٦٠.

(۲) صحیح بخاری (٤/١٠٦) برقم: (٣١٩٤)، صحیح مسلم (٨/٩٥) رقم حدیث: (٢٧٥١).

هر کس زندگیش سخت و تنگ گردید؛ پس حسن ظن فرج و گشایش است، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ نَزَلَتْ بِهِ فَاقَةٌ، فَأَنْزَلَهَا بِالنَّاسِ؛ لَمْ تُسَدَّ فَاقَتُهُ، وَمَنْ نَزَلَتْ بِهِ فَاقَةٌ فَأَنْزَلَهَا بِاللَّهِ؛ فَيُوشِكُ اللَّهُ لَهُ بِرِزْقٍ عَاجِلٍ أَوْ آجِلٍ**» (روایت ترمذی)(۱)، ترجمه: «هرکس محتاج و نیازمند شد و نیازش را از مردم طلب نمود، نیازش برطرف نمی شود و هر کس محتاج و نیازمند شد و نیازش را از الله طلب نمود، پس نزدیک است که الله دیر یا زود به او رزق و روزی دهد».

زبیر بن عوام رضی الله عنه خطاب به فرزندش عبدالله فرمود: «ای فرزندم! اگر از پرداخت چیزی از آن - از پرداخت وام هایم - ناتوان شدی، پس از مولای من کمک بخواه، عبدالله می گوید: به الله سوگند من نفهمیدم قصدش کیست، تا گفتم: پدرم! مولای تو کیست؟ فرمود: الله، عبدالله گوید: به الله سوگند من هیچ وقت در پرداخت وام او در سختی واقع نشدم؛ مگر اینکه گفتم: ای مولای زبیر وامش را پرداخت کن، پس آن را پرداخت می نمود» (روایت بخاری)(۲).

و او سبحانه آمرزش و بذل و بخشش وسیعی دارد، هر کس به بی نیازی و کرم و آمرزش او حسن ظن داشته باشد، حاجتش را برآورده می کند، الله سبحانه در یک سوم آخر هر شب به آسمان دنیا فرود می آید و می فرماید: «مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ؟ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ؟ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ» (متفق علیه)(۳)، ترجمه: «چه کسی مرا می خواند؛ تا او را اجابت کنم، چه کسی از من طلب می کند؛ تا به او عطا کنم، چه کسی از من آمرزش می خواهد؛ تا او را بیامرزم».

---

(۱) جامع ترمذی (۴/۱۵۴)، حدیث رقم:(۲۳۲۶).

(۲) صحیح بخاری (۴/۸۷) رقم حدیث: (۳۱۲۹).

(۳) صحیح بخاری (۲/۵۲) برقم: (۱۱۴۵) ، صحیح مسلم (۲/۱۷۵) رقم حدیث: (۷۵۸).

و دو دست الله متعال پر می باشند، «**لَا تَغِيضُهَا نَفَقَةٌ، سَحَّاءُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ**»[۱]. «انفاق نمودن آنها راکم نمی کند، شب و روز می بخشد».

و الله متعال توبه پذیر است از توبه بنده اش خوشحال می شود و شب دستش را دراز می کند تا گناهکار روز توبه کند و روز دستش را دراز می کند تا گناهکار شب توبه کند و از کمال صفات الله متعال اینست، کسی که بطرف او بیاید منعش نمی کند و نیازمندترین حالتی که بنده با حسن ظن به الله متعال محتاج است هنگامی است که مرگش نزدیک باشد و دنیا را وداع و به طرف الله برود، پیامبر ﷺ فرمودند: «**لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ** ﷻ» (روایت مسلم)[۲]، ترجمه: «هیچ کس از شما نمیرد، مگر اینکه گمانش نسبت به الله نیکو باشد».

در این عبادت فرمانبرداری از دستور الله و اثبات عبودیت و بندگی او میباشد و برای بنده آنچه به پروردگار خویش گمان کند؛ می رسد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ حِينَ يَذْكُرُنِي**» (متفق علیه)[۳]، ترجمه: «من با بنده ام بر اساس گمانی که به من دارد، رفتار می نمایم و هنگامی که مرا یاد می کند، من با او هستم».

---

(۱) صحیح بخاری (٦/٧٣) رقم حدیث: (٤٦٨٤)، صحیح مسلم (٣/٧٧) رقم حدیث: (٩٩٣).

(۲) صحیح مسلم (٨/١٦٥) رقم حدیث: (٢٨٧٧).

(۳) صحیح بخاری (٩/١٢١) برقم: (٧٤٠٥)، صحیح مسلم (٨/٦٢) رقم حدیث: (٢٦٧٥).

عبدالله بن مسعود ﷺ می گوید: «هیچ بنده ای به الله حسن ظن ندارد، مگر اینکه الله متعال به او به اندازه گمانش عطا می کند، زیرا همه خوبیها بدست او سبحانه می باشد»[۱].

و اگر به بنده حسن ظن به الله داده شد؛ پس در واقع الله متعال دروازه خیر بزرگی در دین برای او گشوده است، عبدالله بن مسعود ﷺ می گوید: «قسم به ذاتی که هیچ معبود بحقی جز او نیست! هیچ بنده ایی نعمتی بهتر از حسن ظن به الله داده نشده»[۲].

و اعمال مردم به اندازه گمانشان به پروردگار می باشد، اما مؤمن پس گمانش را به الله نیکو نمود و اعمالش را نیکو گردانید و اما کافر گمانش به الله بد بود؛ پس اعمالش را بد نمود.

و خوبی اسلام و کمال ایمان در این عبادت است و آن راه ورود به بهشت برای صاحب این عبادت می باشد، حسن ظن یک عبادت قلبی است که سبب توکل بر الله و اعتماد نمودن به او می شود، امام ابن قیم ﷺ می گوید: «به اندازه حسن ظن و امید به پروردگارت، توکلت به او می باشد، بهمین خاطر برخی توکل را به حسن ظن به الله متعال تعبیر نمودند در واقع: حسن ظن به الله به توکل دعوت می کند؛ زیرا توکل در وجود کسی که به الله بدگمان است تصور نمی شود و کسی که امیدوار او نیست، توکل ندارد»[۳].

---

(۱) الترغيب والترهيب (١٣٦/٤).

(۲) حسن الظن بالله ﷻ (٣٣٣/٢).

(۳) مدارج السالكين (١٢١/٢).

از جمله آثار این عبادت: آرامش قلب، روی آوردن به الله متعال، توبه نمودن و هیچ شرح صدری – بعد از ایمان – از اعتماد و امید به الله وجود ندارد، در آن ویژگی است که به فال نیک دعوت می دهد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**لَا عَدْوَى، وَلَا طِيَرَةَ، وَيُعْجِبُنِي الفَأْلُ**» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «هیچ مرضی در واقع از خودش واگیر نیست و هیچ شگون بدی حقیقت ندارد، من فال نیک را دوست دارم».

حلیمی رحمه الله می گوید: «بدفالی: بدگمانی به الله متعال است و فال نیک: حسن ظن به الله است»[۲].

حسن ظن بهترین کمک برای کرم و تنومندی است به صاحبش قوت میبخشد، ابو عبدالله ساجی رحمه الله می گوید: «هر کس به الله اعتماد نمود؛ رزق خویش را محفوظ نمود و توکل بهترین توشه و استعداد است»[۳].

به سلمه بن دینار رحمه الله گفته شد: ای ابو حازم! سرمایه تو چیست؟ فرمود: اعتماد به الله و نا امیدی از آنچه در دست مردم است»[۴].

هر کس که گمانش به پروردگارش نیکو باشد، نفس و مال خویش را میبخشد، با یقین به این فرموده الله متعال: ﴿وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ﴾[۵]، ترجمه: «و هر آنچه (در راه الله) انفاق کنید، از هر چیز که باشد پس الله متعال عوضش را خواهد داد».

---

(۱) صحیح بخاری (۱۲۱/۹) برقم: (۷٤۰٥)، صحیح مسلم (٦۲/۸) رقم حدیث: (۲٦۷٥).

(۲) فتح المجید شرح کتاب التوحید (ص:۳۱۱).

(۳) حلیة الأولیاء (۳۱۰/۹).

(٤) الطبقات الکبری (٤۲۱/٥).

(٥) سوره سبأ:۳۹.

ابو سلیمان دارانی رحمه الله می گوید: «هر کس در رزقش به الله اعتماد کند، در خوش اخلاقی او افزوده شود، و به دنبال آن بردباری می آید و نفس او در انفاق نمودن آن سخاوتمند می گردد و وسوسه هایش در نماز کم می شوند»[1].

و او به امید آنچه نزد الله است و با اعتماد به وعده هایش و اعمال نیک و با امید به فضل او برنده است، همانگونه که در این فرموده آمده: ﴿وَمَا يَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَلَن يُكۡفَرُوهُۗ﴾[2]، ترجمه: «آنچه از اعمال نیک انجام دهند، از ثواب آن محروم نمی گردند».

و الله متعال با بندگانش به اندازه گمانشان بر خورد می کند و پاداش آنها به مثل اعمالشان می باشد، پس هر کس به او گمان نیک داشته، برایش همان گمان نیکش حاصل می شود، و هر کس غیر از این گمان کند، قطعا زیان دیده، پیامبر ﷺ فرمودند: «**قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي؛ فَلْيَظُنَّ بِي مَا شَاءَ، إِنْ ظَنَّ خَيْراً فَلَهُ، وَإِنْ ظَنَّ شَرّاً فَلَهُ**» (روایت احمد)[3]، ترجمه: «الله عز وجل میفرماید: من نزد گمان بنده خویش در حق خود هستم، هر گمانی می خواهد بکند، اگر گمان خوبی برد بهره ی خود را برده و اگر گمان بدی برده پس بهره ی خود را از آن گرفته است».

و اگر بنده به الله حسن ظن داشته باشد، پس الله متعال او را هرگز نا امید نمی کند و کسی که به الله حسن ظن داشته باشد روز قیامت می گوید: ﴿هَآؤُمُ ٱقۡرَءُواْ كِتَٰبِيَهۡ ۞ إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَٰقٍ حِسَابِيَهۡ ۞ فَهُوَ فِي عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ ۞ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٖ﴾[4]،

---

(۱) طبقات المحدثين بأصبهان (٦١٢/٣).

(۲) سوره آل عمران:١١٥.

(۳) مسند احمد (٣٧٥٥/٧) رقم حديث: (١٧٢٥٣).

(٤) سوره الحاقة:١٩.

ترجمه: «بیایید نامه اعمال مرا بخوانید، من یقین داشتم که حساب خود را خواهم دید، پس او در یک زندگی پسندیده و خوش خواهد بود، در بهشتی برین».

و سپس: ای مسلمانان:

الله متعال کریم و بزرگ و قوی و عظیم است، اگر چیزی اراده کند، به او می گوید: باش، پس می شود، به محافظت قرآن و یاری دینش وعده داده است و انجام (خوب) را برای پرهیزگاران قرار داده است و هر کس را بخواهد بیشمار رزق می دهد و غم و اندوه کسی را که به او پناه برد از بین می برد.

هر کس علم و معرفتش به الله زیاد باشد، یقینش به او زیاد می شود، و هر کس به او بد گمان است، در واقع سبب اصلیش جهل او به کمال نامهای نیکو و صفات او می باشد و این از ویژگی های زمان جاهلیت می باشد، الله سبحانه می فرماید: ﴿يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ ظَنَّ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِۖ﴾ [1]، ترجمه: «به الله گمانی باطل مانند گمان اهل جاهلیت (کفار) می کردند».

و از جمله ثمره های ایمان به اسماء و صفات الله متعال: حسن ظن به الله و اعتماد نمودن به او و سپردن همه ی کارها را به او می باشند.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ [2]، ترجمه: «به پروردگار، جهانیان چه گمان دارید».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید ...

---

(۱) سوره آل عمران: ۱۵٤.

(۲) سوره الصافات: ۸۷.

خطبه دوم

ستایش و شکر شایستهی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی میدهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیت و یارانش باد.

ای مسلمانان:

حقیقت حسن ظن به الله متعال در نیک بودن اعمال ظاهر می باشد و زمانی حسن ظن مفید است که اعمال نیک باشند و خوش گمان ترین انسانها به الله فرمانبردارترین آنها می باشد و هر اندازه گمان بنده به پروردگارش نیکو باشد، دقیقا همان اندازه اعمالش نیک می شوند، هر کس اعمالش بد باشد، گمانهایش به الله بد هستند و هر وقت حسن ظن به گناه نزدیک شود از مکر الله متعال ایمن می گردد و حسن ظن اگر صاحبش را به طاعت و عبادت تشویق نمود، پس او مفید است و اگر حسن ظن در قلبی کم باشد، در اعضاء بدن گناه ظاهر میشود.

سپس بدانید که الله متعال شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده...

خدشه وارد کنندگان به توحید[1]

همانا تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که الله متعال او را هدایت کند، پس هیچ کس نمی تواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید.

ای مسلمانان:

سعادت بنده در کمال بندگی و عبادتش برای الله متعال می باشد، و عبودیت و بندگی زمانی محقق می شود؛ که اعمال شخص خالصانه برای الله متعال و مطابق با هدی پیامبر ﷺ باشند و اگر بنده کار نیکی انجام بدهد اما خالصانه برای الله نباشد؛ عمل او هیچ و پوچ می باشد، الله تعالی می فرماید:

---

(۱) این خطبه در روز جمعه، ۲۸ ذوالقعدة، سال ۱٤۲٦ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا﴾[١]، ترجمه: «ما به سراغ تمام اعمالی که آنها انجام دادند می رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا میکنیم».

و اگر عملش را خالصانه برای الله متعال انجام بدهد، اما مطابق با هدی و سنت پیامبر ﷺ نباشد؛ عملش مردود می باشد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ عَمِلَ عَمَلاً لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا؛ فَهُوَ رَدٌّ**» (روایت مسلم)[٢]، ترجمه: «هر کس کاری کند که برابر دستور ما نباشد، آن کار مردود است».

و اگر عملش خالصانه و مطابق هدی نبوی باشد، در این صورت عملش مقبول و تقدیر شده می باشد، الله سبحانه می فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتۡ لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلۡفِرۡدَوۡسِ نُزُلًا﴾[٣]، ترجمه: «به درستی کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند؛ باغهای فردوس منزلگاهشان است».

و دین اسلام بر نفی و اثبات پایه گذاری شده است و اسلام شخص جز با هر دو صحیح نمی باشد، برائت از معبودان باطل و از پیروان آنها، و اثبات عبودیت فقط برای الله متعال، الله ﷻ می فرماید: ﴿فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾[٤]،

---

(١) سوره الفرقان:٢٣.

(٢) صحیح مسلم (١٣٢/٥) رقم حدیث: (١٧١٨).

(٣) سوره الکهف:١٠٧.

(٤) سوره البقرة:٢٥٦.

ترجمه: «پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد، و به الله ایمان بیاورد، به راستی که به دستاویز محکمی چنگ زده است که گسستنی نیست و الله شنوای، داناست».

و پیامبر فرمودند: «**مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَكَفَرَ بِمَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ حَرُمَ مَالُهُ وَدَمُهُ، وَحِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ** ﷻ» (روایت مسلم)[١]، ترجمه: «هر کس «لا اله الا الله» بگوید و به آنچه جز الله پرستش می شوند؛ کافر شود، مال و خونش حرام می شود و حساب (باطن او) با الله ﷻ است».

و بزرگترین دستور در اسلام دستور به توحید می باشد و بزرگترین نهی در آن، نهی از ضد آن یعنی شرک می باشد، پیامبر ﷺ سوال شد: «**أَيُّ الذَّنْبِ أَعْظَمُ؟ قَالَ: أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدّاً وَهُوَ خَلَقَكَ**» (متفق علیه)[٢]، ترجمه: «کدام گناه بزرگتر است؟ فرمودند: اینکه برای الله متعال شریکی قرار دهی، در حالی که او تو را آفریده است».

و دعوت همه ی پیامبران در دستور دادن اقوام خویش به یگانه دانستن الله در عبادت و هشدار آنها از شرک یا اطراف شرک قرار گرفتن؛ متفق بوده است، الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَۖ﴾[٣]، ترجمه: «و یقینا ما در میان هر امتی پیامبری فرستادیم، که فقط الله را بپرستید، و از طاغوت اجتناب کنید».

---

(١) صحیح مسلم (١/٣٩) رقم حدیث: (٢٣).

(٢) صحیح بخاری (٨/١٦٤) برقم: (٦٨١١)، صحیح مسلم (١/٦٣) رقم حدیث: (٨٦).

(٣) سوره النحل:٣٦.

و هر کس عبادت الله ﷻ را آنگونه که دستور داده است لازم بگیرد؛ نفس و مال و فرزند و منزلش در امان می باشند و در قبر و روز محشر و روز حساب در امان می شود، الله سبحانه می فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمۡ يَلۡبِسُوٓاْ إِيمَٰنَهُم بِظُلۡمٍ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡأَمۡنُ وَهُم مُّهۡتَدُونَ﴾[1]، ترجمه: «آنان که ایمان آوردند و ایمان خود را به شرک آلوده نکردند، آنها برایشان امن است، و آنها هدایت شدگانند».

توحید خالص گناهان را از بین می برد و اشتباهات را پاک می کند و مانع ورود جهنم میشود، پیامبر ﷺ فرمودند: «**فَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ**» (متفق علیه)[2]، ترجمه: «الله متعال آتش دوزخ را بر کسی که (لا اله الا الله) را بخاطر خشنودی الله بگوید، حرام کرده است».

هر کس توحید واجب و مستحب را محقق نمود، بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شود، پیامبر ﷺ از اوصاف آنها خبر داده است، فرمودند: «**هُمُ الَّذِينَ لا يَسْتَرْقُونَ، وَلا يَتَطَيَّرُونَ، وَلا يَكْتَوُونَ، وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ**» (متفق علیه)[3]، ترجمه: «آنها کسانی هستند که تعویذ و افسون نمی گیرند، و فال نمی گیرند، داغ نمی کنند و به پروردگارشان، توکل می نمایند».

پس قلبهایشان به الله متعال وابسته است و امورشان را به او سپرده اند.

عواقب شرک خطرناک می باشد، اعمال را باطل و رب العالمین را ناراض می کند، الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَقَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ لَئِنۡ

(١) سوره الأنعام:٨٢.
(٢) صحیح بخاری (١٣٤/٧) رقم حدیث: (٥٧٥٢)، صحیح مسلم (١٣٧/١) رقم حدیث: (٢١٨).
(٣) صحیح بخاری (١٣٤/٧) رقم حدیث: (٥٧٥٢)، صحیح مسلم (١٣٧/١) رقم حدیث: (٢١٨).

أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَاسِرِينَ﴾[(١)]، ترجمه: «و براستی به تو و به کسانی که پیش از تو بودند، وحی شد که اگر شرک بورزی، یقینا اعمالت نابود شده و از زیانکاران خواهی شد».

و پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نِدّاً؛ دَخَلَ النَّارَ**» (روایت بخاری)[(٢)]، ترجمه: «هر کسی که بمیرد در حالیکه غیر از الله یکتا را دعا می کند و برای الله همتا و مانندی قرار می دهد به آتش جهنم داخل می شود».

بلکه این عملش ماندگاریش را در جهنم لازم می گرداند، چنانچه الله سبحانه می فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِۦ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ﴾[(٣)]، ترجمه: «قطعا الله متعال گناه کسانی را که به او شرک آورند؛ نمی آمرزد، و گناهان، دیگر را برای هر کس بخواهد می آمرزد».

و از آنجاییکه شرک هلاکت شخص را در دنیا و آخرت لازم می کند، ابراهیم خلیل علیه السلام دعا نمودند؛ که الله متعال او را از آن محفوظ کند: ﴿وَٱجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعْبُدَ ٱلْأَصْنَامَ﴾[(٤)]، ترجمه: «من و فرزندانم را از پرستش بت ها محفوظ بگردان».

ابراهیم تیمی رحمه الله می گوید: «چه کسی به شرک بعد از ابراهیم علیه السلام از نفس خویش در امان است».

---

(١) سوره الزمر:٦٥.

(٢) صحیح بخاری (٢٣/٦) رقم حدیث: (٤٤٩٧).

(٣) سوره النساء:١١٦.

(٤) سوره إبراهيم:٣٥.

و بهترین چیزی که دعوتگر بدان دعوت می دهد کلمه توحید و مدلولاتش می باشند، پیامبر ﷺ به معاذ رضی الله عنه فرمودند: «**إِنَّكَ تَأْتِي قَوْماً مِنْ أَهْلِ الكِتَابِ، فَادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» (متفق علیه)[1]، ترجمه: «تو نزد قومی از اهل کتاب می روی؛ از آنها بخواه تا شهادت دهند: که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال وجود ندارد».

و هر کس غیر از الله را صدا زند، به نفس خویش ستم نموده است، الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَا تَدۡعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَۖ فَإِن فَعَلۡتَ فَإِنَّكَ إِذٗا مِّنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾[2]، ترجمه: «و به غیر از الله کسی را مخوان که سودی به تو نمی بخشد و زیانی به تو نمی رساند، اگر چنین کنی از ستمکاران و مشرکان خواهی شد».

هر کس پیش بتی زانو زد یا برای قبری سرخم نمود، و از او امید سود و فائده ای داشت، پس او چیز محالی طلب نموده و سراب را آب پنداشته است، الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّن يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن لَّا يَسۡتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَهُمۡ عَن دُعَآئِهِمۡ غَٰفِلُونَ ۞ وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُواْ لَهُمۡ أَعۡدَآءٗ وَكَانُواْ بِعِبَادَتِهِمۡ كَٰفِرِينَ﴾[3]، ترجمه: «و چه کسی گمراه تر از کسی است که به جز الله چیزی را به فریاد بخواند و پرستش کند، که تا روز قیامت به او جواب نمی دهد و آنان از

---

(۱) صحیح بخاری (۱٦۲/۵) رقم حدیث: (٤۳٤۷)، صحیح مسلم (۳۷/۱) رقم حدیث: (۱۹).

(۲) سوره یونس:۱۰٦.

(۳) سوره الأحقاف:۵-٦.

فریادخوانان غافل و بی خبرند و چون در قیامت مردم حشر شوند، آنان با عبادت کنندگان و فریادخواهندگان خویش دشمن باشند و عبادتشان را انکار کنند».

و صدا زدن مردگان و از آنها طلب حاجت نمودن؛ صدایست که شنیده نمیشود، و مشکلاتی هستند که برآورده نمی شوند، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمۡلِكُونَ مِن قِطۡمِيرٍ * إِن تَدۡعُوهُمۡ لَا يَسۡمَعُواْ دُعَآءَكُمۡ وَلَوۡ سَمِعُواْ مَا ٱسۡتَجَابُواْ لَكُمۡۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكۡفُرُونَ بِشِرۡكِكُمۡۚ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثۡلُ خَبِيرٍ﴾[۱]، ترجمه: «و کسانی را که به جای او می‌خوانید پوست نازک هسته ی خرما را مالک نیستند و اگر آنها را بخوانید، صدایتان را نمی شنوند و اگر بشنوند، پاسختان نگویند و روز قیامت شرک شما را انکار می کنند و هیچ کس مانند الله آگاه خبردارت نمی کند».

و زیاده روی و غلو در مردگان و نیاکان سبب کفر بنی آدم و ترک دینشان گردیده است، در حالی که پیامبر ﷺ از آن در این فرموده اش برحذر داشته است: «**إِيَّاكُمْ وَالغُلُوَّ فِي الدِّينِ؛ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمُ الغُلُوُّ فِي الدِّينِ**» (روایت نسائی)[۲]، ترجمه: «از غلو و افراط بپرهیزید؛ همانا غلو در دین کسانی که قبل شما بودند را هلاک کرد».

و بدترین مخلوقات کسانی هستند که بر قبور معتکف شوند و آنها را به جای الله صدا زنند، پیامبر ﷺ به ام المومنین ام سلمه رضی الله عنها فرمودند: «**أُولَئِكَ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ – أَوِ: العَبْدُ الصَّالِحُ – بَنَوْا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِداً،**

---

(۱) سوره فاطر:۱۳-۱٤.

(۲) سنن نسائی (۱/٦۰۲) رقم حدیث: (۳۰٥۷).

وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكِ الصُّوَرَ، أُولَئِكِ شِرَارُ الخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «اینها قومی هستند که هرگاه بنده یا مرد صالحی از میانشان فوت می کرد؛ بر قبر او مسجدی می ساختند و این تصویرها را در آن می کشیدند؛ اینها نزد الله بدترین مخلوقات هستند».

و سحر نور ایمان را خاموش و اساس اسلام را منهدم می کند، الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖۚ﴾[۲]، ترجمه: «یقینا می دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد؛ بهره ای در آخرت نخواهد داشت».

رفتن پیش کاهنان فسادی در دین و نقص در عقل می باشد، الله سبحانه می فرماید: ﴿قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ﴾[۳]، ترجمه: «بگو در آسمانها و زمین جز الله هیچ کس علم غیب را نمی داند».

و پیامبر ﷺ می فرماید: «**مَنْ أَتَى كَاهِناً أَوْ عَرَّافاً، فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ؛ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ**» (روایت احمد)[٤]، ترجمه: «هر کس نزد کاهن یا غیبگویی برود و او را تصدیق نماید قطعا به آنچه بر محمد ﷺ نازل شده کفر ورزیده است».

و تعویذات - از قبیل حلقه ها و بندها و صدفها و مانند آنها - پوشنده را جز سستی و ضعف در توکل بر الله متعال نمی افزایند، «**رَأَى النَّبِيُّ ﷺ رَجُلاً فِي**

---

(۱) صحیح بخاری (۱/٩٤) رقم حدیث: (٤٣٤)، صحیح مسلم (۲/٦٦) رقم حدیث: (٥۲۸).

(۲) سوره البقرة:۱۰۲.

(۳) سوره النمل:٦٥.

(٤) مسند احمد (۲/۱۹۹٦) رقم حدیث: (۹٦٦۷).

يَدِهِ حَلْقَةً مِنْ صُفْرٍ، فَقَالَ: وَيْحَكَ مَا هَذِهِ؟ قَالَ: مِنَ الْوَاهِنَةِ، قَالَ: أَمَا إِنَّهَا لَا تَزِيدُكَ إِلَّا وَهْناً؛ انْبِذْهَا عَنْكَ، فَإِنَّكَ لَوْ مُتَّ وَهِيَ عَلَيْكَ مَا أَفْلَحْتَ أَبَداً» (روایت احمد)[۱]، ترجمه: «پیامبر ﷺ انگشتری زرد رنگی در دست مردی دید، پرسید: وای بر تو این چیست؟ مرد گفت: این برای واهنه است (یعنی بیماری ناتوانی جسم) رسول الله ﷺ فرمودند: آنرا در بیار زیرا فایده ای جز اینکه ناتوانی تو را افزایش می دهد، نخواهد داشت، و اگر در حالی بمیری که آنرا پوشیده ای، هرگز رستگار نخواهی شد».

و پوشیدن تعویذ شرک به الله متعال می باشد، پیامبر ﷺ می فرماید: «**مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً؛ فَقَدْ أَشْرَكَ**» (روایت احمد)[۲]، ترجمه: «هرکس تعویذی به خود آویزان کند شرک نموده است».

و هر کس چیزی به خود آویزان کند الله متعال او را به آن می سپارد، پس هلاک می شود، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ تَعَلَّقَ شَيْئاً؛ وُكِلَ إِلَيْهِ**» (روایت ترمذی)[۳]، ترجمه: «هرکس چیزی به خود آویزان کند؛ به آن سپرده می شود».

از درختها و سنگها امید برکت نداشته باشید و نه به واسطه ی آنها برکت حاصل می شود، بلکه آنها از مخلوقات الله می باشند، که سود و زیانی نمی رسانند.

و ریختن خون به نیت عبادت و ثواب جز برای الله درست نیست، و هر کس برای غیر الله متعال ذبح نماید در ورطه ی شرک قرار می گیرد، پیامبر ﷺ

---

(۱) مسند احمد (۴۶۰۸/۸) رقم حدیث: (۲۰۳۱۹).

(۲) مسند احمد (۳۸۸۰/۷) رقم حدیث: (۱۷۶۲۸).

(۳) جامع ترمذی (۵۸۵/۳) رقم حدیث: (۲۲۲۶).

فرمودند: «**لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ**» (روایت مسلم)[۱]، ترجمه: «اللّٰه لعنت نموده کسی را که برای غیر اللّٰه ذبح کند».

و نذر عبادتی است که برای غیر اللّٰه متعال صرف نمی شود، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ نَذَرَ أَنْ يُطِيعَ اللَّهَ؛ فَلْيُطِعْهُ، وَمَنْ نَذَرَ أَنْ يَعْصِيَهُ؛ فَلَا يَعْصِهِ**» (روایت بخاری)[۲]، ترجمه: «هرکس نذر کرد که از اللّٰه اطا عت کند؛ پس از او اطاعت نماید، و هرکس نذر کرد که از او نافرمانی کند؛ پس نافرمانی نکند».

و هر کس از اللّٰه متعال طلب پناه نمود؛ او را پناه می دهد و هر کس به غیر او پناه برد؛ اللّٰه متعال او را به او واگذار می کند، پیامبر ﷺ می فرماید: «**مَنْ نَزَلَ مَنْزِلاً، ثُمَّ قَالَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ؛ لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ حَتَّى يَرْتَحِلَ مِنْ مَنْزِلِهِ ذَلِكَ**» (روایت مسلم)[۳]، ترجمه: «هر کس جایی فرود آمد، سپس گفت: «أعوذ بکلمات اللّٰه التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» پناه می جویم به کلمات تامه ی اللّٰه از شر آنچه آفریده است، چیزی به او گزند نمی رساند، تا از آن منزل کوچ کند».

و اگر تمام مصیبتهای زمان و سختی های روزگار بر تو وارد شدند؛ از غیر اللّٰه طلب مدد و یاری مکن و غیر از او را صدا نزن، برای مرده ای که در قبر است یا استخوانهای پوکیده در لحد؛ سرخم نکن و هدف و آرزوی خود را به ذاتی که بالای آسمانهاست مطرح کن؛ زیرا آنجا دعاها اجابت می شوند، ﴿أَمَّن

(۱) صحیح مسلم (۸۵/٦) رقم حدیث: (۱۹۷۸).

(۲) صحیح بخاری (۱٤۲/۸) رقم حدیث: (٦٦۹٦).

(۳) صحیح مسلم (۷٦/۸) رقم حدیث: (۲۷۰۸).

يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾[۱]، ترجمه: «چه کسی به فریاد درمانده می رسد هر گاه او را به کمک بخواهد».

و هیچ راه فرار از آزمایش و ابتلاء او نیست، ﴿أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتۡرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمۡ لَا يُفۡتَنُونَ﴾[۲]، ترجمه: «آیا مردم گمان برده اند که اگر بگویند: ایمان آورده ایم، رها می شوند، و آنها مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟!».

و اگر به تو مصیبتی رسید آن را با خشنودی و تسلیم شدن به تقدیر خویش مقابله کن، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥ﴾[۳]، ترجمه: «هر کس به الله ایمان بیاورد، الله قلبش را هدایت می کند».

علقمه رحمه الله در تفسیر آیه می گوید: «او مردی است که به او مصیبتی رسیده، پس می داند که از نزد الله است، پس به آن راضی می شود و تسلیم آن می شود»[٤].

برای چیزی که برای تو نوشته نشده؛ اندوهگین مباش؛ زیرا اندوه آن را از بین نمی برد و از پشیمانی عدم احتیاط قبل از صورت گرفتن تقدیر و سرنوشت از استفاده کلمه لو بر حذر باش؛ زیرا این کلمه از شیطان است، پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «**احْرِصْ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ، وَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ، وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ: لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَانَ كَذَا وَكَذَا، وَلَكِنْ قُلْ: قَدَّرَ اللَّهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ؛ فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ**

---

(۱) سوره النمل:٦٢.

(۲) سوره العنكبوت:۲.

(۳) سوره التغابن:۱۱.

(٤) جامع البيان في تأويل القرآن (٢٣/٤٢١).

عَمَلَ الشَّيْطَانِ» (روایت مسلم)[1]، ترجمه: «بر چیزی که برایت مفید است حریص باش، و از الله متعال یاری بخواه، و ناتوان مشو، و اگر دچار بلا و مصیبتی شدی مگو: اگر چنین می کردم، چنین می شد، بلکه بگو: هر آنچه الله خواسته همان خواهد شد، زیرا اگر گفتن او راه را برای شیطان می گشاید».

امورت را به الله متعال بسپار، هرگز جز چیزی که برای تو نوشته شده نصیبت نمی شود، ﴿قُل لَّن يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا﴾[2]، ترجمه: «بگو: هرگز به ما چیزی نمی رسد، جز آنچه الله متعال برایمان مقرر نموده است».

قال عبادة بن صامت رضی الله عنه لابنه: «يَا بُنَيَّ! إِنَّكَ لَنْ تَجِدَ طَعْمَ الإِيمَانِ حَتَّى تَعْلَمُ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَمَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ»[3]، ترجمه: عباده بن صامت رضی الله عنه خطاب به فرزندش گفت: «ای پسرم! هرگز طعم ایمان را نمی یابی تا زمانی که بدانی آنچه به تو رسیده هرگز احتمال خطا و اشتباه نبوده و آنچه به تو نرسیده هرگز احتمال رسیدن به تو نبوده است».

فقط اعتماد بر اسباب با قلب و اعضای بدن؛ نقصی در توحید می باشد و تعطیل اسباب عاجزی است، بلکه لازم این است که اسباب مباح استفاده شوند با این وجود که قلب وابسته به الله متعال باشد.

و با توکل نمودن به الله سبحانه سختی ها آسان می شوند و رزق و روزی زیاد می شود و سختی ها از بین می روند.

---

(۱) صحیح مسلم (۸/۵٦) رقم حدیث: (۲٦٦٤).

(۲) سوره التوبة: ۵۱.

(۳) سنن ابوداود (٤/۳٦۲) رقم حدیث: (٤۷۰۰).

و در امان بودن از مکر الله غروری بیش نیست، الله سبحانه می فرماید: ﴿أَفَأَمِنُواْ مَكۡرَ ٱللَّهِۚ فَلَا يَأۡمَنُ مَكۡرَ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ﴾[1]، ترجمه: «آیا پنداشتند که از مکر الله در امانند؟ از مکر الله جز زیانکاران ایمن نمی گردند».

و نا امیدی از رحمت الله نا امیدی واقعی است، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَمَن يَقۡنَطُ مِن رَّحۡمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ﴾[2]، ترجمه: «و چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش مایوس می شود».

و جمع بین امید و ترس با محبت راه و روش منصفانه می باشد.

و شرک دروازه های مخفی دارد، شیطان نهایت تلاش خود را بکار می برد که بندگان از آنها وارد شوند، پیامبر ﷺ فرمودند: «**أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي: الشِّرْكُ الأَصْغَرُ، فَسُئِلَ عَنْهُ، فَقَالَ: الرِّيَاءُ**» (روایت احمد)[3]، ترجمه: «بیشترین چیزی که از آن بر امت خویش بیم دارم: شرک اصغر است؛ پرسیده شد: شرک اصغر چیست؟ فرمودند: «ریا کاری».

و ریا مرض عاملان می باشد عمل نیک را فاسد و پروردگار را خشمگین می کند و ریا برای نیاکان از دجال خطرناکتر است، پیامبر ﷺ فرمودند: «**أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا هُوَ أَخْوَفُ عَلَيْكُمْ عِنْدِي مِنَ المَسِيحِ الدَّجَّالِ؟ قَالَ: قُلْنَا: بَلَى، فَقَالَ: الشِّرْكُ الخَفِيُّ؛ أَنْ يَقُومَ الرَّجُلُ يُصَلِّي، فَيُزَيِّنُ صَلَاتَهُ لِمَا يَرَى مِنْ نَظَرِ**

---

(۱) سوره الأعراف:۹۹.

(۲) سوره الحجر:۵۶.

(۳) مسند احمد (۵۶۲۸/۱۰) رقم حدیث: (۲۴۱۲۶).

رَجُلٍ» (روایت ابن ماجه)[۱]، ترجمه: «آیا شما را از آن چه در نزدم ترسناک تر از مسیح دجال است خبر ندهم؟ گفتند: بله ای رسول الله! پس فرمودند: «شرک پنهانی و آن اینست که شخص نماز بگذارد و نمازش را برای شخصی که به او می نگرد زیبا سازد».

پاداش اعمال نیک را باید فقط از الله متعال امیدوار شد و نباید هدف از آن زینت دنیا باشد و هر کس قلبش را بخاطر کار نیکش به زینت دنیا وابسته نمود عملش ضایع و در آخرت از ریاکاران می باشد، الله سبحانه می فرماید: ﴿مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيۡهِمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فِيهَا وَهُمۡ فِيهَا لَا يُبۡخَسُونَ ۞ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَيۡسَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا ٱلنَّارُۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾[۲]، ترجمه: «کسانی که زندگانی دنیا و زینت آن را بخواهند، اعمالشان را در این جهان تمام و کمال به آنها می دهیم و آنها در آنجا کاستی نبینند، ایشان کسانی اند که در آخرت جز آتش بهره ای ندارند و آنچه در دنیا کرده بودند ضایع و به هدر می رود، و کارهایشان پوچ و باطل است».

هیچ کسی نزد مسلمان از الله متعال محبوب تر نیست و هیچ چیزی در قلبش از الله متعال گرامی تر نیست، پس او در قلبش عظیم و در درونش بزرگ و در دوستی او راستگویی، جز با نام او سوگند نمی خورد و سوگند به غیر او سبحانه - مانند کعبه و پیامبر و امانت و ولی - شرک در توحید می باشد،

---

(۱) سنن ابن ماجه (۵/۲۹۱) رقم حدیث: (٤۲۰٤).

(۲) سوره هود:۱۵-۱٦.

پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ؛ فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ**» (روایت ترمذی)[۱]، ترجمه: «هر کس به غیر الله سوگند بخورد، قطعا کفر ورزیده یا شرک کرده است».

و زیاد سوگند خوردن با تعظیم و احترام الله متعال در قلب ها منافات و تضاد دارد، پس حتی اگر راستگو باشی در قسم خوردن مراعات کن، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَٱحۡفَظُوٓاْ أَيۡمَٰنَكُمۡۚ﴾[۲]، ترجمه: «سوگند های خود را حفظ کنید».

و از سوگند دروغین شدیدا بپرهیز؛ زیرا سوگند غموس نامیده می شود.

و از جمله تعظیم الله: تصدیق نمودن کسی که به الله سوگند می خورد - اگرچه شنونده دروغ سوگند خورنده را بداند - می باشد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**لَا تَحْلِفُوا بِآبَائِكُمْ، مَنْ حَلَفَ بِاللَّهِ فَلْيَصْدُقْ، وَمَنْ حُلِفَ لَهُ بِاللَّهِ فَلْيَرْضَ، وَمَنْ لَمْ يَرْضَ بِاللَّهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ**» (روایت ابن ماجه)[۳]، ترجمه: «به پدرانتان سوگند نخورید و هر کس به نام الله سوگند یاد می کند، باید راست بگوید، و برای هر کس به نام الله سوگند یاد شد؛ باید بپذیرد و کسی که به سوگند نام الله راضی نشود از مقربین درگاه الله نیست».

و از جمله گرامی داشتن الله است: اگر شخصی از تو با نام الله سؤال نمود آن را دست خالی برنگردانی، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنِ اسْتَعَاذَ بِاللَّهِ فَأَعِيذُوهُ، وَمَنْ سَأَلَ بِاللَّهِ فَأَعْطُوهُ، وَمَنْ دَعَاكُمْ فَأَجِيبُوهُ**» (روایت ابوداود)[۴]، ترجمه: «اگر

---

(۱) جامع ترمذی (۳/۱۹٤) رقم حدیث: (۱۵۳۵).

(۲) سوره المائدة:۸۹.

(۳) سنن ابن ماجه (۳/۲٤۰) رقم حدیث: (۲۱۰۱).

(٤) سنن ابوداود (۲/۵۲) رقم حدیث: (۱٦۷۲).

کسی با نام الله از شما پناه خواست، او را پناه دهید و اگر کسی با نام الله از شما چیزی طلبید، پس به او بدهید و اگر کسی شما را دعوت نمود، دعوتش را قبول کنید».

بد گفتن زمانه یا تغیر جو - از گرمی و سردی - آزار و اذیت پروردگار جهانیان است، پیامبر ﷺ فرمودند: «**قَالَ اللَّهُ ﷻ: يُؤْذِينِي ابْنُ آدَمَ، يَسُبُّ الدَّهْرَ، وَأَنَا الدَّهْرُ؛ بِيَدِي الأَمْرُ، أُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ**» (روایت بخاری)[1]، ترجمه: «الله ﷻ فرموده: فرزند آدم مرا اذیت میکند، روزگار را دشنام میدهد در حالیکه من خالق روزگارم و فرمان در دست من است، شب و روز را من می چرخانم».

و بخاطر گرامی داشتن دین، آسمان و زمین قائم شدند و بهشت و جهنم آماده شده اند و مسخره نمودن دین یا احکامش یا اهلش آنهایی که به دین متمسک هستند؛ شخص را از اسلام خارج می کند، الله ﷻ می فرماید: ﴿وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ ۚ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ۞ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ۚ﴾[2]، ترجمه: «اگر از آنها بپرسی که چه می کردید؟ می گویند: ما با هم شوخی می نمودیم و بازی می کردیم بگو: آیا با الله و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟ عذر نیاورید پس یقینا شما بعد از ایمانتان، کافر شدید».

و به الله گمان بد مکن؛ از مستحق بودنتان بیشتر از آن داده شده اید، یا نعمتی را که در دست دیگران است و الله به آنها عطا نموده را حقیر کنی و این

---

(۱) صحیح بخاری (۱۳۳/٦) رقم حدیث: (٤٨٢٦).

(۲) سوره التوبة:٦٥-٦٦.

گمان جاهلیت است، پس هر چه در این هستی است به دستور و حکمت الله متعال می باشد، الله تعالی می فرماید: ﴿يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ ظَنَّ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ ٱلۡأَمۡرِ مِن شَيۡءٖۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡأَمۡرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِۗ﴾[1]، ترجمه: «آنها درباره الله گمانهای نادرست همانند گمانهای دوران جاهلیت داشتند و می گفتند: آیا ممکن است با این وضع دلخراشی که می بینیم پیروزی نصیب ما بشود؟ بگو: همه کارها به دست الله است».

و تصویر و عکس برداری از گناهان کبیره است و صاحب آن به آتش جهنم تهدید شده است، پیامبر ﷺ فرمودند: «**كُلُّ مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ، يُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ صُورَةٍ صَوَّرَهَا نَفْسٌ، يُعَذِّبُ بِهَا فِي جَهَنَّمَ**» (متفق علیه)[2]، ترجمه: «هر تصویر گری در آتش است، و به ازای هر تصویر که کشیده نفسی قرار می دهد که او را در جهنم عذاب دهد».

و قدر الله متعال را بدان، پس او در ملکش عظیم است، بالای عرش خویش است، در تشریعاتش با حکمت است، پس بر آنچه بر شما فرض گردانیده از نمازهای فرض در سر وقت ادا کردنشان محافظت کن و از کوتاهی در آن برحذر باش زیرا نماز ستون دین است، پیامبر ﷺ فرمودند: «**العَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ؛ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ**» (روایت ترمذی)[3]، ترجمه: «پیمان بین ما و آنها نماز است، کسی که آن را ترك کند کافر شود».

---

(۱) سوره آل عمران: ۱۵٤.

(۲) صحیح بخاری (۹/٤۲) رقم حدیث: (۷۰٤۲)، صحیح مسلم (٦/١٦١) رقم حدیث: (۲۱۱۰).

(۳) جامع ترمذی (٤/٣٦٥) رقم حدیث: (٢٦٢١).

و در همه حالات خویش فقط به الله روی بیار؛ اعمالت درست می شوند.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ﴾[1]، ترجمه: «بگو: نماز و قربانی و زندگی و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است، شریکی ندارد به من چنین امر شده است، و من از نخستین مسلمانانم».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

(۱) سوره الأنعام:۱۶۲-۱۶۳.

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیت و یارانش باد.

اما بعد: ای مسلمانان:

دین با ارزش ترین چیزی است که مالک آن هستی، پس دینت را با دوری از فتنه ها محافظت کن؛ زیرا فتنه ها قلب را می گیرند و شبهات و بدیها را جلب می کنند، پیامبر ﷺ فرمودند: «**وَمَن اسْتَشْرَفَ إِلَيْهَا** - أَيْ: تَطَلَّعَ إِلَيْهَا - **أَخَذَتْهُ**» (روایت بخاری)[۱]، ترجمه: «و هر کس که به سراغ فتنه برود، او را دامنگیر خواهد کرد».

و چشمهایت را از نگاه نامحرم محفوظ کن؛ زیرا این عمل تزکیه ای برای نفس و فرمانبرداری الله و بالا رفتن درجات می باشد، الله ﷻ می فرماید: ﴿قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنْ أَبْصَٰرِهِمْ وَيَحْفَظُواْ فُرُوجَهُمْۚ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْۚ﴾[۲]، ترجمه: «به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و پاکدامنی ورزند، این برایشان پاکیزه تر است».

زیبایی زن در پرده اش است، و جمالش در حجابش و زینتش در تمسک جستن به دینش می باشد، و زنان صحابه ش بهترین مثال در این زمینه می باشند،

---

(۱) صحیح بخاری (۹/۵۱) رقم حدیث: (۷۰۸۲)، لفظ بخاری: «مَنْ تَشَرَّفَ لَهَا تَسْتَشْرِفْهُ». مترجم.

(۲) سوره النور: ۳۰.

از آنها در حجاب و پوشش و حیایشان پیروی شود، الله سبحانه می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَۗ﴾[1]، ترجمه: «ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را، برخود فرو پوشند این مناسب تر است، تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند».

و شنیدن موسیقی از گناهانی است که قلب را تاریک و مانع شنیدن قرآن می باشد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**لَيَأْتِيَنَّ أَقْوَامٌ مِنْ أُمَّتِي يَسْتَحِلُّونَ الحِرَ** - أي: الزِّنا - **وَالحَرِيرَ، وَالخَمْرَ، وَالمَعَازِفَ**» (روایت بخاری)[2]، ترجمه: «در میان امت من افرادی پیدا خواهند شد که زنا، ابریشم، شراب و آلات موسیقی را حلال میدانند».

و بهترین چیزی که بنده آن را بشنود کلام پروردگار جهانیان است، در آن نور و هدایت و شفا وجود دارد.

و مال حلال؛ صلاح در دین و توانایی در جسم و هدایت فرزندان و برکت در بذل و بخشش و سبب پذیرش دعا و اقتدای به پیامبران می باشد، الله تعالی می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ﴾[3]، ترجمه: «ای پیامبران! از خوراکیهای پاکیزه و حلال بخورید، و عمل صالح انجام دهید».

و مال حرام بی برکت و مضر و پشیمان آور و سبب مردود شدن دعا میگردد.

سپس بدانید که الله متعال شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده...

---

(۱) سوره الأحزاب:۵۹.

(۲) صحیح بخاری (۱۰۶/۷) رقم حدیث: (۵۵۹۰)، لفظ بخاری: «لَيَكُونَنَّ مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامٌ». مترجم.

(۳) سوره المؤمنون:۵۱.

نامهای نیک الله متعال[1]

براستی که تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که الله متعال او را هدایت کند، هیچ کس نمی تواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پیشه سازید، هر کس از پروردگارش بترسد نجات یابد و هر کس از تقوای الله اعراض نماید هلاک شود.

ای مسلمانان:

شناخت الله متعال یکی از ارکان ایمان می باشد، بلکه از اساسیترین رکنها می باشد، و مابقی تابع او هستند، معرفت اسماء و صفات الله متعال برترین و واجب ترین چیزی است که قلبها آن را کسب می کند، و به نفسها می رسد، و

---

(۱) این خطبه در روز جمعه، ۲۳ شوال، سال ١٤٢٦ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

عقلها آن را درک می کنند، امام ابن قیم ﵀ می گوید: «پاکترین و بهترین چیزی که در دنیا وجود دارد، شناخت و محبت الله سبحانه می باشد»[۱].

کل قرآن به نگاه نمودن و تدبر کردن در صفات و افعال و اسمای الله متعال دعوت میدهد، شیخ الاسلام ابن تیمیه ﵀ می گوید: «ذکر و یاد اسماء و صفات و افعال الله متعال در قرآن بیشتر از ذکر خوردن و نوشیدن است»[۲].

و هر کس صفات الله متعال را یاد کند و دوست بدارد؛ الله متعال او را دوست می دارد و پیامبر ﷺ به شخصی که سوره اخلاص را می خواند، بشارت داد؛ که الله متعال او را دوست می دارد، فرمودند: «**سَلُوهُ لِأَيِّ شَيْءٍ يَصْنَعُ ذَلِكَ؟ فَسَأَلُوهُ، فَقَالَ: لِأَنَّهَا صِفَةُ الرَّحْمَنِ، وَأَنَا أُحِبُّ أَنْ أَقْرَأَ بِهَا، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَخْبِرُوهُ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ**» (متفق علیه)[۳]، ترجمه: «از او بپرسید که چرا چنین می کند، از وی پرسیدند، گفت: زیرا در این سوره (اخلاص) الله مهربان توصیف شده است من دوست دارم این سوره را بخوانم، پیامبر ﷺ فرمودند: به او بگویید که الله متعال هم او را دوست می دارد».

و نامهای او سبحانه بهترین نامها و صفاتش کاملترین صفات می باشند، ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾[٤]، ترجمه: «هیچ چیز همانند او نیست، و او شنوای بیناست».

و برای هر مسلمان شناخت و فهم معنای آنها لایق است.

---

(۱) روضة المحبين ونزهة المشتاقين (ص:١٦٦).

(۲) درء تعارض العقل والنقل (٥/٣١٠).

(۳) صحیح بخاری (٩/١١٥) رقم حدیث: (٧٣٧٥)، صحیح مسلم (٢/٢٠٠) رقم حدیث: (٨١٣).

(٤) سوره الشوری:١١.

پس پروردگار ما سبحانه و تعالی خیلی **بخشاینده و بسیار مهربان** است، رحمتش همه چیز را فرا گرفته و رحمتش وسیع ترین صفاتش می باشد، «**إِنَّ لِلَّهِ مِئَةَ رَحْمَةٍ، أَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَاحِدَةً بَيْنَ الجِنّ وَالإِنْسِ وَالبَهَائِمِ وَالهوَامِّ، فَبِهَا يَتَعَاطَفُونَ، وَبِهَا يَتَرَاحَمُونَ، وَبِهَا تَعْطِفُ الوَحْشُ عَلَى وَلَدِهَا، وَأَخَّرَ اللَّهُ تِسْعاً وَتِسْعِينَ رَحْمَةً يَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهُ يَوْمَ القِيَامَةِ**» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «الله متعال صد رحمت دارد، یکی از آنها را بین جن ها و انسانها و چهارپایان و حشرات نازل کرده است که بدان با هم عطوفت و مهربانی می کنند و براساس آن حیوانات وحشی با فرزندانشان مهربانی می نمایند، نود و نه تا رحمتش را نگهداشت تا بدان در روز قیامت بندگانش را مورد مرحمت قرار دهد».

و هیچ شخصی وجود ندارد، مگر اینکه از رحمت الله بهره می برد و هر نعمتی که مشاهده می کنید از نعمت های الله متعال است و هر عذابی که برطرف می شود از رحمت اوست؛ امام ابن قیم رحمه الله می گوید: «و این نوشته (یعنی: رحمت من بر خشم من سبقت گرفته)[۲] مانند عهد و پیمانی از جانب الله متعال به مخلوقات است و اگر آن نبود مخلوقات حال دیگری داشتند»[۳]، و هر کس به الله نزدیکتر باشد، رحمت الله به اولی تر می گردد.

و او **سبحانه فرمان روا** است: هر طور که می خواهد در مخلوقاتش تصرف می نماید، هیچ جنبده ایی نمی جنبد و آرام نمی شود؛ مگر با علم و اراده او، امر

---

(۱) صحیح بخاری (۸/۸) رقم حدیث: (۶۰۰۰)، صحیح مسلم (۹۶/۸) رقم حدیث: (۲۷۵۲).

(۲) «إن رحمتي سبقت غضبي».

(۳) مختصر الصواعق المرسلة (ص:۳۶۹).

و نهی می کند، بدون مانع و بازدارنده، عزت و ذلت می دهد و هیچ چیز او را در امورش ناتوان نمی کند، پس امورت را به همچنین فرمانروایی بسپار، زیرا کلید همه چیزها به دست او می باشند، در همه احوالت فقط به او توکل کن؛ او را نزدیک خود می یابی.

و او «قدُّوس» **بسیار پاک و مقدس** است: از هر عیب و نقصی منزه است، به صفات کمال موصوف است، پس هیچ معبودی و هیچ ولی با او صدا زده نمی شود.

و او **سلام و سالم** می باشد: از هر عیبی و خللی در صفاتش سالم است، همه مخلوقات پروردگار ما را از این منزه می دانند، الله ﷻ می فرماید: ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾[1]، ترجمه: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است او را تسبیح می گویند».

و او ﷻ **مؤمن** است: مخلوقاتش از اینکه او به آنها ظلم کند یا حقشان را پایمال نماید در امانند، پس تقوا پیشه کنید، زیرا اعمال نیکتان محفوظ و چندین برابرند.

و او **مهیمن و مسلط** بر مخلوقاتش است: از همه اسرار و راز دلها آگاه است، پس اگر او را نافرمانی نمودید، از مکرش در امان نباشید.

---

(۱) سوره الجمعة:۱.

و او **شهید** است شاهد بر اقوال و افعال بندگانش است، الله متعال میفرماید: ﴿وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ﴾[(۱)]، ترجمه: «و الله از آنچه انجام می دهید، غافل نیست».

و او **غالب** است: مغلوب نمی شود، به همه چیز عزت بخشید سپس بر آن چیره شد، همه سختی ها بخاطر عزت او ذلیل و نرم شدند، پیامبر ﷺ می فرمایند: «**إِذَا قَضَى اللَّهُ الأَمْرَ فِي السَّمَاءِ، ضَرَبَتِ المَلَائِكَةُ بِأَجْنِحَتِهَا خُضْعَاناً لِقَوْلِهِ، كَالسِّلْسِلَةِ عَلَى صَفْوَانٍ**» (روایت بخاری)[(۲)]، ترجمه: «آنگاه که الله در آسمان امری را صادر می کند، فرشتگان به منظور نشان دادن اطاعت و خضوعشان در برابر فرمان الله بالهایشان را حرکت می دهند، که بر اثر آن صدایی مانند صدای برخورد زنجیر بر روی صخره ای صاف پدیدار می شود».

و هر کس با طاعت و فرمانبرداری به او نزدیک شود، عزت می یابد، الله سبحانه می فرماید: ﴿مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ جَمِيعًاۚ﴾[(۳)]، ترجمه: «کسی که خواهان عزت است، پس (بداند که) عزت همگی از آن الله است».

و هر کس با نافرمانی و گناه با او مبارزه نمود؛ ذلیل می شود، پس به گناه ننگر، به ذاتی بنگر که او را نافرمانی می کنی.

---

(۱) سوره البقرة:۷٤.

(۲) صحیح بخاری (۱۲۱/٦) رقم حدیث: (٤٨۰۰).

(۳) سوره فاطر: ۱۰.

و او «عليٌّ أعلى» **بالاتر و برتر** است، الله متعال می فرماید: ﴿إِلَيۡهِ يَصۡعَدُ ٱلۡكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلۡعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرۡفَعُهُۥ﴾[1]، ترجمه: «سخن پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و عمل صالح را بالا می‌برد».

و او **جبار** است: مخلوقاتش را به آنچه می خواهد مجبور نمود و هیچ احدی امتناع نمی ورزد: ﴿إِنَّمَآ أَمۡرُهُۥٓ إِذَآ أَرَادَ شَيۡـًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ﴾[2]، ترجمه: «به راستی که امر او این گونه است که هرگاه چیزی را بخواهد به آن می گوید: پدید بیا؛ پس پدید می آید».

به آسمان و زمین فرمود: ﴿ٱئۡتِيَا طَوۡعًا أَوۡ كَرۡهٗا قَالَتَآ أَتَيۡنَا طَآئِعِينَ﴾[3]، ترجمه: «خواه یا ناخواه بیایید گفتند: فرمانبردار آمدیم».

و او سبحانه قلوب شکسته را آرام و ترمیم می کند.

و او «کبیر» **بسیار بزرگ** است: همه اشیاء ناچیزند، هیچ چیزی عظیم تر و بزرگتر از او نیستند، الله متعال می فرماید: ﴿وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ﴾[4]، ترجمه: «و در روز قیامت تمام زمین در مشت اوست و آسمان‌ها درهم پیچیده در دست راست اوست».

---

(۱) سوره فاطر:۱۰.

(۲) سوره یس:۸۲.

(۳) سوره فصلت:۱۱.

(٤) سوره الزمر:٦٧.

«**يَجْعَلُ السَّمَوَاتِ عَلَى إِصْبَعٍ وَالأَرَضِينَ عَلَى إِصْبَعٍ، وَالشَّجَرَ عَلَى إِصْبَعٍ، وَالمَاءَ وَالثَّرَى عَلَى إِصْبَعٍ، وَسَائِرَ الخَلَائِقِ عَلَى إِصْبَعٍ**» (متفق علیه)[1]، ترجمه: «الله متعال آسمانها را بر یک انگشت و زمین را بر یک انگشت و درختان را بر یک انگشت و آب و خاک را بر یک انگشت و سایر خلایق را بر یک انگشت، قرار می دهد».

و او «المتکبر» وحده: تنها **متکبر** است: برای هیچ کسی جز او تکبر جایز نیست، هر کس از مخلوقاتش تکبر بورزد، جایگاهش جهنم است، الله ﷻ میفرماید: ﴿أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡمُتَكَبِّرِينَ﴾[2]، ترجمه: «آیا جهنم جایگاه متکبران نیست؟».

و بر بنده عاجزی و فروتنی برای الله متعال واجب است و همچنین تواضع برای بندگانش.

و او «خالق» **آفریدگار** است: این هستی را بوجود آورد و در آفرینش آن ابداع نمود، هر کس به آن تأمل نماید به شگفت آید، آفریدگاری که در آفرینش متقن است، الله متعال می فرماید:﴿فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحۡسَنُ ٱلۡخَٰلِقِينَ﴾[3]، ترجمه: «بزرگوار است، الله که بهترین آفرینندگان است».

---

(۱) صحیح بخاری (۶/۱۲۶) رقم حدیث: (۴۸۱۱)، صحیح مسلم (۸/۱۲۵) رقم حدیث: (۲۷۸۶).

(۲) سوره الزمر: ۶۰.

(۳) سوره المؤمنون: ۱۴.

و او «بارئ» **بوجود آورنده** است: مخلوقات و هستی را از عدم بوجود آورد؛ ستارگان و ماه و خورشید و مخلوقاتی در فلک را بوجود آورد، الله متعال میفرماید: ﴿كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسۡبَحُونَ﴾[1]، ترجمه: «هر یک در مداری (معین) شناورند».

هر کس به آن تفکر کند به دهشت در آید و پند گیرد.

و او «مصور» **شکل دهنده** است: مخلوقات را هر طور که بخواهد به صفات و هیئات متفاوت شکل داده است، الله متعال می فرماید: ﴿فَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰ بَطۡنِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰ رِجۡلَيۡنِ وَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰٓ أَرۡبَعٖۚ﴾[2]، ترجمه: «برخی از آنها بر شکم خود راه می روند، برخی از آنها بر روی دو پا راه می روند، و برخی از آنها بر روی چهار پا راه می روند».

و انسان را در بهترین شکل آفرید، الله متعال می فرماید: ﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِيٓ أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ﴾[3]، ترجمه: «همانا ما انسان را در بهترین شکل آفریدیم».

و او **مصور** است: تصویر را بر بندگانش حرام گردانیده و آنها را وعید به عذاب شدید داده و لعنت نموده، پیامبر ﷺ فرمودند: «**لَعَنَ اللَّهُ الْمُصَوِّرَ**» (روایت

---

(۱) سوره الأنبیاء:۳۳.

(۲) سوره النور:٤٥.

(۳) سوره التین:٤.

بخاری)[۱]، ترجمه: «الله متعال تصویرکشان را لعنت کرده است»، و فرمودند: «**كُلُّ مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ**» (متفق علیه)[۲]، ترجمه: «هر تصویر بردار در آتش جهنم است».

و او «غفور» **بسیار بخشاینده** است: گناهان هر بنده رجوع کننده را محو می کند، گرچه گناهانش بی انتها باشند، کفر و سحر و مبارزه با پیامبرش؛ را از ساحران فرعون، با یک سجده ی برای الله متعال که مقرون با توبه بود؛ بخشید، الله متعال می فرماید: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا ثُمَّ ٱهۡتَدَىٰ﴾[۳]، ترجمه: «و به راستی که من بسیار آمرزنده هستم برای کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، آنگاه راه یابد».

و او **قهار** است: همه ی مخلوقات تحت قهر و قبضه ی او می باشند، روح هر کس را، هر وقت بخواهد می گیرد، هیچ چیزی در این هستی صورت نمی گیرد؛ مگر با اراده و مشیئت او، اگر چه بنده برای تحقق آن تلاش کند.

و او **فتاح** است: دروازه های رزق و رحمت و اسباب آن را برای بندگانش می گشاید و برای آنها امور و حالات سخت و پیچیده را می گشاید.

و او **رزاق** است: بنده را از آسمان و زمین روزی می دهد، الله تعالی میفرماید: ﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قُلِ ٱللَّهُۖ﴾[٤]، ترجمه: «بگو: از آسمانها و زمین چه کسی به شما روزی می دهد؟ بگو: الله یکتا».

---

(۱) صحیح بخاری (۳/۵۹) رقم حدیث: (۲۰۸۶).

(۲) صحیح بخاری (۳/۸۲) رقم حدیث: (۲۲۲۵)، صحیح مسلم (٦/١٦١) رقم حدیث: (۲۱۱۰).

(۳) سوره طه:۸۲.

(٤) سوره سبأ:۲٤.

با رزق و روزیش همه چیز را شامل نموده، پس هیچ جنبنده ایی در زمین وجود ندارد مگر اینکه رزقش بر الله متعال می باشد، جنین ها را در شکم مادرشان رزق داده و درندگان را در دشت و بیابان و پرندگان را در لانه شان و ماهی ها را در اعماق دریا رزق داده است.

و او **وهاب** است: به هر کس بخواهد، هر آنقدر که بخواهد، می دهد، خزینه و گنجینه آسمان ها و زمین به دست او می باشند، به پیامبران در سن پیری فرزندان نیک بخشید و سلیمان از پروردگار وهابش پادشاهی که به هیچ احدی بعد از او ندهد، سؤال نمود، پس به او انواع و اقسام معجزه ها بخشید - باد و جن و چشمه های مس، همه را رام او نمودیم - .

و او «علیم» **بسیار داناست**: رازها و امور مخفی را می داند، برای او آنچه انجام می دهند؛ از قبیل قول و فعل پنهان نمی باشد، الله سبحانه می فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌۢ﴾[1]، ترجمه: «و الله بر هر چیزی داناست».

و او «سمیع» **بسیار شنواست**: درگوشی ها و علنی و راز و پنهان ترین ها را می شنود، اگر صدایت را بلند کنی می شنود و اگر آن را برای دوستت مخفیانه عرض نمودی، نیز می شنود و اگر آن را در درون خویش زمزمه کنی؛ آن را می داند.

و او «بصیر» **بسیار بیناست**: امور مخفی را هر چند ریز باشند، می بیند، از او ذره ایی پنهان نیست اگر چه مخفی باشد، در تاریکی شب آنچه زیر خاک پنهان است را می بیند، قعر دریا را در شب بسیار تاریک می بیند.

---

(۱) سوره الأنفال:۷۵.

و او **ظاهر و باطن** است: حرکت مورچه بر صخره در تاریکی شب؛ از او مخفی نیست، اگر ظاهر و علنی انجام دهد تو را می بیند و اگر چه در درون منزلت مخفیانه انجام بدهی؛ تو را نیز می بیند، الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِٱلۡمِرۡصَادِ﴾[1]، ترجمه: «بی گمان پروردگارت در کمین است».

اگر شخص یقین داشته باشد که الله بر او اطلاع و آگاهی دارد؛ از اینکه او را بر گناه و معصیت ببیند حیا می کند.

او **خیلی حکیم** است: در احکام و شریعت او هیچ خللی وجود ندارد، برای هیچ احدی جایز نیست که احکام الله متعال را مراجعه و بررسی کند یا آنها را کاهش و یا مورد بحث و جدل قرار بدهد، الله متعال می فرماید: ﴿وَٱللَّهُ يَحۡكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكۡمِهِۦۚ﴾[2]، ترجمه: «و الله حکم می کند و فرمان و حکمش را هیچ رد کننده ای نیست».

بلکه لازم است که تسلیم و راضی و مطیع آنها باشد، الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ مَا يُرِيدُ﴾[3]، ترجمه: «الله به هر چه می خواهد حکم می کند».

برای بندگانش جز شریعت مطهر او چیز دیگری مناسب نیست، هر کس دین و شریعت او را به مسخره گیرد، الله متعال او را خوار و ذلیل می کند.

او **لطیف** است: با بندگانش بسیار مهربان است، رزق آن ها را برایشان میرساند طوری که آنها احساس نمی کنند.

---

(۱) سوره الفجر: ۱٤.

(۲) سوره الرعد: ٤۱.

(۳) سوره المائدة: ۱.

و او «خبیر» **به امور بندگانش خیلی آگاه** است: هیچ چیزی از او مخفی نیست، از حقیقت هر کاری آگاه است، الله متعال می فرماید: ﴿فَسۡـَٔلۡ بِهِۦ خَبِيرٗا﴾[1]، ترجمه: «پس از ذات، آگاهی بپرس».

و او «حلیم» **خیلی بردبار** است: در مجازات بندگانش بسبب گناهانشان عجله نمی کند و فضل و احسانش را از آنها به خاطر گناهانشان باز نمی دارد، او را نافرمانی و معصیت می کنند و او به آنها رزق می دهد، گناه می کنند به آنها مهلت می دهد، علنا گناه انجام می دهند؛ آنها را میپوشاند، پس به بردباری و کرم الله نسبت به خودت مغرور نباش، چه بسا تو را در حالی که غافل هستی گرفتار عذاب نماید، الله متعال می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلۡكَرِيمِ﴾[2]، ترجمه: «ای انسان! چه چیزی تو را نسبت به پروردگار کریمت مغرور کرده است».

و او **عظیم و بسیار بزرگ** است: هنگامی که وحی می کند، آسمان ها به لرزه در آمده یا از شدت ترس به لرزه در افتند، هنگامی که آن را اهل آسمان میشنوند، بی هوش شده و برای او سجده کنان افتند.

و او **شکور** است: برای عمل کم؛ بسیار زیاد عطا می کند و خیلی از لغزش ها را می بخشد، پس هیچ عمل نیکی را اگرچه کم باشد، حقیر نشمار، زیرا نیکی چندین برابر می شود، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَمَن يَقۡتَرِفۡ حَسَنَةٗ نَّزِدۡ لَهُۥ فِيهَا حُسۡنًاۚ

---

(۱) سوره الفرقان: ۵۹.

(۲) سوره الانفطار: ٦.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ شَكُورٌ﴾[(۱)]، ترجمه: «و هر کس کار نیکی کند به نیکویی اش میافزاییم، زیرا الله آمرزنده و شکر پذیر است».

و او «حفیظ» **خیلی حفاظت کننده** است: اعمال بندگان را حفظ نموده و اقوالشان را می شمارد، می فرماید: ﴿لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى﴾[(۲)]، ترجمه: «پروردگارم هرگز به خطا نمی رود و فراموش نمی کند».

و بندگانش را از هلاکت و زیان ها محفوظ می دارد، یونس عليه السلام را در حالیکه در شکم ماهی و در اعماق دریا بود حفاظت نمود و موسی عليه السلام را در حالی که شیر خوار بود، در دریا حفاظت نمود، پس برای حفاظت خود و فرزندانت به الله توکل نما، پس نه از تعویذهای شرکی استفاده کن و نه پیش جادوگران و غیب گویان برو.

و او **قوی و توانا** است: هیچ چیز او را عاجز نمی کند، در گرفتش قوی است، ابن جریر رحمه الله می گوید: «اگر بخاطر چیزی مؤاخذه کند؛ هلاک میکند»[(۳)].

به جبریل عليه السلام دستور داد، شهری را که فاحشه انجام دادند - قوم لوط - واژگون کند، آنها را با کناره بالش بالا برد، سپس آن را با کل ساکنانش واژگون نمود و آن را نشانه و عبرت در طول تاریخ قرار داد، الله متعال می فرماید: ﴿وَإِنَّكُمۡ

---

(۱) سوره الشوری:۲۳.

(۲) سوره طه:۵۲.

(۳) جامع البیان (۳۷۳/۱۵).

﴿لَتَمُرُّونَ عَلَيۡهِم مُّصۡبِحِينَ * وَبِٱلَّيۡلِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾[1]، ترجمه: «و شما صبح و شب از کنار آنها عبور می کنید، آیا خرد نمی ورزید؟!».

هر کس به قدرت ذاتی، که او را نافرمانی می کند، دقت نماید، نافرمانی را رها می کند.

و او سبحانه «شافي» **شفا دهنده** است: از مرضها و بیماری ها شفا و عافیت می دهد، الله متعال می فرماید: ﴿وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ﴾[2]، ترجمه: «و هرگاه بیمار شوم، او مرا شفا می دهد».

و داروها از جمله اسباب هستند، لازم است که قلب به آنها وابسته نشود.

و او «منَّان» **نعمت دهنده** است، قبل از سوال بذل و بخشش می کند.

و الله **سبحانه محسن و احسان کننده** است: همه ی مخلوقات خویش را با فضل و احسان خویش پوشانده است.

و او **کریم** است: بسیار بذل و بخشش می کند و زیاد می بخشد، بین او و بندگانش هیچ پرده و حجابی وجود ندارد، پس طلب کن که پروردگار تو بزرگوار است و هنگامی که دروازه رزق را برای بنده اش بگشاید، هیچ احدی مانع او نمی شود، الله سبحانه می فرماید: ﴿مَّا يَفۡتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحۡمَةٖ فَلَا مُمۡسِكَ لَهَاۖ﴾[3]، ترجمه: «رحمتی که الله برای مردم می گشاید هیچ کس نمی تواند آن را باز دارد».

---

(۱) سوره الصافات:۱۳۷-۱۳۸.

(۲) سوره الشعراء:۸۰.

(۳) سوره فاطر:۲.

و او «حییٌّ» **متصف به حیا** است، «يَسْتَحْيِي مِنْ عَبْدِهِ إِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَيْهِ – يَسْأَله عبدُه عطاءً – أَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْراً» (روایت ابوداود)[۱]، ترجمه: «هنگامی که بنده اش دستهایش را بلند نماید – از او طلب عطا و بخشش شود – از اینکه آنها را خالی برگرداند، حیا می کند».

و او **رقیب و آگاه** است: از مخلوقاتش غافل نیست و حق آنها را پایمال نمیکند، الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا كُنَّا عَنِ ٱلْخَلْقِ غَٰفِلِينَ﴾[۲]، ترجمه: «و ما هرگز از آفرینش غافل نبوده ایم».

و از آنچه در درون سینه ها مخفی است اطلاع دارد، حسن بصری رحمه الله میگوید: «الله متعال به بنده ای رحم کند، که هنگام هر کاری توقف کند و بنگرد، اکر کارش برای الله متعال بود؛ آن را ادامه دهد و اگر برای غیر از او بود؛ عقب کشی کند»[۳]، پس قبل از هر کاری تفکر کن و دست نگه دار، اگر آن برای الله متعال بود؛ پیش برو و اگر برای غیرش بود؛ عقب کشی کن.

و او «ودود» **بسیار دوست داشتنی** است: با احسان هایش و ترک نافرمانیها؛ بندگانش را دوست می دارد و هر کس چیزی را بخاطر رضای او رها کند، به او بیشتر عطا می کند.

و او برای بندگان نیکش **صاحب محبت** است: توبه کنندگان و توکل کنندگان و نیاکان را از بندگانش دوست می دارد.

---

(۱) سنن ابو داود (۵۵۳/۱) رقم حدیث: (۱۴۸۸).

(۲) سوره المؤمنون:۱۷.

(۳) مصنف ابن أبي شيبة (۳٦٦/۱۹) رقم: (۳٦۳۳۵).

و او «مجید» **بسیار بزرگوار** است: بزرگواری و ستایش و تمجیدش زیاد است، هیچ بزرگی جز بزرگواری او نیست، هر بزرگی از دیگران در واقع بخشش و احسانی از آن او می باشد.

و او «حمید» **بسیار ستوده شده** است: در همه ی افعالش مستحق ستایش و ثنا می باشد، در خوشی و ناخوشی ستایش می شود، ستایش او، یکی از بزرگترین اعمال نیک می باشد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**وَالحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ المِيزَانَ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَآنِ – أَوْ: تَمْلَأُ – مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ**» (روایت مسلم)[۱]، ترجمه: «الحمدلله، میزان را پر می کند و سبحان الله و الحمد لله، پر کننده هستند، یا بین آسمان و زمین را پر می کنند».

و او سبحانه «حيٌّ قيوم» **زنده و پایدار** است: به شؤون مخلوقاتش قائم است، ﴿يَسۡـَٔلُهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ﴾[۲]، ترجمه: «هر آنچه که در آسمانها و زمین است سائل درگاه اوست، و او هر روز در کاری است».

و او «أحد» **یکتاست**: همیشه تنها بوده و با او کسی شریک نبوده و در همه ی کمالها و برتری ها تک است، هیچ کس در امورش با او مشارکت ندارد.

و او «صمد» **بی نیاز** است: همه ی مخلوقات در همه ی حاجاتشان به او نیازمند می باشند و به او شکایات آنها رسانده می شوند و به او مصیبت و سختی های آنها عرض می شوند.

---

(۱) صحیح مسلم (۱/۱٤۰) رقم حدیث: (۲۲۳).

(۲) سوره الرحمن:۲۹.

و او **سید و سرور** است: هنگام سختی و مصیبت پناهگاه فقط از آن اوست.

و او «قدیر» **بسیار توانا** است: قدرتش تام و بر همه چیز نافذ و جاری است، به آتش سوزان فرمود: ﴿كُونِي بَرۡدٗا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ﴾[۱]، ترجمه: «بر ابراهیم سرد و سلامت باش».

آن گونه شد که دستور داد و به دریای مواج دستور داد برای موسی عليه السلام راه خشک باشد، بعدا دریا با کاملترین حالتش برگشت.

و او «برّ» **نیکوکار و نیکو صفت و افعال** است: به بندگانش احسان نموده و احوال و امور آنها را اصلاح می کند، به مطیع و فرمانبردار چندین برابر اجر داده و به گناهکاران در معاف نمودن گناهانشان احسان نموده است، ﴿إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡبَرُّ ٱلرَّحِيمُ﴾[۲]، ترجمه: «به درستی که او احسان کننده و مهربان است».

و او «توّاب» **بسیار توبه پذیر** است: هیچ توبه ایی را رد نمی کند، هر کس در شب یا روز به او رجوع نماید، او را می پذیرد؛ بلکه او را دوست می دارد، می فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ﴾[۳]، ترجمه: «همانا الله توبه کنندگان را دوست دارد».

و او «عفوّ» **معاف کننده** است: هر اندازه بنده در گناه و نافرمانی زیاده روی نموده، بعد توبه کند، همه گناهانش را معاف می کند.

---

(۱) سوره الأنبياء:٦٩.

(۲) سوره الطور:٢٨.

(۳) سوره البقرة:٢٢٢.

و او «رؤوف» نسبت به مخلوقاتش **بسیار مهربان** است: از باب شفقت و مهربانی رزق و روزی را برای آنها سرازیر می کند - اگر چه نافرمانی او را کنند - ، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾[۱]، ترجمه: «همانا الله نسبت به مردم رئوف و مهربان است».

و او **غنی و بی نیاز** است: هیچ نیازی به مخلوقاتش ندارد، دست های الله از آنچه انفاق می کند پر هستند، «**لَا تَغِيضُهَا نَفَقَةٌ، سَحَّاءُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ**»[۲]، «انفاق نمودن آنها را کم نمی کند، شب و روز می بخشد»، پیامبر ﷺ از پروردگارش روایت می کند: «**يَا عِبَادِي! لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ قَامُوا فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَسَأَلُونِي، فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَسْأَلَتَهُ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ المِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ البَحْرَ**» (روایت مسلم)[۳]، ترجمه: «ای بندگان من! اگر اول و آخر شما از انس و جن در سرزمین پهناوری بایستید و همه از من طلب کنید، به هر یک از شما آنچه که بخواهد بدهم، از آنچه که در خزانه ی من موجود است چیزی کم نمی شود، مانند آن است که سر سوزنی را در دریایی فرو کنید».

سپس؛ ای مسلمانان:

الله متعال با نامهای نیکویش صدا زده می شود و با صفات والایش تعریف می شود و الله متعال هر کس فقط او را صدا بزند و تعریف نماید را؛ دوست دارد

---

(۱) سوره البقرة:۱٤۳.

(۲) صحیح بخاری (٦/۷۳) رقم حدیث: (٤٦۸٤)، صحیح مسلم (۳/۷۷) رقم حدیث: (۹۹۳).

(۳) صحیح مسلم (۸/۱٦) رقم حدیث: (۲٥۷۷).

و کاملترین انسان ها از لحاظ عبادت کسی است، که الله را با تمام اسماء و صفاتش پرستش نماید و نامهای الله متعال بی شمارند، از آن ها نود و نه تا اسم می باشند که هر کس آن ها را حفظ نماید - با شناخت معانی آن ها و عمل به مقتضای آن ها - وارد بهشت می شود.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَاۖ وَذَرُواْ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ أَسۡمَٰٓئِهِۦۚ سَيُجۡزَوۡنَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾[1]، ترجمه: «نیکوترین نامها از آن الله می باشند، بدان نامهایش او را بخوانید، آنها را که به نامهای الله الحاد می ورزند، واگذارید؛ اینان به زودی به کیفر اعمال خود خواهند رسید».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

(۱) سوره الأعراف: ۱۸۰.

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیت و یارانش باد.

اما بعد: ای مسلمانان

کلید دعوت پیامبران و چکیده پیام آنها؛ شناخت الله با اسماء و صفات و افعالش می باشد.

شناخت الله و آنچه استحقاق دارد از نامهای نیکو و صفات برتر، مستلزم بزرگداشت و تعظیم و ترس و هیبت و دوست داشتن و توکل نمودن به او و خشنود شدن به قضا و قدرش و صبر بر مصیبتها می باشد و به اندازه شناختش، در قلبها تعظیم و احترام پروردگار می شود.

و کسانی که او را بیشتر شناخته اند؛ او را بیشتر تعظیم و احترام و تقدیر می کنند و هر کس اسمای نیکو و صفات الله را بداند یقینا می داند مشکلاتی که به او می رسند و بلاهایی که بر او نازل می شوند از انواع مصلحتهایی است که علم او به آن نمی گنجد و الله متعال لازمه ی اسماء و صفات خویش را دوست دارد، پس او کریم است، بندگان کریم و سخاوتمند را دوست می دارد، حلیم و بردبار است بردباران را دوست می دارد، علیم و داناست، علماء را دوست می دارد، شکور است، شکر گذاران را دوست می دارد.

سپس بدانید که الله شما را به درود و سلام بر پیامبرش امر نموده...

اسم حکیم الله متعال[1]

همانا تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، الله هر کس را هدایت کند، هیچ کس نمی تواند او را گمراه سازد و هرکس را که او گمراه سازد هدایت گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الهی را آنگونه که شایسته است پیشه سازید، و به ریسمان محکم اسلام چنگ زنید.

ای مسلمانان:

فطرت سلیم به آفریدگار این عالم، که ذات و صفاتش کامل هستند؛ گواهی میدهد، ذاتی که دارای صفات کمال و بزرگواری و نیکوست، همه ی تعریفات و سپاس و ستایشها از آن او هستند و اثبات صفات کمال و تعریفات برتر از جمله تعظیم و احترام الله متعال می باشد.

و یکی از اسمای نیکوی الله متعال بیشتر از نود بار در قرآن کریم مقرون با عزت و علم و مهارت و فراتری و پذیرش و ستایش آمده است و هیچ حرکت و

---

(۱) این خطبه در روز جمعه، ۱۳ شوال، سال ۱٤٤١ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

آرامشی در این هستی وجود ندارد، مگر اینکه مدلول و مفاد آن اسم بر آن دلالت دارد، پس از جمله اسمای الله متعال **حکیم** می باشد؛ که همه ی اشیاء را در جای و مکان مناسبش قرار داده است در آفرینش و فرمان و دستوراتش حکیم بوده و هست، از حکمت بی نهایتش؛ عقلها از احاطه آن عاجز و زبانها از تعریف آن ناتوان شده اند، بخاطر حکمت بی کران او همه ی موجودات در این هستی او را به پاکی یاد می کنند، الله تعالی می فرماید: ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[1]، ترجمه: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است الله را به پاکی می‌ستایند و او عزیز و حکیم است».

و او سبحانه ذاتی حکیم، در آسمانها و زمین پرستش می شود، ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي فِي ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٞ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَٰهٞۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ﴾[2]، ترجمه: «او ذاتی است که در آسمان و در زمین معبود است و او حکیم و دانا است».

نفس خویش را بخاطر اینکه با حکمت است، ستوده؛ فرموده: ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ﴾[3]، ترجمه: «ستایش از آن الله است که هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است از آن اوست و در آن جهان نیز ستایش از آن اوست و او حکیم و آگاه است».

ذات خویش را اینگونه تعریف نموده؛ که تکبر از آن اوست، و آیه را به اینکه با حکمت است پایان داد، ﴿وَلَهُ ٱلۡكِبۡرِيَآءُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ

---

(۱) سوره الحدید:۱.

(۲) سوره الزخرف:۸۴.

(۳) سوره سبأ:۱.

ٱلۡحَكِيمُ﴾[۱]، ترجمه: «بزرگواری در آسمانها و زمین خاص اوست، و اوست پیروزمند و حکیم».

و او در آسمانها و زمین لشکریانی دارد، آنها را آنگونه که می خواهد با حکمت خویش تدبیر می کند، ﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾[۲]، ترجمه: «لشکرهای آسمان و زمین از آن الله می باشند و او غالب و باحکمت است».

پروردگار ما، موسی عليه السلام را ندا داد و ذات خویش را به اینکه با حکمت است معرفی نمود، ﴿يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّهُۥٓ أَنَا ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[۳]، ترجمه: «ای موسی! من الله غالب و توانا و با حکمتم».

کتابش را این گونه تعریف نمود از جانب ذاتی با حکمت که هر چیز را در جا و مکان مناسب قرار داده است، این کتاب آیاتش محکم و شامل بر تمامی حکمتها می باشد، الله تعالی می فرماید: ﴿كِتَٰبٌ أُحۡكِمَتۡ ءَايَٰتُهُۥ ثُمَّ فُصِّلَتۡ مِن لَّدُنۡ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾[٤]، ترجمه: «کتابی است که آیات آن استحکام یافته سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است».

و با حکمت خویش رزق و روزی مردم را کم و زیاد می کند، ﴿مَّا يَفۡتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحۡمَةٖ فَلَا مُمۡسِكَ لَهَاۖ وَمَا يُمۡسِكۡ فَلَا مُرۡسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ

---

(۱) سوره الجاثية:۳۷.

(۲) سوره الفتح:۷.

(۳) سوره النمل:۹.

(٤) سوره هود:۱.

ﭐﻟۡﺤَﻜِﻴﻢُ﴾[۱]، ترجمه: «رحمتی که الله بر مردم بگشاید کسی نمی تواند بازش دارد و چون چیزی را دریغ دارد کسی نمی تواند جز او روانش دارد و اوست پیروزمند و حکیم».

و ملائکه به عاجزی و کم علمی خویش در مقابل الله اعتراف نموده و به عظمت علم و حکمت او اقرار نموده و تسلیم امورش شدند، ﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ لَا عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[۲]، ترجمه: «گفتند: تو پاک و بزرگی و ما جز آن ندانیم که به ما آموخته ای، این تویی که دانا و حکیمی».

و حاملین عرش و اطرافیان آن برای مومنان دعای مغفرت و دعای ورود بهشت های پر ناز و نعمت می کنند و دعای خویش را با اسم حکیم الله متعال پایان می دهند، ﴿رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[۳]، ترجمه: «پروردگارا! آنها و کسانی از پدران و همسران و فرزندانشان که صالح بوده اند به باغهای بهشتی وارد کن که به آنان وعده داده ای بی گمان تو توانا و با حکمت هستی».

---

(۱) سوره فاطر:۲.

(۲) سوره البقرة:۳۲.

(۳) سوره غافر:۸.

وحی و پیامی که بر پیامبران نازل شده از جانب ذاتی با حکمت می باشد، ﴿كَذَٰلِكَ يُوحِيٓ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[۱]، ترجمه: «الله پیروزمند و حکیم، به تو و کسانی که پیش از تو بودند اینچنین وحی می کند».

پیامبران علیهم السلام برای تحقق امید و آرزوهای خویش الله متعال را با اسم حکیم صدا می زدند؛ ابراهیم علیه السلام رب خویش را با اسم حکیم دعا نمود که برای ما پیامبری بفرستد که قرآن و دین را به ما بیاموزد، ﴿رَبَّنَا وَٱبۡعَثۡ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُزَكِّيهِمۡۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[۲]، ترجمه: «پروردگارا در میان امت مسلمه رسولی بر انگیز، تا آیات تو را بر آنان تلاوت کند، و کتاب و حکمتشان بیاموزد، و تزکیه شان کند، بدرستی که تو خود عزیز و حکیمی».

ابراهیم علیه السلام شهر و قومش را رها نمود و هجرت کرد و فرمود: رب من حکیم است، ﴿وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[۳]، ترجمه: «و فرمود: من به سوی پروردگارم هجرت می کنم همانا او عزیز و حکیم است».

ابراهیم علیه السلام عمرش بزرگ شد در حالی که صاحب فرزند نبود، ملائکه همسرش را به فرزندی بشارت دادند، در حالی که زنش نازا و پیر بود، او از این

---

(۱) سوره الشوری:۳.

(۲) سوره البقرة:۱۲۹.

(۳) سوره العنکبوت:۲۶.

بشارت ملائکه تعجب نمود، ملائکه گفتند: همانا الله دانا و با حکمت است، ﴿قَالُواْ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ﴾[1]، ترجمه: «گفتند: پروردگار تو اینچنین گفته است و او حکیم و داناست».

و یعقوب علیه السلام با شکیبایی و انتظار فرج الهی بعد ازدست دادن یوسف و برادرش در وجود خویش این باور را ثابت کرده که الله متعال بهترین زمان را برای تحقق نمودن امیدش انتخاب می کند و به حکمت الله متعال در آماده سازی اسباب از بین رفتن این غم و اندوههایش یقین داشت، پس با امید کاملش و دعا نمودن با اسم حکیم به الله متعال روی آورد، ﴿فَصَبۡرٞ جَمِيلٌۖ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَأۡتِيَنِي بِهِمۡ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[2]، ترجمه: «و پیشه ی من صبر نیک است، امید است که الله متعال همه ی آنان را به من باز گرداند، بی گمان او دانایی حکیم است».

و بعد از برطرف شدن مشکلات از یوسف علیه السلام بعد از مدت زمان طولانی که به مصیبتها و سختیها مبتلا بود شکر نعمت و فضل الله متعال را بیاد آورد و حکمت الله متعال را از این امور بیان نمود، ﴿وَقَدۡ أَحۡسَنَ بِيٓ إِذۡ أَخۡرَجَنِي مِنَ ٱلسِّجۡنِ وَجَآءَ بِكُم مِّنَ ٱلۡبَدۡوِ مِنۢ بَعۡدِ أَن نَّزَغَ ٱلشَّيۡطَٰنُ بَيۡنِي وَبَيۡنَ إِخۡوَتِيٓۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٞ لِّمَا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[3]، ترجمه: «و به راستی الله متعال وقتی

---

(۱) سوره الذاریات: ۳۰.

(۲) سوره یوسف: ۸۳.

(۳) سوره یوسف: ۱۰۰.

که از زندان رهایم نمود، و شما را پس از آنکه شیطان بین من و برادرانم اختلاف افکنده بود از صحرا باز آورد، در حق من نیکیها کرد، به راستی پروردگارم هر چه بخواهد سنجیده و دقیق انجام می دهد، بی گمان او دانای حکیم است».

اسم حکیم الله متعال متضمن حکمت او در آفرینش و اوامرش در اراده ی دینی و کونی الله متعال می باشد، امام ابن قیم رَحِمَهُ الله می گوید: «با عزت الله متعال کمال قدرتش و با حکمتش کمال علمش ثابت می شود و با این دو صفت الله متعال هر چه می خواهد فیصله می کند؛ امر و نهی می کند و پاداش و عقاب می دهد، این دو صفت مصدر آفرینش و فرمانروایی می باشند»[1].

و با حکمت خویش همه ی مخلوقات را در بهترین نظام آفرید و بهترین ترتیب را به آنها داد و تدبیر آنها را متقن و کامل نمود و تقدیرش را نیکو گرداند و به هر مخلوقی چیزی که مناسب حالش بود عطا نمود، الله تعالی می فرماید: ﴿أَعۡطَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ خَلۡقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ﴾[2]، ترجمه: «هر چیزی را هستی بخشیده و سپس آن را هدایت کرد».

و مخلوقات را از اینکه در آفرینش او نقص یا بیهودگی پیدا کنند؛ تحدی نمود، ﴿فَٱرۡجِعِ ٱلۡبَصَرَ هَلۡ تَرَىٰ مِن فُطُورٖ * ثُمَّ ٱرۡجِعِ ٱلۡبَصَرَ كَرَّتَيۡنِ يَنقَلِبۡ إِلَيۡكَ ٱلۡبَصَرُ خَاسِئٗا وَهُوَ حَسِيرٞ﴾[3]، ترجمه: «پس بار دیگر نظر کن، آیا در آسمان شکافی می بینی؟

---

(۱) الجواب الكافي لمن سأل عن الدواء الشافي أو الداء والدواء (ص:۱۱٦).

(۲) سوره طه: ٥٠.

(۳) سوره الملك:۳-٤.

بار دیگر نیز چشم باز کن و بنگر نگاه تو خسته و درمانده به نزد تو بازخواهد گشت».

و اگر عقل همه ی مخلوقات جمع شوند تا مثل آفرینش الله متعال پیشنهاد بدهند یا مشابه و نزدیک به آنچه الله متعال در این موجودات گذاشته از قبیل زیبایی و نظام و اتقان البته که عاجز و ناتوان می مانند، بهمین دلیل الله متعال مخلوقات را تنها در تفکر به حکمتهایی که در مخلوقاتش نهاده و همچنین به اطلاع بعضی از زیبایی های آنها و اتقانشان؛ دستور داده است، فرموده: ﴿قُلِ ٱنظُرُواْ مَاذَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾[1]، ترجمه: «بگو: بنگرید که چه چیزی در آسمانها و زمین است؟».

و با حکمت خویش ذات خویش و دین مبین اسلام و اوامر و منهیات دین اسلام را برای بندگانش معرفی نمود و کتابش را نازل نمود و در آن بیان نمود که توبه ی ما را می پذیرد و صلاح زندگانی در دنیا جز با پایبندی با دین امکان ناپذیر است، برخی از سلف می گویند: «اگر در دستورات و شریعتش جز این حکمت بزرگ که اصل همه ی خوبیها و بهترین لذات است نبود، البته که همین کافی بود».

و او سبحانه در دستور گونی اش حکیم است؛ بندگانش را به سختیها مبتلا می کند تا گناهان آنها را پاک و درجاتشان را بالا ببرد و بنده با ایمان آوردن به تقدیر خویش و راضی شدن به آن و استفاده از اسباب مشروع؛ برای برطرف نمودن مصیبتها دستور داده شده، تا تقدیر الهی را با تقدیرش برطرف نماید و چیزی

---

(۱) سوره یونس:۱۰۱.

که توان برطرف نمودنش را ندارد - مانند مرگ و امثالش - باید خشنود و تسلیم آن شود و به غالب بودن حکم الله متعال و منصفانه بودن قضای او و حکمت نافذ شدن بر او؛ گواهی می دهد و چیزی که به او رسیده امکان خطایش نبوده و آنچه خطا رفته امکان اصابتش نبوده است و عدل و حکمت الله او را لازم نموده است.

و الله ﷻ بعضی از حکمت های خویش را برای بندگانش بیان و ظاهر می کند، پس برای آنها حکمت نزول قرآن را بیان نموده؛ تا مومنان ثابت قدم شوند و همچنین هدایت و بشارتی برای آنها می باشد، فرموده: ﴿قُلْ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلْحَقِّ لِيُثَبِّتَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾[1]، ترجمه: «بگو: جبریل آن را به حق از سوی پروردگارت نازل کرده است تا مومنان را ثابت قدم گرداند و هدایت و بشارتی برای مسلمانان باشد».

و رسولانش را فرستاده تا هیچ فردی حجت و دلیلی در ندانستن و جاهل بودنش به دین اسلام نداشته باشد، ﴿رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةٌۢ بَعْدَ ٱلرُّسُلِ﴾[2]، ترجمه: «پیامبرانی مژده دهنده و بیم دهنده فرستادیم تا مردمان را بعد از فرستادن پیامبران بر الله هیچ حجتی نباشد».

و همچنین از حکمت ابتلا نمودن مردم به گرفتاری و مصیبتها خبر داده است که؛ راستگویی مومنان و صبرشان را ظاهر کند، فرموده: ﴿أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتْرَكُوٓا۟ أَن يَقُولُوٓا۟ ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۖ فَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ

---

(۱) سوره النحل:۱۰۲.

(۲) سوره النساء:۱۶۵.

ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡكَٰذِبِينَ﴾[1]، ترجمه: «آیا مردم می پندارند که همین که بگویند: ایمان آورده ایم به حال خود رها می شوند و آزمایش نمی گردند؟ و به راستی کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم، پس البته الله آنان را که راست گفتند معلوم می دارد، و دروغگویان را نیز معلوم خواهد داشت».

و بنابر حکمتی، الله متعال علم غیب را از مخلوقات مخفی نموده و آن را خاص خویش قرار داده، فرموده: ﴿عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ﴾[2]، ترجمه: «نهان و آشکار را می داند و او حکیم و آگاه است».

سپس ای مسلمانان:

آفرینش و فرمان فقط از آن الله یکتاست، هر چه بخواهد در این هستی انجام می دهد و هر چه بخواهد در شرع خویش حکم می کند و هیچ کس نمیتواند او را بازخواست نماید و هیچ گفتاری در حکمت او خدشه ای وارد نمی کند، الله تعالی می فرماید: ﴿لَا يُسۡـَٔلُ عَمَّا يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡـَٔلُونَ﴾[3]، ترجمه: «الله متعال در برابر آنچه انجام می دهد باز خواست نمی شود و آنها بازخواست می گردند».

و بنده به عبودیت مدلولات اسم «حکیم» الله متعال دستور داده شده و اگر به حکمت الله در همه اشیا یقین نماید، به خلقت زیبا و استوار الله متعال لذت می برد و در آن تفکر می نماید و شرع الله را تعظیم نموده و از الله می ترسد

---

(۱) سوره العنکبوت:۲-۳.

(۲) سوره الأنعام:۷۳.

(۳) سوره الأنبیاء:۲۳.

و از ارتکاب گناه شرم می کند و تسلیم دستورات و منهیاتش می شود و خوشحالیش از اینکه الله متعال او را بنابر حکمتی که خواسته، هدایت کرده؛ چندین برابر می شود، و این شرع از جانب ذاتی با حکمت برای سعادت بشر آمده است و اگر به او مصیبتی رسید به تقدیر الهی راضی شود و به اینکه آنچه الله برایش مقدر نموده، در آن صلاح و خیر او وجود دارد، تسلیم شود، ﴿وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ﴾[1]، ترجمه: «چه بسا چیزها که شما از آن کراهت دارید در حالی که خیرتان در آن است».

و یقین کن که پشت این صحنه ها حکمتی نهفته، که آن را نمی دانید و او در خوشی و ناخوشی در نعمتهای الله متعال می باشد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**عَجَباً لِأَمْرِ الـمُؤْمِنِ! إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ؛ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءُ شَكَرَ فَكَانَ خَيْراً لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءُ صَبَرَ فَكَانَ خَيْراً لَهُ**» (روایت مسلم)[2]، ترجمه: «شأن مومن شگفت انگیز است، زیرا تمام امورش به خیر او تمام می شود و این وضعیت را بجز مومن، کسی دیگر ندارد، مومن هنگام شادی، الله را سپاس می گوید، و این به نفع اوست و هنگام مصیبت، صبر پیشه می کند باز هم به خیر اوست».

پس به زندگی که الله آن را آفریده و اراده شرعی و کونی نموده است خوش باش و امورت را به ذاتی با حکمت بسپار، به تو فراتر از آرزوهایت می دهد.

---

(۱) سوره البقرة:۲۱۶.

(۲) صحیح مسلم (۲۲۷/۸) رقم حدیث: (۲۹۹۹).

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾[1]، ترجمه: «الله گواهی می دهد که هیچ معبود بر حقی جز او نیست، و نیز گواهی می دهد که او دادگری می کند، و فرشتگان و اهل علیم نیز گواهی می دهند که هیچ معبود بر حقی جز او نیست و او عزیز و حکیم است».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

---

(۱) سوره آل عمران:۱۸.

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیت و یارانش باد.

ای مسلمانان:

الله متعال اهداف بزرگ آفرینش و اوامرش را برای بندگانش معرفی نموده، نه همه ی اهداف و حکمت های ریز و کل تفاصیل آنها را و هر آنچه از اهداف و حکمت هایش برایشان مخفی می ماند از قبیل حکمت آفرینش و ابداع و امر و شرع و قضا و قدرش؛ شناخت عمومی آنها کافی می باشد، که حتما الله متعال حکمتی در آن داشته، گرچه تفاصیل آن را ندانند و تفاصیل آن از امور غیبی است که الله متعال خاص خویش نموده است.

پس بدانید که الله شما را به درود و سلام فرستادن بر پیامبرش امر نموده...

غضب الله متعال[1]

همانا تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آمرزش می‌خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، هر که الله او را هدایت کند، هیچ کس نمی تواند او را گمراه سازد و هرکس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت و گواهی می دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که همانا محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.

اما بعد:

ای بندگان الله تقوای الهی را آنگونه که شایسته اوست پیشه سازید، و هر کس تقوا را پیشه نمود رستگار شود و هر کس از یاد او اعراض نمود؛ هلاک شود.

ای مسلمانان:

الله متعال خویش را به مخلوقاتش آنطور که در قرآن و سنت رسولش آمده، معرفی نموده و برای او مثال اعلی در نامها و صفاتش والایش می باشد و تدبر در صفات و عبادت نمودن او با آن نام و صفتها راه رسیدن به محبت و بهشتش می باشد و وسیله ایی برای رسیدن به ثمره های آن از ترس و امید و محبت و توکل و غیره می باشد.

---

(١) این خطبه در روز جمعه، ٩ ذوالقعده، سال ١٤٤٠ هجری در مسجد رسول الله ﷺ القا شده است.

و عقیده سلف این امت: ثابت نمودن اسماء و صفات الله متعال می باشد، همانگونه که در کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ آمده اند و از جمله صفات الله که سبب خوف و ترس از او می شود: صفت **غضب** الله متعال می باشد، پس الله متعال خشم می گیرد و راضی می شود، البته مثل هیچ یک از مخلوقاتش و هر صفتی از صفات الله متعال آثاری دارند و از جمله آثار غضب الله متعال عقوبتهای عمومی دنیا و بلاها می باشند، الله متعال می فرماید: ﴿وَمَن يَحۡلِلۡ عَلَيۡهِ غَضَبِي فَقَدۡ هَوَىٰ﴾[1]، ترجمه: «و هر کس که خشم من او را فرا گیرد؛ به راستی که نابود شده است»، سفیان بن عیینه رحمه الله می گوید: «غضب الله بیماری است که هیچ دارویی ندارد»[2].

و نارضایتی الله متعال گاهی سبب نابودی عمل بنده می شود، الله سبحانه می فرماید: ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱتَّبَعُواْ مَآ أَسۡخَطَ ٱللَّهَ وَكَرِهُواْ رِضۡوَٰنَهُۥ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ﴾[3]، ترجمه: «این به خاطر آن است که آن ها از آن چه الله را به خشم می آورد، پیروی کردند و آن چه را که موجب خشنودی اوست کراهت داشتند از این رو الله اعمال شان را نابود کرد».

و اگر الله متعال از قومی خشم بگیرد از آنها انتقام می گیرد، می فرماید: ﴿فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا ٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ﴾[4]، ترجمه: «وقتی ما را به خشم درآوردند از آنها

---

(١) سوره طه: ٨١.

(٢) شعب الإیمان (٢/٢٦٣).

(٣) سوره محمد: ٢٨.

(٤) سوره الزخرف: ٥٥.

انتقام گرفتیم»، امام ابن قیم رحمه الله می گوید: «عذاب از غضب الله متعال صادر می شود و آتش جهنم جز با غضب الله شعله ور نمی شود»[1].

الله متعال قومهایی را مجازات کرده اند و اخبار آنها را برای ما بیان نموده تا ما از سرکشی و نافرمانی که آنها مرتکب شده اند برحذر باشیم، الله جل جلاله فرموده: ﴿ضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ أَيۡنَ مَا ثُقِفُوٓاْ إِلَّا بِحَبۡلٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَحَبۡلٖ مِّنَ ٱلنَّاسِ وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِ﴾[2]، ترجمه: «هر کجا باشند مهر خواری بر آنان خورده است و جز در سایه پیمان الله و یا پیمان مردم امنیت نمی یابند و به خشم الهی گرفتار شدند».

و اقوامی آیات و نشانه های الله متعال را بعد از اینکه برای آنها آورده شدند؛ تکفیر کردند، پس سزاوار خشمی بر خشمی دیگر شدند و الله بر قومی خشم گرفت پس چهره آن ها را مسخ نمود، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «**إِنَّ اللَّهَ غَضِبَ عَلَى سِبْطٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ فَمَسَخَهُمْ دَوَابَّ يَدِبُّونَ فِي الأَرْضِ**» (روایت مسلم)[3]، ترجمه: «الله متعال از گروهی از بنی اسرائیل خشمگین گردید و آنها را به حیواناتی تبدیل نمود که در روی زمین راه می‌روند».

هیچ پیامبری نیامده مگر اینکه قوم خویش را از خشم الله برحذر داشته است، موسی علیه السلام خطاب به قومش فرمود: ﴿أَمۡ أَرَدتُّمۡ أَن يَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبٞ

---

(۱) حادي الأرواح (ص:۳۷۱).

(۲) سوره آل عمران:۱۱۲.

(۳) صحیح مسلم (۶/۷۰) رقم حدیث: (۱۹۵۱).

﴿مِّن رَّبِّكُمۡ﴾[1]، ترجمه: «یا خواستید که خشمی از سوی پروردگارتان دامنگیرتان شود؟».

صاحبان فطرت سلیم از خشم الله بر نفس خویش ترسیدند، زید بن عمرو بن نفیل قبل از بعثت بیرون رفت و از دین سؤال می کرد با عالمی از علمای یهود برخورد نمود، پس از دینشان سؤال نمود، گفتند: «**لَا تَكُونُ عَلَى دِينِنَا، حَتَّى تَأْخُذَ بِنَصِيبِكَ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ، قَالَ زَيْدٌ: مَا أَفِرُّ إِلَّا مِنْ غَضَبِ اللَّهِ، وَلَا أَحْمِلُ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ شَيْئاً أَبَداً، وَأَنَّى أَسْتَطِيعُهُ؟**» (روایت بخاری)[2]، ترجمه: «بر آیین ما تا زمانی که قسمتی از خشم الله را نچشی قرار نمی گیری! زید گفت: من از خشم الله فرار می کنم، من هرگز طاقت غضب الله را ندارم، من چطور توانایی تحملش را دارم؟».

و مسلمان به سوی الله با امید رحمت و رضایتش و ترس از خشم و عذابش می شتابد و بزرگترین چیزی که سبب خشم الله متعال می شود؛ شرک است، الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ ٱلۡعِجۡلَ سَيَنَالُهُمۡ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمۡ وَذِلَّةٌ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ﴾[3]، ترجمه: «همانا کسانی که گوساله را معبود خود گرفتند، به زودی خشمی از جانب الله به آنان می رسد و زندگی دنیایشان را خواری فرا می گیرد».

و نماز خواندن به طرف قبرها از اسباب خشم الله متعال می باشد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمٍ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ**» (روایت امام

---

(۱) سوره طه:۸٦.

(۲) صحیح بخاری (٥/٤٠) رقم حدیث: (۳۸۲۷).

(۳) سوره الأعراف:۱٥۲.

مالک)[1]، ترجمه: «خشم شدید الله متعال بر قومی است که قبور انبیای خود را مسجد قرار دادند».

هر کس با صفتی از صفات الله با نامگذاری خویش به آن صفت منازعه کند الله متعال او را خلاف قصدش عذاب می دهد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى رَجُلٍ تَسَمَّى بِمَلِكِ الأَمْلَاكِ**» (روایت احمد)[2]، ترجمه: «غضب شدید الله متعال بر کسی است که خود را شاهنشاه بنامد».

الله متعال کریم است، دوست دارد بندگانش از او طلب کنند و از کسانی که، از سؤال کردن او تکبر می ورزند، خشم می گیرد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ؛ يَغْضَبْ عَلَيْهِ**» (روایت ترمذی)[3]، ترجمه: «کسیکه از الله حاجتش را طلب نکند، الله بر او غضب می کند».

و الله متعال کفر را دوست نمی دارد و به کفر راضی نیست و اگر بنده ایی مرتکب کفر شد از او خشم می گیرد، الله ﷻ فرموده اند: ﴿مَّن شَرَحَ بِٱلۡكُفۡرِ صَدۡرٗا فَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ﴾[4]، ترجمه: «آنهایی که سینه خود را برای کفر گسترده ساختند غضب الله بر آنها است و برایشان عذاب بزرگی است».

---

(۱) موطا مالک (۱/۲٤۰) رقم حدیث: (۵۹۳).

(۲) مسند احمد (۲/۲۱٤۸) رقم حدیث: (۱۰۵۲۸).

(۳) جامع ترمذی (۵/۳۸۷) رقم حدیث: (۳۷۰٦).

(٤) سوره النحل:۱۰٦.

و اصلاح مجتمع در اصلاح باطن و ظاهر می باشد پس هر کس بدی در درون خود مخفی کند و خلاف آن را بروز دهد چنین شخصی نسبت به الله بدگمان بوده و غضب الله به او می رسد، الله متعال می فرماید: ﴿وَيُعَذِّبَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْمُشْرِكِينَ وَٱلْمُشْرِكَٰتِ ٱلظَّآنِّينَ بِٱللَّهِ ظَنَّ ٱلسَّوْءِۚ عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ ٱلسَّوْءِۖ وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَۖ وَسَآءَتْ مَصِيرًا﴾[1]، ترجمه: «تا مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که بر الله بدگمانند، عذاب کند بر گردشان بدی حلقه زند و الله بر آنها خشم گرفت و لعنتشان کرد وجهنم را برایشان آماده کرده است و جهنم بد سرانجامی است».

بهترین مخلوقات پیامبران می باشند، هر کس آنها را اذیت کند؛ مستحق سخت ترین غضب الهی می باشند، پیامبر ﷺ فرمودند: «**اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمٍ دَمَّوْا وَجْهَ نَبِيِّ اللَّهِ**» (متفق علیه)[2]، ترجمه: «الله متعال، بر قومی که چهره پیامبرش را خون آلود گردانیدند، بشدت خشمگین شد».

بدبخترین مخلوقات کسانی هستند که بدست پیامبران به قتل می رسند، پیامبر ﷺ فرمودند: «**اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى مَنْ قَتَلَهُ نَبِيٌّ**».(متفق علیه)[3]، ترجمه: «الله متعال بر کسی که توسط پیامبری کشته شود، بشدت خشمگین گردد».

و هرکس اولیاء و دوستان و بندگان صالح الله را به خشم درآورد الله متعال از او خشمگین می شود، پیامبر ﷺ فرمودند: «**لَئِنْ كُنْتَ** أَغْضَبْتَهُمْ - يَعْنِي: نَفَراً

---

(۱) سوره الفتح:٦.

(۲) صحیح بخاری (٥/١٠١) رقم حدیث: (٤٠٧٤)، صحیح مسلم (٥/١٧٩) رقم حدیث: (١٧٩٣).

(۳) صحیح بخاری (٥/١٠١) رقم حدیث: (٤٠٧٦)، صحیح مسلم (٥/١٧٩) رقم حدیث: (١٧٩٣).

مِنَ الصَّحَابَةِ - **لَقَدْ أَغْضَبْتَ رَبَّكَ**» (روایت مسلم)[1]، ترجمه: «اگر باعث خشم آنان گرديده‌ای - يعنی: گروهی از صحابه را - در واقع، الله متعال را خشمگين ساخته‌ای».

سروصدا و بيتابی در هنگام مصيبت تقدير را عوض نمی کند و جزای چنين شخصی مانند عملکردش می باشد، پيامبر ﷺ فرمودند: «**وَمَنْ سَخِطَ** - أَيْ: عَلَى القَدَرِ - **فَلَهُ السُّخْطُ**» (روايت ترمذی)[2]، ترجمه: «هر کس از تقدير الهی ناخشنود باشد، ناخشنودی الله بهره اوست».

و بازداشتن از راه الله با گفتار يا کردار سبب عذاب الهی می شود، الله سبحانه می فرمايد: ﴿وَٱلَّذِينَ يُحَآجُّونَ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ٱسۡتُجِيبَ لَهُۥ حُجَّتُهُمۡ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ وَلَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٌ﴾[3]، ترجمه: «کسانی که درباره الله جدال می کنند، پس از آنکه دعوت او را، اجابت کرده اند نزد پروردگارشان حجتشان ناچيز است بر آنهاست خشم الله و برايشان عذابی سخت است»، ابن عباس رضي الله عنهما می فرمايد: «جَادَلُوا الـمُؤْمِنِينَ بَعْدَ مَا اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ؛ لِيَصُدُّوهُمْ عَنِ الهُدَى، وَطَمِعُوا أَنْ تَعُودَ الجَاهِلِيَّةُ»[4]، ترجمه: «با مؤمنان بعد از اينکه فرمان الله و رسولش را اجابت نمودند؛ مجادله کردند تا آنها را از هدايت بازدارند و در برگشتن آنها به زمان جاهليت طمع داشتند».

---

(۱) صحيح مسلم (۱۷۳/۷) رقم حديث: (۲۵۰٤).

(۲) جامع ترمذی (۲۰۲/٤) رقم حديث: (۲۳۹٦).

(۳) سوره الشوری:۱٦.

(٤) تفسير ابن کثير (۲٦٤/۱۲).

و هر کس به آنچه می داند، عمل نکند پس او از زمره کسانی است که الله بر آنها غضب گرفته، آن کسانی که به مسلمانان دستور داده شده که در هر رکعت از نماز دعا کنند تا الله متعال آنها را از راه و روش آنها دور نگه دارد. الله متعال حقوق پدر و مادر را بخاطر گرانقدر بودنشان، بزرگ و عظیم معرفی نموده و رضایت خویش را معلق به رضایت آنها قرار داده و نارضایتی خویش را در نارضایتی آنها قرار داده است، عبدالله بن عمرو ﭬ می گوید: «رِضَى الرَّبِّ فِي رِضَى الوَالِدِ، وَسَخَطُ الرَّبِّ فِي سَخَطِ الوَالِدِ»[1]، ترجمه: «رضایت الله در رضایت پدر است و نارضایتی الله در نارضایتی پدر قرار دارد».

خون مسلمان محفوظ است هر کس مسلمانی را بکشد مستحق غضب و لعنت الله می شود، الله ﻷ می فرماید: ﴿وَمَن يَقۡتُلۡ مُؤۡمِنٗا مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ خَٰلِدٗا فِيهَا وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَلَعَنَهُۥ وَأَعَدَّ لَهُۥ عَذَابًا عَظِيمٗا﴾[2]، ترجمه: «هر کس مؤمنی را به عمد بکشد، کیفر او جهنم است که در آن همواره خواهد بود و الله بر او خشم گیرد و لعنتش کند و برایش عذابی بزرگ آماده ساخته است».

و اموال مسلمانان در امان می باشند هر کس به مال شخص مسلمان تجاوز کند، مستحق وعید سخت الله متعال می باشد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينِ صَبْرٍ** - أَيْ: مُتَعَمِّداً - **يَقْتَطِعُ بِهَا مَالَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ هُوَ فِيهَا فَاجِرٌ؛ لَقِيَ**

---

(۱) جامع ترمذی (۳/٤٦٤) رقم حدیث: (۱۸۹۹).

(۲) سوره النساء:۹۳.

اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضْبَانُ» (متفق علیه)[1]، ترجمه: «هر کس به ناحق قسم بخورد – یعنی عمدا – و با قسم دروغین مال مسلمانی را در تصرف درآورد؛ در حالی با الله متعال رو به رو می شود که الله بر او خشمگین است».

و اگر زنی با همسرش لعان نمود – در حالیکه دروغ گو باشد – همیشه در غضب الله می باشد، الله تعالی می فرماید: ﴿وَٱلۡخَٰمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَآ إِن كَانَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ﴾[2]، ترجمه: «و در مرتبه ی پنجم آن زن باید بگوید: خشم الله بر او باد اگر شوهرش از راستگویان باشد».

و هر کس در ظلم و ستمی دست داشته باشد الله از او خشم می گیرد، پیامبر ﷺ می فرماید: «**مَنْ أَعَانَ عَلَى خُصُومَةٍ بِظُلْمٍ** – أَوْ: يُعِينُ عَلَى ظُلْمٍ – **لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَنْزِعَ**» (روایت ابن ماجه)[3]، ترجمه: «کسی که در نزاعی ظالمانه – یا همکاری اجرای ظلم – یاری برساند؛ همیشه در خشم الله است، تا وقتی که از آن دست بردارد».

و زبان از آزمون سنجش بندگان است، گاهی یک کلمه سبب رستگاری بنده یا هلاکت او می شود، پیامبر ﷺ می فرماید: «**إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ؛ فَيَكْتُبُ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا سَخَطَهُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ**» (روایت ترمذی)[4]، ترجمه: «همانا گاهی یک شخص سخنی را که موجب

---

(۱) صحیح بخاری (۱۳۷/۸) رقم حدیث: (٦٦٧٦)، صحیح مسلم (۸۵/۱) رقم حدیث: (۱۳۸).

(۲) سوره النور:۹.

(۳) سنن ابن ماجه (٤۱٥/۳) رقم حدیث: (۲٤۰٤).

(٤) جامع ترمذی (۱٤۹/٤) رقم حدیث: (۲۳۱۹).

خشم الله است، بر زبان می آورد و خودش متوجه اثر آن نیست و به وسیله ی آن سخن الله متعال غضبش را تا روزی که او را ملاقات کند، برای او می نویسد».

و فرار نمودن از میدان جهاد و جنگ با دشمنان، سبب خشم الله تعالی میشود، الله سبحانه می فرماید: ﴿وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُۥٓ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَآءَ بِغَضَبٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأْوَىٰهُ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ﴾[1]، ترجمه: «و هر کس در آن هنگام به آنان پشت کند و فرار نماید؛ مگر به قصد جابجایی نبرد یا پیوستن به گروهی دیگر از مجاهدان؛ گرفتار خشم الله خواهد شد و جایگاه او دوزخ خواهد بود و چه بد جایگاهی است».

و حق نعمت ها قدر دانی آنها می باشد، و تکبر و فراموش نمودن احسان کننده مجازاتش زودرس است، الله سبحانه می فرماید: ﴿كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ وَلَا تَطْغَوْا۟ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ﴾[2]، ترجمه: «از رزق های پاکیزه ای که روزیتان کرده ایم، بخورید و در آن تجاوز نکنید، آنگاه خشم من دامنگیرتان خواهد شد».

و هرکس مرتکب اموری شد که باعث خشم الله شد، دشمنی با چنین شخصی لازم و دوستی با او حرام است، الله تعالی می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَوَلَّوْا۟ قَوْمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾[3]، ترجمه: «ای اهل ایمان هرگز قومی را که الله بر آنان غضب کرده یار و دوستدار خود مگیرید».

---

(۱) سوره الأنفال:۱٦.

(۲) سوره طه:۸۱.

(۳) سوره الممتحنة:۱۳.

بر بندگان لازم است که برای قیامت استعداد کامل داشته و اعمال نیک انجام دهند؛ زیرا شدیدترین خشم الله بر بندگان در میدان محشر می باشد و به همین خاطر پیامبران ﷺ: آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی در آن موقف بزرگ می گویند: «**إِنَّ رَبِّي قَدْ غَضِبَ اليَوْمَ غَضَباً لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ، وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ**» (متفق علیه)[۱]، ترجمه: «پروردگارم چنان خشمگین است که قبل از این، هرگز چنین خشمی نکرده است و بعد از این هم، هرگز چنین خشمی نخواهد کرد».

و سپس ای مسلمانان:

الله متعال توانا و قوی است بندگانش را از خشم خویش برحذر داشته، فرموده: ﴿وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥ﴾[۲]، ترجمه: «الله متعال شما را از (نافرمانی) خودش برحذر می دارد».

و بر بندگان لازم است که مغرور صبر و بردباری الله متعال نباشند؛ زیرا اگر او خشم بگیرد و اجازه عذاب بدهد پس هیچ بازدارنده ایی از تقدیر الهی وجود ندارد و اگر بندگان مرتکب گناه شدند و او نعمتهایش را برایشان ارزانی نمود پس این علامت و نشانه نزدیک بودن عذاب الهی می باشد، الله سبحانه می فرماید:

---

(۱) صحیح بخاری (٦/٨٤) رقم حدیث: (٤٧١٢)، صحیح مسلم (١٢٧/١) رقم حدیث: (١٩٤).

(۲) سوره آل عمران:۲۸.

﴿وَأُمۡلِي لَهُمۡۚ إِنَّ كَيۡدِي مَتِينٌ﴾[1]، ترجمه: «به آنان مهلت میدهم بیگمان تدبیر من محکم است».

و اگر بندگان به سوی الله رجوع نمودند دروازه های توبه و خیر و رضایت خویش را برایشان می گشاید.

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

﴿أَفَمَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِ كَمَنۢ بَآءَ بِسَخَطٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأۡوَىٰهُ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ﴾[2]، ترجمه: «آیا کسی که در پی خشنودی الله است، مانند کسی است که به خشم الله بازگشت و جایگاه او دوزخ است و سرانجام بسیار بدی است».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید...

(۱) سوره الأعراف:۱۸۳.

(۲) سوره آل عمران:۱۶۲.

خطبه دوم

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می دهم که همانا پیامبر ما محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و اهل بیت و یارانش باد.

ای مسلمانان:

فرمانبرداری سبب جلب رضایت الله و موجب کسب رحمتش می باشد، الله تعالی می فرماید: ﴿وَرَحۡمَتِي وَسِعَتۡ كُلَّ شَيۡءٖۚ فَسَأَكۡتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلَّذِينَ هُم بِـَٔايَٰتِنَا يُؤۡمِنُونَ﴾[1]، ترجمه: «رحمت من همه چیز را در برگرفته، آن را نصیب کسانی خواهم کرد که تقوا را پیشه می سازند و زکات می دهند و به آیات ما ایمان می آورند».

و از وسعت رحمت الله بر بندگانش؛ سبقت گرفتن رحمت او بر غضبش میباشد، پیامبر ﷺ فرمودند: «**إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ كِتَاباً قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الخَلْقَ: إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي، فَهُوَ مَكْتُوبٌ عِنْدَهُ فَوْقَ العَرْشِ**» (روایت بخاری)[2]، ترجمه: «همانا الله متعال پیش از آفریدن مخلوقات، نوشته ای را نوشت که: رحمت من بر خشمم پیشی گرفته است و آن نوشته نزد او بالای عرش قرار دارد».

---

(۱) سوره الأعراف:۱٥٦.

(۲) صحیح بخاری (۹/۱٦۰) رقم حدیث: (۷٥٥٤).

و پناه جستن از خشم الله از جمله موانع خشم او - ان شاء الله - می باشد و از جمله دعاهای پیامبر ﷺ این بوده: «**اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ**» (روایت مسلم)[۱]، ترجمه: «بار الها! و به رضایتت از قهرت پناه می برم».

مسلمان زیرک و باهوش همیشه برای جلب رضایت الله متعال تلاش می کند و نفس خویش را از ارتکاب اموری که سبب غضب او می شود باز می دارد.

پس بدانید که الله شما را به درود و سلام فرستادن بر پیامبرش امر نموده...

(۱) صحیح مسلم (۵۱/۲) رقم حدیث: (٤٨٦).

فهرست موضوعات

اصدارات مولف

سلسه ای از خطبه های مسجد نبوی

- ❊ توحید
- ❊ ارکان اسلام
- ❊ ارکان ایمان
- ❊ پیامبر ﷺ و یارانش رضي الله عنهم
- ❊ اخلاق

a-alqasim.com